

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

آقای کنکور
t.me/MrKonkori

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی تجربی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان عربی

عَنِ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (۲۶-۳۵).

۲۶- ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾:

- ۱) همانا الله چیزی را که در دل قوم وجود دارد دگرگون نمی‌کند مگر وقتی که درون خویش را دگرگون کنند!
- ۲) قطعاً الله در آن چه در اقوام وجود دارد تغییر ایجاد نمی‌کند مگر زمانی که آن چه در دل هایشان هست تغییر کند!
- ۳) همانا خداوند آن چه را در قومی هست تغییر نمی‌دهد تا این که آن چه را در دل های خود دارند تغییر دهند!
- ۴) قطعاً خداوند چیزی را که در دل اقوام هست دگرگون نمی‌سازد مگر این که ابتدا دل های خود را دگرگون نمایند!

۲۷- «إِذَا كُنْتَ وَاثِقًا بِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُشَجِّعَ الْآخِرِينَ عَلَى أَنْ يَكُونُوا وَاثِقِينَ بِأَنْفُسِهِمْ»:

- ۱) هرگاه به خود اعتماد کنی، تو می‌توانی دیگران را به این که از خود مطمئن باشند، تشویق کنی!
- ۲) اگر به خود اعتماد داشته باشی، می‌توانی دیگران را تشویق کنی به این که به خود اعتماد داشته باشند!
- ۳) زمانی که به خود اطمینان داشته باشی، دیگران را به این که به خود بااعتماد باشند، ترغیب می‌کنی!
- ۴) اگر از نفس خود مطمئن باشی، دیگران را ترغیب به این می‌کنی که به نفس‌های خودشان اطمینان داشته باشند!

۲۸- «فِي الْحَيَاةِ الْفَرْدِيَةِ مِنَ الْجَمِيلِ جَدًّا أَنْ تَجْعَلَ عَدُوَّكَ صَدِيقًا، وَ الْأَجْمَلَ أَلَّا يَتَسَعَ قَلْبُكَ لِلْعَدَاوَةِ»:

- ۱) در زندگی شخصی زیباست جدّاً که دشمنت، دوست گردد و زیباتر است که قلبت برای دشمن شدن، فراخ نگردد!
- ۲) بسیار زیباست که در زندگی شخصی، دشمن خود را دوست بگردانی و زیباتر این که قلبت برای دشمنی فراخ نشود!
- ۳) بسیار زیباست که در زندگی شخصی دشمنت را، دوست قرار بدهی و زیباتر این که قلب خود را برای دشمنت گسترده نکنی!
- ۴) زیباست که در زندگی شخصی از دشمن خود دوست بسازی و زیباتر است که قلب خود را برای دشمن شدن، گسترش ندهی!

۲۹- «مَا قَلَّ عَدَدُ الْأَشْخَاصِ الْمُخْلِصِينَ الَّذِينَ نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْتَعِينَهُمْ حَتَّى نَجِدَ طَرِيقًا بِسَهُولَةٍ»:

- ۱) کم نشده است تعداد افراد بااخلاص که بتوانیم از آن‌ها یاری بجویم تا راه خود را به راحتی بیابیم!
- ۲) چه کم‌اند افرادی که مخلص باشند و بتوانیم از آن‌ها یاری بخواهیم تا راهی آسان برای خود پیدا کنیم!
- ۳) کم نبوده است افراد مخلصی که می‌توانستیم از آن‌ها یاری بخواهیم تا این که راه آسان خود را پیدا کنیم!
- ۴) کم نیست تعداد اشخاص بااخلاصی که می‌توانیم برای یاری جستن به آن‌ها روی آوریم تا راه خویش را راحت بیابیم!

۳۰- «بَدَأَ إِخْوَانِي الْمَزَارِعُونَ يَحْصِدُونَ الزَّرْعَ بِأَلَةٍ ذَاتِ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سَنٌّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ»:

- ۱) برادران کشاورزم با وسیله‌ای که دارای دسته‌ای چوبی و دندانه‌ای پهن از آهن است، شروع کردند کشت را درو کنند!
- ۲) برادرانم که کشاورز هستند زراعت را با وسیله‌ای که دسته‌اش چوبی و دندانه‌های پهنش آهنی است درو می‌کنند!
- ۳) برادرانم که کشاورزند درو کردن زراعت را با وسیله‌ای که دسته‌ای چوبی داشت و دندانه‌های پهنش از آهن بود شروع نمودند!
- ۴) برادران کشاورزم با وسیله‌ای که دارای دسته‌ای چوبی و دندانه‌هایی پهن از جنس آهن بود، شروع به درو کردن کشت نمودند!

۳۱- «عَيُونُ الْخَفَاشِ يَفْتَحُهَا ظِلَامُ اللَّيْلِ عِنْدَمَا يَبْسُطُ عَلَى كُلِّ الْأَشْيَاءِ، وَ تُغْلَقُهَا ضِيَاءُ الشَّمْسِ الَّتِي نَجِدُ طَرِيقًا بِنُورِهَا»:

- ۱) با تاریکی شب که بر همه چیز گسترده است چشمان خفاش باز می‌شود و نور خورشید که با روشنی آن راه خود را می‌یابیم آن‌ها را می‌بندد!
- ۲) تاریک بودن شب که بر همه چیزها گسترده است چشمان خفاش را باز می‌کند و روشنی خورشید که نورش هدایمان می‌کند آن‌ها را می‌بندد!
- ۳) چشمان خفاش را تاریکی‌های شبانه که بر همه چیز گسترده می‌شود باز می‌نماید و روشنایی خورشید که به وسیله نور آن هدایت می‌یابیم آن‌ها را می‌بندد!
- ۴) چشمان خفاش را تاریکی شب هنگامی که بر همه چیزها گسترده می‌شود باز می‌کند و نور خورشید که با روشنایی آن راه خود را می‌یابیم آن‌ها را می‌بندد!

۳۲- «هَنَّاكَ أَشْجَارٌ تَعِيشُ بِالْإِنْتِفَافِ حَوْلَ جُذُورٍ وَ جُذُوعِ الْأَشْجَارِ الْأُخْرَى وَ تَنْمُو بِخَنَقِ الْآخِرِينَ»:

- ۱) درخت‌هایی وجود دارند که با پیچیدن اطراف ریشه و تنه درخت‌های دیگر زندگی کرده و با خفقان بقیه رشد کرده‌اند!
- ۲) درخت‌هایی هستند که دور ریشه و تنه دیگر درخت‌ها پیچیده زندگی و رشد می‌کنند در حالی که برای بقیه خفقان می‌آورند!
- ۳) درختانی وجود دارند که با پیچیدن دور ریشه‌ها و تنه‌های درختان دیگر زندگی می‌کنند و با خفه کردن دیگران رشد می‌کنند!
- ۴) آن‌جا درختانی با در برگرفتن ریشه‌ها و تنه‌های درختان دیگر زندگی می‌کنند و رشد می‌نمایند در حالی که دیگران را خفه می‌کنند!

۳۳- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) لَا تَزُولُ ظِلْمَاتُ الْجَهْلِ إِلَّا بِمَصَابِيحِ الْعِلْمِ: تاریکی‌های جهل فقط با چراغ‌های علم از بین می‌رود!
- ۲) مَا إِمْتَنَعَ الْطِفْلُ أَنْ يَأْكُلَ الطَّعَامَ الَّذِي قَدْ طَبَخَتْهُ الْأُمُّ: کودک امتناع نکرد غذایی را که مادر پخته، بخورد!
- ۳) تَلْقَيْتَ الْآخِرِينَ بِمَا يَكْرَهُونَ عَمَلٌ يَكْبِيحُ: لقب‌دادن دیگران به آن چه ناپسند می‌دانند کار زشتی است!
- ۴) يَقْطَعُ التَّوَاصُلَ بَيْنَ الْأَصْدِقَاءِ بِالْغَيْبَةِ وَ الْاسْتِهْزَاءِ: ارتباط بین دوستان را غیبت و مسخره کردن قطع می‌کند!

۳۴- عَيْنُ الْخَطَأِ:

- (۱) إجعل فشلك بدايةً جديدةً لنجاحك: شكست را آغازی نو برای موفقیت خود قرار بده!
- (۲) إذا عَزَمْتَ أن تبدأ عملاً فَإِنَّكَ قد قطعْتَ نصفَ الطريق: هرگاه تصمیم به انجام دادن کاری گرفتی، نیمی از راه را پیمودی!
- (۳) إن استطعتَ أن تَمَلَأَ دقائقَ حياتك بالعمل المفيد نَجَحْتَ: اگر بتوانی دقائق زندگی خود را با عمل مفید پُر کنی، موفق می شوی!
- (۴) طلبُ التلاميذُ من المدير أن يُؤَجِّلَ الامتحاناتَ لأسبوعين آخرين: دانش آموزان از مدیر خواستند که امتحانات را برای دو هفته دیگر به تأخیر بیندازد!

۳۵- «پرنده باهوش تظاهر کرد که بالش شکسته است.» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (۱) تَظَاهَرِ الطَّائِرُ الذَّكِيَّ بأنَّ جناحه مكسورًا!
- (۲) يَتَظَاهَرِ الطَّائِرُ الذَّكِيَّ بأنَّه مكسور الجناح!
- (۳) تَظَاهَرِ طَائِرٌ ذَكِيٌّ أَنَّ الجناح له مكسورًا!
- (۴) يَتَظَاهَرِ طَائِرٌ ذَكِيٌّ أَنَّهُ مكسور في الجناح!

••• إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۳۶-۴۲) بما يناسب النَّصَّ:

تَعْتَمِدُ الملياراتُ من النَّاسِ في جميع أنحاء العالم، خاصَّةً في أَفقرِ دول العالم، على المُحيطاتِ و البِحارِ فَإِنَّها مؤثِّرةٌ بشكلٍ أساسيٍّ في إيجادِ فُرَصِ العملِ و كذلك الحصولِ على الغذاءِ و الاحتياجاتِ اليوميَّةِ. إِنَّ البلادَ المُجاوِرةَ لهذه النِّعمةِ الكُبرى تَسْتَغْنِي مِنْها بِأشكالٍ مُتخِلِفَةٍ في مَجالِ تَنْمِيَةِ اقتصادها و نموِّها؛ فَإِنَّها إِضافةً إلى أَنها مَصَادِرُ مِنَ النِّعمِ الغِذائيَّةِ و غَيرِها فهي فُرصةٌ ذَهَبِيَّةٌ لِجَذْبِ السُّوَّاحِ و المُسافِرينِ مِنْ جميعِ بلادِ العالمِ لِلتَّفرُّجِ و التَّلذُّذِ. و الأَمْرُ الجَدِيدُ بالذِّكْرِ هو أَنَّ النُّقْلَ البَحريَّ أَصْبَحَ الآنَ أَحَدَ طُرُقِ الاتِّصالِ الأساسيَّةِ بَيْنَ البلادِ، فَلِذلكِ يُعَدُّ مِنْ عَوامِلِ تَنْشِيطِ الإِقْتِصادِ. و أخيرًا ما تَجِبُ مُراعَاتها هي أَنَّ البِحارَ لَيْسَتْ مَكانًا لِلنِّفاياتِ فَإِنَّ عَدَمَ رِعايَةِ هذا الأَمْرِ يُسَبِّبُ هَلَاكَةَ الإنسانِ بِيدِهِ!

۳۶- عَيْنُ ما لَمْ يَذْكَرْ في النَّصِّ:

- (۱) أثَّرَ البِحارُ في الهِواءِ النَقِيَّ!
- (۲) البِحارُ و أثَرُها على إِملاءِ ساعِاتِ الفَراغِ!
- (۳) حَيَاةُ النَّاسِ و أثَرُ البِحارِ عَلَيْها!
- (۴) أثَّرَ البِحارُ في تَواصُلِ البلادِ بَعْضُها بِبَعْضٍ!

۳۷- عَيْنُ ما لَيْسَتْ مِنْ فَوائِدِ البِحارِ:

- (۱) إيجادُ مَنظَماتٍ لِلنُّقْلِ!
- (۲) هي أَمَكانٌ لِنِفايَةِ المِصانِعِ!
- (۳) تَأْسيِسُ الشَّرَكَاتِ الغِذائيَّةِ!
- (۴) شِواطِئُها أَمَكانٌ لِلإِسْتِراحةِ!

۳۸- كَيْفَ يَقْتُلُ الإنسانُ نَفْسَهُ؟

- (۱) بِتَلوِثِ مِياهِ البِحارِ!
- (۲) بِعَدَمِ تَنْمِيَةِ إِقتصادِ بِلادِهِ بِالبِحارِ!
- (۳) بِالإِسْتِفاةِ مِنَ التِّفائِياتِ!
- (۴) بِالإِقاءِ ما بَقِيَ مِنْ طِعامِهِ في البَحْرِ!

۳۹- العنْوانُ المُناسِبُ لِلنَّصِّ هو

- (۱) مَصادِرُ البِحارِ الغِذائيَّةِ
- (۲) أَهمِّيَّةُ البِحارِ
- (۳) أثَرُ التِّفائِياتِ في البِحارِ
- (۴) التَّثْقُلُ البَحريِّ

••• عَيْنُ الْخَطَأِ في الإِعْرابِ و التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (۴۰-۴۲).

۴۰- «تَعْتَمِدُ»:

- (۱) فَعْلٌ مُضارعٌ - له ثَلاتَةُ حُرُوفٍ أَصْلِيَّةٍ و هي «ع م د» و ماضِيه «اعْتَمَدَ» على وَزْنِ افْتَعَلَ
- (۲) مُضارعٌ - لِلْمَوْثُوثِ الغائِبِ - مَصْدَرُهُ «اعْتِمادٌ» / فَعْلٌ و فاعِلُهُ «المليارات» و الجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ
- (۳) فَعْلٌ مُضارعٌ - حُرُوفُهُ أَصْلِيَّةٌ ثَلاتَةٌ «ع ت م» و مَصْدَرُهُ «اعْتِمادٌ» على وَزْنِ افْتَعَالَ / فاعِلُهُ «المليارات»
- (۴) مُضارعٌ - لِلْمَفْرُودِ المَوْثُوثِ الغائِبِ - له حُرُوفانِ زائِدانِ، ماضِيه «اعْتَمَدَ» و مَصْدَرُهُ «اعْتِمادٌ» على وَزْنِ افْتَعَلَ

۴۱- «أَصْبَحَ»:

- (۱) فَعْلٌ ماضِيٌّ - لِلْغائِبِ - مِنَ الْأَفْعَالِ الناقِصَةِ بِمعْنى «صار» - حَرْفُهُ الزَّائِدُ: الهَمْزَةُ
- (۲) فَعْلٌ ماضِيٌّ - مِنَ الْأَفْعَالِ الناقِصَةِ بِمعْنى «كان»، وَزْنُهُ «أَفْعَلَ» و مَصْدَرُهُ «إِفْعَالٌ»
- (۳) ماضِيٌّ - لِلْمَفْرُودِ المَذْكَرِ الغائِبِ - له حُرُوفٌ ثَلاتَةٌ أَصْلِيَّةٌ و حَرْفٌ واحِدٌ زائِدٌ، مَصْدَرُهُ «إِصْبَاحٌ»
- (۴) ماضِيٌّ - لِلْمَفْرُودِ المَذْكَرِ الغائِبِ - على وَزْنِ «أَفْعَلَ» و وَزْنِ مَصْدَرِهِ: إِفْعَالَ - له حَرْفٌ واحِدٌ زائِدٌ

۴۲- «أَفْقَرُ»:

- (۱) مَفْرُودٌ مَذْكَرٌ - اسْمٌ تَفْضِيلٌ - مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الجَرِّ؛ في أَفْقَرٍ: جَارٌ و مَجْرُورٌ
- (۲) اسْمٌ - اسْمٌ تَفْضِيلٌ (جَمْعُهُ على وَزْنِ «أَفْعَالٌ») - فَعْلُهُ: «فَقِرَ» و مَصْدَرُهُ: «فَقْرٌ»
- (۳) مَفْرُودٌ مَذْكَرٌ - اسْمٌ تَفْضِيلٌ (بِمَعْنى «تَرِينٌ»، و هو مُضَافٌ) - مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الجَرِّ «في»
- (۴) اسْمٌ - مَفْرُودٌ مَذْكَرٌ - اسْمٌ تَفْضِيلٌ (مُؤَنَّثُهُ على وَزْنِ «أَفْعَلَةٌ» و جَمْعُهُ على وَزْنِ «أَفْعَالٌ»)

• عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰).

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) أتمتني أن أتشرّف مع جميع أعضاء الأسرة لزيارة مَنّة المُكرّمة!
(۲) يجب أن يكون كلامه ليئناً على قدر عقول المستمعين لكي يُقنعهم!
(۳) عندما يتأكّد الطائر من خداع العدو و إنقاذ حياة فراخه، يطير بغنة!
(۴) أمرهم ذو القرنين بأن يأتوا بالحديد و التّحاس فوضعهما في ذلك المضيق!

۴۴- عین الصحيح عن المفردات:

- (۱) من تؤلمه رجله لا يقدر الصعود إلى القمّة. (جمع) ← رجال، قمم
(۲) هواة كرة القدم يجتمعون في الملعب. (متضاد) ← راغبون، ينتشرون
(۳) هو من أهمّ الكتاب على رغم ظروفه القاسية. (مفرد) ← كتاب، ظرف
(۴) بعد ذلك جاء بهدايا كثيرة فرفضها الملك. (المترادف) ← أتى بـ، لم يقبل

۴۵- عین الخطأ عن المفهوم:

- (۱) الزّرع: مكان يعمل المزارع فيه!
(۲) زرع: جعل البذور تحت التراب!
(۳) المزارع: من يزرع شيئاً في الأرض ثم يحصده!
(۴) المزارع: الأراضي التي زرع فيها الزّرع، و الزارع يحصده!

۴۶- عین ما فيه اسم التفضيل:

- (۱) لا خير لنا في مصاحبة الإنسان الكذاب!
(۲) ما تقدّموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله!
(۳) جهّز نفسك لشَر الأشياء و عليك أن ترجو خيرها!
(۴) جعل الله في كلّ نعمة خيراً إن لم نبدلها إلى شراً!

۴۷- عین ما ليس معادلاً للماضي الاستمراري في الفارسيّة:

- (۱) كان التلاميذ يقدفون الكرة حتّى تدخل المرمى!
(۲) كان ذلك الكتاب يضمّ الكلمات الفارسيّة و العربيّة!
(۳) كان أبي يأمرني بمداواة الناس كما يأمرني بأداء الفرائض!
(۴) كان طعم البرتقال الذي ينبت في شمال إيران لذيذاً!

۴۸- عین «لا» لنفي الجنس:

- (۱) سيأتي يوم لا ينفعنا مالٌ و بنون فعلينا أن نجمع الخيرات لأنفسنا لذلك اليوم!
(۲) إن كنت مع الله فلا تحزن أبداً و لا تضلّ عن صراطه و لا تفقد محبّته!
(۳) اصطدم إطار سيارتي بشيءٍ حادّ فانفجر و لا إطار احتياطي عندي!
(۴) هل تنسى أن تذكر نعمة ربك؟ لا أنا لست من الغافلين!

۴۹- عین «ما» تختلف في المعنى:

- (۱) ما أقنع المتكلّم المستمعين مع أن كلامه ليئ!
(۲) ما قطعك كلام معلّمي حتّى يفرغ من الكلام!
(۳) ما استخدم المزارع السياج إلّا لحماية محاصيله!
(۴) ما أجمل الصّف الذي يحبّ المعلّم التلاميذ و يحبّونه!

۵۰- عین ما فيه الحصر:

- (۱) لا يقدر أحد صعود الجبل المرتفع إلّا الإنسان القوي!
(۲) ما نال هذا الشّاعر الجوائز بعد إنشاده إلّا جائزة ثمينة!
(۳) لا ننقل إلى موقف تصلح السيّارات إلّا سيارة معطلة!
(۴) لا نشترى الفاكهة اليوم إلّا نوعاً واحداً منها و هو التفاح!

زبان عربی

ذات ید من الخشب: با وسیله‌ای که دارای دسته‌ای چوبی است / «سنّ عریضة»: دندانهای پهن / «من الحديد»: از آهن
خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ که (اضافی است!) - دسته‌اش («ید» ضمیری ندارد!) - دندانهای پهنش (اولاً «سنّ» مفرد است نه جمع، ثانیاً نکره است نه معرفه و ثالثاً ضمیری ندارد!) - درو می‌کنند («بدأ» در ترجمه لحاظ نشده است!) / ۳ که (مانند ۲) - داشت (دارد) - دندانهای پهنش (مانند ۲) / ۴ دندانهایی («سنّ» مفرد است نه جمع!) - جنس (اضافی است).

۳۱- گزینه: کلمات مهم: «عیون الخفّاش یفتحها»: چشمان خفّاش را باز می‌کند / «ظلام الليل»: تاریکی شب / «عندما»: هنگامی که / «یَبْسُطُ»: گسترده می‌شود / «علی کلّ الأشياء»: بر همه چیزها / «تُغلقها»: آن‌ها را می‌بندد / «ضیاء الشمس الّتی»: نور خورشید که / «نجد طریقنا»: راه خود را می‌یابیم / «بنورها»: با روشنایی آن خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ با (اضافی است) - که (معادل «عندما» نیست) - چیز («الأشیاء» جمع است نه مفرد) - گسترده است («یَبْسُطُ» مجهول است نه معلوم) - باز می‌شود («یَفْتَحُ» معلوم است نه مجهول!) / ۲ که (مانند ۱) - گسترده است (مانند ۱) - نورش (حرف «ب» در «بنور» ترجمه نشده است!) - هدایت‌مان می‌کند (معادل «نجد طریقنا» نیست!) / ۳ تاریکی‌های شبانه (اولاً «ظلام» مفرد است نه جمع، ثانیاً «اللیل» معادل «شبانه» نیست!) - که (مانند ۱) - چیز (مانند ۱) - هدایت می‌یابیم (مانند ۲).

۳۲- گزینه: کلمات مهم: «هناك»: وجود دارند (در ابتدای جمله اسمیه به این صورت ترجمه می‌شود) / «أشجار»: درختانی / «تعیش»: زندگی می‌کنند / «بالالتفاف»: با پیچیدن / «حول جذور و جذوع الأشجار الأخری»: دور ریشه‌ها و تنه‌های درختان دیگر / «تنمو»: رشد می‌کنند / «بخنق الآخرين»: با خفه کردن دیگران خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ ریشه و تنه (کلمات «جذور» و «جذوع» جمع هستند نه مفرد!) - رشد کرده‌اند («تنمو» مضارع است نه ماضی!) / ۲ ریشه و تنه (مانند ۱) - در حالی که («و» در این عبارت از نوع حالیه نیست!) - خفقان می‌آورد («تنمو» ترجمه نشده است!) / ۴ آن‌جا («هناك» در ابتدای جمله اسمیه به صورت «وجود دارد، هست» ترجمه می‌شود) - در حالی که (مانند ۲) - خفه می‌کنند (اولاً «خنق» در این عبارت اسم است نه فعل، ثانیاً «تنمو» ترجمه نشده است!)

۳۳- گزینه: خطای این عبارت: قطع می‌کند («یَقْطَعُ: قطع می‌شود» مجهول است نه معلوم!)

۳۴- گزینه: ترجمه صحیح: «هرگاه تصمیم گرفتی کاری را شروع کنی، نصف راه را پیموده‌ای!»

۳۵- گزینه: کلمات مهم: پرنده باهوش: «الطائر الذّکی» / تظاهر کرد: «تَظَاهَرَ» / که بالش شکسته است: «بأنّ جناحه مکسور» خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ «یتظاهر» («تظاهر کرد» ماضی است نه مضارع!) - «الجناح» (ضمیر موجود در «بالش» در عبارت عربی لحاظ نشده است!)

۲۶- گزینه: کلمات مهم: «إنّ»: همانا / «لا یُغیّر»: تغییر نمی‌دهد / «ما»: آن چه را / «بقوم»: در قومی است / «حتّی یُغیّروا»: تا این که تغییر دهند / «ما»: آن چه را / «بأنفسهم»: در دل‌های خود دارند خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ قوم («قوم» نکره است نه معرفه!) - درون خویش را ... (کلمه «ما: آن چه» در ترجمه لحاظ نشده است!) / ۲ در آن چه (کلمه «در» اضافی است!) - اقوام («قوم» مفرد است نه جمع، هم‌چنین نکره است نه معرفه!) - زمانی (اضافی است) - تغییر کند (اولاً «یُغیّروا» جمع است نه مفرد، ثانیاً به معنای «تغییر دادن» است نه «تغییر کردن») / ۴ اقوام (مانند ۲) - ابتدا (اضافی است!) - دل‌های خود را ... (کلمه «ما: آن چه» در ترجمه لحاظ نشده است!)

۲۷- گزینه: کلمات مهم: «إذا كنت واثقاً بنفسك»: اگر به خود اعتماد داشته باشی / «إنّك تستطيع»: می‌توانی / «أن تُشجّع»: تشویق کنی / «الآخرین»: دیگران را / «علی أن یكونوا واثقین بأنفسهم»: به این که به خود اعتماد داشته باشند خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ اعتماد کنی («إذا كنت واثقاً» یعنی «هرگاه مطمئن باشی» یا «هرگاه اعتماد داشته باشی») / ۳ کلمه «تستطيع»: می‌توانی در ترجمه لحاظ نشده است! / ۴ کلمه «تستطيع»: می‌توانی در ترجمه لحاظ نشده است!

۲۸- گزینه: کلمات مهم: «فی الحیاة الفردیة»: در زندگی شخصی / «من الجمیل جدّاً»: بسیار زیباست / «أن تجعل عدوك صديقاً»: که دشمن خود را دوست بگردانی / «الأجمل»: زیباتر / «آلا یَتَسع قلبك»: این که قلبت فراخ نشود / «للعداوة»: برای دشمنی خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ دوست گردد («تجعل» یعنی «گردانی») / ۲ دشمنی (اولاً «العداوة» یعنی «دشمنی کردن» نه «دشمن»، ثانیاً ضمیری در آن به کار نرفته است!) - گسترده نکنی («یَتَسع» غایب است نه مخاطب!) / ۴ زیباست (کلمه «جدّاً» در ترجمه لحاظ نشده است!) - بسازی (بگردانی) - گسترش ندهی (مانند ۳).

۲۹- گزینه: کلمات مهم: «ما قلّ»: کم نشده است / «عدد الأشخاص المُخلصین الذّین»: تعداد افراد بااخلاص که / «نستطيع أن نستعین بهم»: بتوانیم از آن‌ها یاری بجویم / «حتّی نجد»: تا بیابیم / «طریقنا»: راه خود را / «بسهولة»: به راحتی خطاهای سایر گزینه‌ها: ۲ چه کم‌اند (معادل «ما قلّ» نیست!) - افرادی که مخلص باشند (اولاً کلمه «عدد» ترجمه نشده است، ثانیاً کلمات «که» و «باشند» اضافی است!) - و (اضافی است!) - راهی («طریقنا» یعنی «راه ما») - آسان («بسهولة» یعنی «به آسانی») - برای خود (معادلی در عبارت عربی ندارد!) / ۳ افراد مخلصی که ... (کلمه «عدد» ترجمه نشده است!) - می‌توانستیم («نستطيع» معادل مضارع است نه ماضی استمراری!) - راه آسان خود («بسهولة» یعنی «به آسانی» و صفت «طریق» نیست!) / ۴ کم نیست («ما قلّ» ماضی است نه مضارع!) - یاری جستن («نستعین» فعل است نه مصدر!) - روی آوریم (اضافی است!) - راحت (مانند ۲)

۳۰- گزینه: کلمات مهم: «بدأ»: شروع کردند / «إخوانی المَزارعون»: برادران کشاورزم / «یحصدون»: درو کنند / «الزّرع»: کشت / «بالیّة»



۴۴- گزینه ۱ بررسی گزینه‌ها: ۱ جمع «رجل: پا»: «أرجل: پاها» نه «رجال: مردان» - جمع «القمة: قله»: «قمم: قله‌ها» / ۲ «هواة: هواداران»، «راغبون: علاقه‌مندان» با هم مترادف‌اند، نه متضاد - متضاد «يجتمعون: جمع می‌شوند»: «ينتشرون: پخش می‌شوند» / ۳ مفرد «الكتاب: نویسندگان»: «كاتب: نویسنده» نه «كتاب: کتاب» - مفرد «ظروف: شرایط»: «طرف: ۴ مترادف «جاء ب: آورد»: «أتى ب: - مترادف «رفض: نپذیرفت»: «لم يقبل: قبول نکرد»

۴۵- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها: ۱ کشت: مکانی که کشاورز در آن کار می‌کند! ۲ کاشت: دانه‌ها را زیر خاک قرار داد! ۳ کشاورز: کسی که چیزی را در زمین می‌کارد سپس آن را درو می‌کند! ۴ مزرعه‌ها: زمین‌هایی که در آن‌ها، کشت کاشته می‌شود و کشاورز آن را درو می‌کند!

۴۶- گزینه ۲ کلمات «خیر» و «شر» فقط زمانی اسم تفضیل هستند که به معنای «بهتر، بهترین» و «بدتر، بدترین» باشند! ترجمه گزینه‌ها: ۱ هیچ خوبی‌ای در همنشینی با انسان دروغگو نیست! ۲ هر چه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می‌باید! ۳ خودت را برای بدترین چیزها آماده کن و بر تو واجب است که به خوب‌ترین آن‌ها امید داشته باشی! ۴ خداوند در هر نعمتی خوبی‌ای را قرار داده است اگر آن را به بدی تبدیل نکنیم!

۴۷- گزینه ۱ ساختار «کان + مضارع» معادل ماضی استمراری می‌باشد! ترجمه گزینه‌ها: ۱ دانش‌آموزان توپ را پرتاب می‌کردند تا وارد دروازه شود! ۲ آن کتاب واژگان فارسی و عربی را در بر می‌گرفت! ۳ پدرم مرا به مدارا با مردم امر می‌کرد همان‌طور که مرا به انجام واجبات دینی امر می‌کرد! ۴ طعم پرتقالی که در شمال ایران می‌روید لذیذ است! - «کان» در این عبارت به معنای «است» یعنی مضارع به کار رفته و ماضی استمراری نمی‌سازد.

۴۸- گزینه ۲ لای نفی جنس، لایی است که بر سر اسم نکره و مفرد می‌آید و معنای «هیچ ... نیست» می‌دهد! «لا» در «لا إطار» از نوع نفی جنس است! در گزینه‌های ۱ و ۲ «لا» بر سر فعل مضارع آمده است و در ۴ «لا» از نوع «جوابیه» و به معنای «نه» می‌باشد!

۴۹- گزینه ۱ «ما» در «ما أجمل: چه زیباست» از نوع تعجب است اما در سایر گزینه‌ها «مای نفی» به کار رفته است! ۱ «ما أفنع»: قانع نکرد ۲ «ما قطع»: قطع نکردم ۳ «ما استخدم»: استفاده نکرد

۵۰- گزینه ۲ در این گزینه جمله قبل «إلا» منفی و مستثنی‌منه محذوف است، بنابراین اسلوب حصر داریم! بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ «أحد» مستثنی‌منه و «الإنسان» مستثنی است! ۲ «الجوائز» مستثنی‌منه و «جائزة» مستثنی است! ۴ «الفاكهة» مستثنی‌منه و «نوعاً» مستثنی است!

۳ «طائر ذكي» («پرنده باهوش» معرفه است نه نکره!) - «الجناح» (مانند ۲)

۴ «يتظاهر» (مانند ۲) - «طائر ذكي» (مانند ۳) - «في» (اضافی است!) - «الجناح» (مانند ۲) ترجمه متن:

«میلیاردها نفر از مردم در سرتاسر جهان، به‌خصوص در فقیرترین کشورهای جهان، بر اقیانوس‌ها و دریاها تکیه دارند و آن‌ها به صورت اساسی در ایجاد فرصت‌های شغلی و همچنین به دست آوردن غذا و نیازهای روزمره مؤثر هستند. کشورهای مجاور این نعمت بزرگ از آن به شکل‌های مختلفی در زمینه رشد و رونق‌دادن به اقتصاد خود استفاده می‌کنند؛ آن‌ها علاوه بر این که منابعی از نعمت‌های غذایی و غیره هستند فرصتی طلایی برای جذب گردشگران و مسافران از تمامی کشورهای جهان برای تفریح و لذت هستند. و امر شایان ذکر این است که حمل‌ونقل دریایی امروزه یکی از راه‌های اصلی ارتباط بین کشورها شده و به همین خاطر یکی از عوامل رشد اقتصاد به شمار می‌رود. و سرانجام چیزی که رعایتش واجب است این است که دریاها مکانی برای زباله‌ها نیستند و قطعاً رعایت‌نکردن این موضوع سبب از بین رفتن انسان به دست خودش می‌شود!»

۳۶- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها: ۱ تأثیر دریاها در هوای پاک! / ۲ دریاها و تأثیرشان بر پرکردن اوقات فراغت! / ۳ زندگی مردم و تأثیر دریاها بر آن! / ۴ تأثیر دریاها در ارتباط کشورها با یکدیگر!

۳۷- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: ۱ ایجاد نهادهایی برای حمل‌ونقل! / ۲ آن‌ها مکان‌هایی برای زباله کارخانه‌ها هستند! / ۳ تأسیس شرکت‌های غذایی / ۴ ساحل‌های آن‌ها مکان‌هایی برای استراحت هستند!

۳۸- گزینه ۱ چگونه انسان خود را می‌کشد؟ ۱ با آلوده کردن آب‌های دریاها! / ۲ با رشد ندادن اقتصاد کشورش به وسیله دریاها! / ۳ با استفاده از زباله‌ها! / ۴ با انداختن آن‌چه که از غذایش باقی‌مانده است در دریا!

۳۹- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: ۱ منابع غذایی دریاها / ۲ اهمیت دریاها / ۳ اثر زباله‌ها در دریاها / ۴ حمل‌ونقل دریایی

۴۰- گزینه ۳ خطای این گزینه: حروفه الأصلية «ع ت م» (حروف اصلی فعل «تعتمد» «ع م د» هست و «ت» جزء حروف زائد از باب افتعال است!)

۴۱- گزینه ۲ خطای این گزینه: بمعنی «کان» («أصبح: شد» به معنای «کان: بود» نیست!)

۴۲- گزینه ۲ خطای این گزینه: مؤنثه علی وزن «أفعلة» («أفقر» اسم تفضیل است، بنابراین مؤنث آن بر وزن «فعلی» می‌باشد!)

۴۳- گزینه ۲ خطاهای این گزینه: «عقول» (این کلمه جمع مکتسر «عقل» می‌باشد و حرکت‌گذاری صحیح آن «عُقُول» است!) - «المُستمعین» (با دقت در معنای جمله، به اسم فاعل نیاز داریم نه اسم مفعول، بنابراین «المُستمعین» صحیح است!)

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

آقای کنکور
t.me/MrKonkori

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی ریاضی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان عربی

• عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦-٣٥).

٢٦- ﴿أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا، فَعَصَى فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ﴾:

(۱) پیامبر را که برای فرعون مبعوث کردیم، فرعون از او اطاعت نکرد.

(۲) به سوی فرعون رسولی فرستادیم، پس فرعون از آن رسول نافرمانی کرد.

(۳) رسولی به سوی فرعون گسیل داشتیم، ولی فرعون از رسول ما سرپیچی کرد.

(۴) برای فرعون آن پیامبر را ارسال کردیم، پس فرعون بر آن پیامبر عصیان کرد.

٢٧- «الْصَّدَقُ كَصَحَّةِ الْإِنْسَانِ، لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُدْرِكَ قِيَمَتُهُ إِلَّا عِنْدَمَا يُفْقَدَ!»:

(۱) صدق همان سلامتی انسان است، فقط زمانی که از دست برود قدر آن دانسته می‌شود!

(۲) صداقت مانند سلامتی انسان است، تا زمانی که از دست نرود امکان ندارد ارزش آن درک شود!

(۳) راستی همان صحت بدن انسان است، ارزشش درک نمی‌شود مگر آن‌گاه که آن را از دست بدهد!

(۴) درستی همچون سلامت بدن انسان است، نمی‌توانی قدر آن را دریابی مگر زمانی که از دست برود!

٢٨- «إِنْ ذَهَبْنَا مِنْ نَفْسِ الطَّرِيقِ الَّذِي كُنَّا نَذْهَبُ مِنْهُ مِنْ قَبْلُ، وَصَلْنَا إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ الَّذِي كُنَّا نَصِلُ إِلَيْهِ دَائِمًا!»:

(۱) اگر از راهی برویم که همیشه می‌رفتیم، به آن مکانی می‌رسیم که قبلاً رسیده‌ایم!

(۲) اگر از راهی رفتیم که قبلاً رفته بودیم، به همان محلی که دائماً می‌رسیدیم رسیده‌ایم!

(۳) اگر از همان راهی رفتیم که دائماً رفته بودیم، به آن محلی که همیشه می‌رسیدیم، می‌رسیم!

(۴) اگر از همان راهی برویم که از قبل می‌رفتیم، به همان مکانی می‌رسیم که همیشه می‌رسیدیم!

٢٩- «مَنْ يُؤْمِنُ بِأَنَّهُ سَيَنْجَحُ فِي طَرِيقِهِ، لَا شَكَّ أَنَّهُ قَدْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُوصِلَ نَفْسَهُ إِلَى نِصْفِ الطَّرِيقِ!»:

(۱) هر کس ایمان داشته باشد که او در راهش پیروز خواهد شد، شکی نیست که خودش می‌تواند به نیمه راه برسد!

(۲) آن کس که ایمان داشت که در آینده در راه خود موفق خواهد شد، حتماً خود توانسته است به اواسط راه برسد!

(۳) کسی که ایمان داشته باشد، به این‌که در راهش موفق خواهد شد، بی‌شک توانسته است خود را به نیمه راه برساند!

(۴) هر آن کس که ایمان دارد به این‌که در مسیرش پیروز خواهد شد، قطعاً خواهد توانست که خود را به اواسط مسیر برساند!

٣٠- «الاحتفاظ بالوحدة فضلٌ لأمّتنا المفكّرة، ولكن الأعداء يشجعون عملاءهم أن يفرقونا!»:

(۱) حفظ وحدت، برتری برای امت متفکر ماست که دشمنانمان عوامل خود را به پراکنده‌ساختن ما تشویق می‌کنند!

(۲) حفظ وحدت برای امت متفکر ما فضیلتی است، ولی دشمنان، مزدوران خود را تشویق می‌کنند که ما را پراکنده کنند!

(۳) نگاه‌داشتن وحدت امت اندیشمندان، فضیلتی است که دشمنان ما مزدوران را تشویق می‌کنند ما را پراکنده سازند!

(۴) نگاه‌داشتن وحدت برای امت ما که اندیشمند است فضلی به شمار می‌آید، ولی دشمنان عوامل خود را تشویق به پراکنده‌شدن ما می‌کنند!

٣١- «مَنْ يَرَى النَّاسَ صِغَارًا، كَالَّذِي هُوَ وَاقِفٌ عَلَى قِمَّةِ الْجَبَلِ، يَرَاهُ النَّاسُ صَغِيرًا أَيْضًا!»:

(۱) آن که مردم در نظرش کوچک‌اند، مثل کسی است که بر قله‌ای از کوه ایستاده، او هم در نظر مردم کوچک می‌نماید!

(۲) هر کس مردم را کوچک دید، همچون کسی است که بر قله‌ای در کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌بینند!

(۳) کسی که مردم را کوچک می‌بیند، چون کسی است که بر قله کوه ایستاده، مردم نیز او را کوچک می‌بینند!

(۴) هر آن که مردم را کوچک انگاشت، همان کس است که روی قله کوه ایستاده، مردم هم او را کوچک می‌انگارند!

٣٢- «كَانَ رَجُلًا هَاتِنِ الْقَبِيلَتَيْنِ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ مِنْ طَرِيقِ ذَلِكَ الْمَضِيقِ حَتَّى أَغْلِقَ بَسْدٌ عَظِيمٌ مِنَ الْحَدِيدِ وَ النَّحَاسِ الْمَذَابِ!»:

(۱) مردان این دو قبیله اموال مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌بردند تا این‌که با سدّ بزرگی از آهن و مس ذوب‌شده، بسته شد!

(۲) مردان آن دو قبیله اموال مردمان را از طریق این تنگه غارت کردند تا این‌که به وسیله سدّ بزرگی از آهن و مس مذاب بسته شد!

(۳) بزرگان این دو قبیله دارایی‌های مردم را از راه آن تنگه به یغما می‌بردند تا این‌که با سدّی بزرگ از مس و آهن آب‌شده بسته شود!

(۴) بزرگان آن دو قبیله دارایی‌های مردمان را از طریق آن تنگه غارت می‌کردند تا این‌که به وسیله سدّی بزرگ از مس و آهن آن را بستند!

٣٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(۱) کان صدیقی آلف کتاباً توجد فيه قصص مفيدة: دوستم کتابی تألیف کرد. در آن داستان‌های مفیدی می‌یابی!

(۲) للالعبي المباراة وقت محدّد يجب أداء أعمالهم فيه: بازیکنان مسابقه در وقت مشخص باید کارها را انجام دهند!

(۳) اللهم اجعلنا من يتوبون إليك فتقبلهم: خدایا ما را از کسانی قرار بده که به سوی تو توبه می‌کنند و آن‌ها را می‌پذیری!

(۴) إن لم يتعاضد الناس بعضهم بعضاً فلا سبيل لتقدّم بلدهم: مردم باید با یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند تا راهی برای پیشرفت کشورشان بیابند!

۳۴- عین الخطأ:

- (۱) بالحلم عن السفيه يكثر الأنصاء: بردباری بر نادان، یاران را زیاد می کند!
 (۲) سیأتي الغد بكثير ممّا لا تعرفون: فردا بسیاری از آن چه را نمی دانید خواهد آورد!
 (۳) الله الذي ينصر المجاهدين و هم قليلون: خدا کسی است که مجاهدان را با این که اندک اند یاری می کند!
 (۴) يوجد التفط تحت طبقات الأرض بعد مرور قرون: نفت زیر طبقات زمین بعد از گذشت قرن ها یافت می شود!

۳۵- «كشاورز را دیدم در حالی که محصول را جمع می کرد.» عین الصحيح:

- (۱) شاهدت فلاحاً و هو يجمع محصوله!
 (۲) شاهدت فلاحاً و هو يجمع المحصول!
 (۳) رأيت الفلاح و هو يجمع محصولاً!
 (۴) رأيت الفلاح و هو يجمع المحصول!

••• اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۳۶-۴۲) بما يناسب النص:

الإنسان المثالي الذي يسعى للمجد هو الإنسان الذي ينظر إلى العالم كساحة لا يرى فيها إلا الحركة والنشاط، حيث إن الرخوة والسكون يساويان الموت! وكذلك إن كل من في الوجود إذا أراد التصرّ و الظفر ملزم بمواجهة العالم كمجموعة فيها نزول و صعود لا حيلة منهما و لا يمكن اختيار أحدهما دون الآخر! فإن المصاعب التي تقع في سبيل الطالب - على سبيل المثال - هي التي تقع قليلاً أو كثيراً أو مشابهاً في سبيل الآخرين. فمن كانت نفسه متسعة تقبل الحياة بما فيها من دون ضجر، ولكن من كانت الحياة أكبر منه و الذي صغر شأن نفسه فالحياة تتغلب عليه، فحينئذ يعيش هذا الإنسان مأیوساً يلعن الآخرين بخجة أنهم لم يكونوا في سبيل قضاء حوائجه!

۳۶- عین الصحيح:

- (۱) الحياة تواجه أبناء البشر مواجهة متشابهة!
 (۲) مقدار المصاعب يتساوى في جميع أبناء البشر!
 (۳) الرخوة و النزول و الصعود ممّا لا حيلة منها أبداً!
 (۴) المأیوس يعيش و هو يفكر في قضاء حوائج الآخرين!

۳۷- عین الصحيح:

- (۱) إن النزول و الصعود من أسباب الإنسان المثالي للوصول إلى المجد!
 (۲) من كانت نفسه متسعة فلا يرى المصاعب إلا في طريقه فقط!
 (۳) لا مصاعب إلا في طريق الإنسان المأیوس!
 (۴) لا يشعر بالسوء من يقبل الحياة بما فيها!

۳۸- من هو الإنسان الذي مرافقه التصرّ و الظفر؟ عین الخطأ:

- (۱) من تتغلب الحياة عليه!
 (۲) من لا يرى الحياة بوجه واحد فقط!
 (۳) من لا يفكر فقط بوقوع ما يحبه!
 (۴) من يرى أن النشاط هو من السنن الإلهية!

۳۹- عین ما هو الأنسب للعبارة التالية:

- «إن المصاعب التي تقع في سبيل الطالب هي التي تقع في سبيل الآخرين!»
 (۱) التجاح وقت على من لا ينم!
 (۲) لعل العسر يصبح يسراً في الغدا!
 (۳) الدهر يومان يوم لك و يوم عليك!
 (۴) الدنيا محفوفة بالبلایا! (محفوفة: مستورة)

••• عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰-۴۲).

۴۰- «كانت»:

- (۱) فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث الغائب/ من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»
 (۲) فعل ماضٍ - للمفرد المؤنث/ فعل من الأفعال الناقصة، و الجملة جواب شرط
 (۳) ماضٍ - للمفرد - حروفه الأصلية ثلاثة/ فعل من الأفعال الناقصة، بمعنى «بود»
 (۴) ماضٍ - للمؤنث - له ثلاثة حروف أصلية/ من الأفعال الناقصة، و الجملة شرطية

۴۱- «صغر»:

- (۱) ماضٍ - للمفرد الغائب - له حرف واحد زائد - معلوم/ فعل و مفعوله «شأن»
 (۲) ماضٍ - للمفرد المذكر الغائب - مصدره على وزن تفعیل - معلوم/ فعل و مع فاعله جملة فعلية
 (۳) فعل ماضٍ - له حرف زائد و مصدره «تصغير» على وزن تفعیل/ فعل و فاعل، و الجملة فعلية
 (۴) فعل ماضٍ - له حرف واحد زائد، و مصدره على وزن «تفعل»/ فعل و فاعل، و الجملة فعلية

۴۲- «الطالب»:

- (۱) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة: طلب) - معرف بأل/ مضاف إليه للمضاف «سبيل»
 (۲) اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة: طلب، و مصدره: مطالبة)/ مضاف إليه
 (۳) مفرد مذكر - اسم فاعل (فعلة «طلب» بدون حرف زائد) - معرف بأل
 (۴) اسم - مفرد - اسم فاعل (من فعل «طلب» و اسم مفعوله: مطلوب)

• عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰).

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) العلم نور و ضياء یَقْدِفُهُ اللهُ في قلوب أوليائه.
- (۲) رَبِّ كِتَاب تَجْتَهِدُ في قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا تَحْصُلُ عَلَى فائِدَةٍ مِنْهُ.
- (۳) عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.
- (۴) فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ شَاهَدَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ الْمَسْجِدِ.

۴۴- عین الخطأ:

- (۱) أَسْرَى: تَحَرَّكَ لَيْلًا (لَا صَبَاحًا)!
- (۲) الْمُسْتَنْقَع: مَكَانٌ فِيهِ مِيَاهٌ وَ رَائِحَةٌ مِيَاهِهِ كَرِيهَةٌ!
- (۳) الْغَيْم: نَوْعٌ مِنَ السَّحَابِ لَا يَنْزِلُ مِنْهُ إِلَّا الْمَطَرُ!
- (۴) الْفَرِيق: جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ الَّذِينَ لَهُمْ هَدَفٌ وَاحِدٌ!

۴۵- عین الخطأ عن تعيين الساعة: الثانية عشرة إلا ربعًا:

- (۱) ۱۱:۴۵
- (۲) الحادية عشرة و خمس و أربعون دقيقة
- (۳) ۱۱ و ۳۰ دقيقة
- (۴) ۱۲ إلا خمس عشرة دقيقة

۴۶- عین ما فيه «اسم التفضيل» أكثر:

- (۱) أَعُوذُ مِنَ الشَّرِّ بِأَحْسَنِ الْخَالِقِينَ!
- (۲) أَشْرَفُ النَّاسِ مَنْ يَكُونُ رَوْفًا لِلْأُسْرَةِ!
- (۳) أَحَبُّ أَوْسَطِ الْأُمُورِ لَأَنْهَا خَيْرُ الْأَعْمَالِ!
- (۴) أَفْضَلُكُمْ مَنْ هُوَ أَلِينٌ وَ أَلْطَفٌ لِلْآخَرِينَ!

۴۷- عین ما فيه لام الأمر:

- (۱) عِنْدَ مَشَاهِدَةِ آثَارِ قُدْرَةِ اللَّهِ لِيَخْشَعَ الْقَلْبُ!
- (۲) سَاعِدِ أَصْدِقَاءَكَ لِيَخْرُجُوا مِنْ مَشَاكِلِهِمْ بِسَهُولَةٍ!
- (۳) يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ كَثِيرٌ مِنَ الْمَحَاوَلَاتِ لِيُصْلِحَ نَفْسَهُ!
- (۴) ذَهَبَ صَدِيقِي إِلَى مُتَجَرٍّ آخَرَ لِيَشْتَرِيَ سُرْوَالًا أَرْخَصَ!

۴۸- عین ما فيه «نون الوقاية»:

- (۱) إِنَّ الْبَلِيلَ يُغْتِي حَتَّى إِذَا كَانَ فِي الْقَفْسِ!
- (۲) سَيَنْفَعُنِي غَدًا كُلُّ مَا أَنْعَلَمَ الْيَوْمَ!
- (۳) لَا تَحْزَنِي إِنَّ اللَّهَ يَسَاعِدُكَ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ!
- (۴) هَذَا الرَّجُلُ يَبْنِي بَيْتَهُ فِي حَدِيقَةٍ خَارِجَ الْمَدِينَةِ!

۴۹- عین «ما» شرطية:

- (۱) مَا تَتَعَلَّمُهُ مِنَ الْعُلُومِ الْمُخْتَلَفَةِ تُبْعَدُكَ عَنِ الْجَهَالَةِ!
- (۲) مَا نَبَتِ الْأَشْجَارُ الْخَانَقَةُ فِي بِلَدِنَا لِأَنَّهَا أَشْجَارُ إِسْتَوَائِيَّةٍ!
- (۳) مَا وَجَدْتُ فِي ذَلِكَ الْكِتَابِ الَّذِي أَثَّرَ فِي نَفْسِكَ بَعْدَ قِرَائَتِهِ!
- (۴) مَا مِنْ صَابِرٍ يَصْبِرُ عَلَى الْمَشَاكِلِ إِلَّا وَهُوَ يَحْصُلُ عَلَى التَّجَاحِ!

۵۰- عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

- (۱) إِنْ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ إِكْرَامًا بَالِغًا تَشَاهَدُ نَتِيجَتَهُ!
- (۲) أَدَّبَ الْمُؤْمِنُ نَفْسَهُ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ تَأْدِيبًا جَمِيلًا!
- (۳) كَانَ عَشَّ بَعْضِ الطَّيُورِ بَعِيدًا كَثِيرًا عَنِ الْمُفْتَرَسِينَ!
- (۴) رَغِبَ الْمَسَافِرُونَ أَنْ يَسْكُنُوا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ رَغْبَةً كَثِيرَةً!

زبان عربی

۲۶- گزینه

کلمات مهم: «أرسلنا»: فرستادیم / «إلى فرعون»: به سوی فرعون / «رسولاً»: رسولی / «فعضی»: پس نافرمانی کرد / «الرسول»: از آن رسول (دقت کنید که وقتی یک اسم ابتدا به صورت نکره در جمله به کار می‌رود (رسولاً) و در ادامه مجدداً آن اسم تکرار می‌شود به همراه «ال» می‌آید و این «ال» را غالباً به شکل «این» یا «آن» ترجمه می‌کنیم!)

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) پیامبر («رسولاً» نکره است نه معرفه!) - که (اضافی است.) - برای (معادل «إلى» به سوی) نیست! - از او («الرسول» که در اینجا به صورت «آن پیامبر» معنا می‌شود را نباید به شکل ضمیر ترجمه کرد!) / ۲) ولی (معادل صحیحی برای «ف» نیست!) - رسول ما («الرسول» ضمیری ندارد!) / ۳) برای (مانند ۱) - آن پیامبر «اولاً» اضافی است ثانیاً «رسولاً» نکره است نه معرفه!

۲۷- گزینه

کلمات مهم: «الصدق»: صداقت / «كسحة الإنسان»: مانند سلامتی انسان است / «لا یمكن»: امکان ندارد / «أن تُدرک»: درک شود / «قیمته»: ارزش آن / «إلا عندما یُفقد»: تا زمانی که از دست نرود، فقط زمانی که از دست برود.

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) همان (معادل «ك»: مانند) نیست! - فعل «لا یمكن»: امکان ندارد در ترجمه لحاظ نشده است! / ۲) همان (مانند ۱) - بدن (اضافی است.) - فعل «لا یمكن»: امکان ندارد در ترجمه لحاظ نشده است! - درک نمی‌شود («تُدرک» یک فعل مثبت است نه منفی!) - آن را از دست بدهد «اولاً» «یُفقد» مجهول است نه معلوم ثانیاً ضمیری ندارد و «آن را» اضافی است! / ۳) بدن (مانند ۲) - نمی‌توانی («لا یمكن» غایب است نه مخاطب!) - دریابی (فعل «تُدرک» مجهول و غایب است نه معلوم و مخاطب!)

۲۸- گزینه

کلمات مهم: «إن ذهبن»: اگر برویم، اگر رفتیم (طبق کتاب درسی فعل شرط ماضی را هم می‌توان ماضی ترجمه کرد هم مضارع!) / «من نفس الطريق الذی»: از همان راهی که / «کتا نذهب منه»: می‌رفتیم / «من قبل»: از قبل / «وصلنا»: می‌رسیم (چون جواب شرط است می‌توانیم به صورت مضارع ترجمه کنیم!) / «إلى»: به / «ذلك المكان الذی»: به همان مکانی که / «کتا نصل إلیه»: به آن می‌رسیدیم / «دائماً»: همیشه

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) از راهی (کلمه «نفس»: همان) در ترجمه لحاظ نشده است! - همیشه (در این بخش از جمله «دائماً» به کار نرفته و کلمات «دائماً» و «من قبل» جابه‌جا ترجمه شده‌اند!) - رسیده‌ایم («کتا نصل» معادل ماضی استمراری است نه ماضی نقلی!) / ۲) از راهی (مانند ۱) - رفته بودیم («کتا نذهب» معادل ماضی استمراری است نه ماضی بعید!) / ۳) دائماً (مانند ۱) - رفته بودیم (مانند ۲)

۲۹- گزینه

کلمات مهم: «من یؤمن»: کسی که (هر کس) ایمان داشته باشد / «بأنه»: به این که / «سینجح»: موفق خواهد شد / «فی طریق»: در راهش / «لا شک»: بی‌شک / «قد استطاع»: توانسته است / «أن یوصل»: برساند / «نفسه»: خود را / «إلى نصف الطريق»: به نیمه راه

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) می‌تواند («قد استطاع» معادل ماضی نقلی است نه مضارع اخباری!) - برسد («أن یوصل» یعنی «برساند») / ۲) ایمان داشت («یؤمن» مضارع است نه ماضی!) - در آینده (اضافی



است.) - واسطه («نصف» مفرد است نه جمع!) - برسد (مانند ۱) / ۳) خواهد توانست («قد استطاع» معادل ماضی نقلی است نه آینده!) - واسطه (مانند ۲)

۳۰- گزینه

کلمات مهم: «الاحتفاظ بالوحدة»: حفظ وحدت / «فضل»: فضیلتی است / «لأمتنا المفكرة»: برای امت متفکر ما / «ولکن»: ولی / «الأعداء»: دشمنان / «یشجعون»: تشویق می‌کنند / «عملاءهم»: مزدوران خود را / «أن یفترقونا»: که ما را پراکنده کنند

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) که (معادل «ولکن» نیست!) - دشمنانمان («الأعداء» ضمیری ندارد!) - پراکنده‌ساختن ما («أن یفترقونا» فعل است نه مصدر!) / ۲) وحدت امت اندیشمندان (حرف «ل» در «لأمتنا» در ترجمه لحاظ نشده است!) - که (مانند ۱) - دشمنان ما (مانند ۱) - مزدوران (ضمیر موجود در «عملاءهم» ترجمه نشده است!) / ۳) امت ما که اندیشمند است (کلمات «که» و «است» اضافی هستند، در ترجمه صفت از نوع اسم از «که» استفاده نمی‌کنیم!) - به شمار می‌آید (معادلی در جمله عربی ندارد!) - پراکنده‌شدن ما (مانند ۱)

۳۱- گزینه

کلمات مهم: «من یری الناس صغاراً»: کسی که مردم را کوچک می‌بیند / «کالذی»: چون کسی است که / «هو واقف»: ایستاده / «علی قمة الجبل»: بر قله کوه / «یراه الناس»: مردم او را می‌بینند / «صغیراً»: کوچک / «أيضاً»: نیز

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) در نظرش (معادل «یری»: می‌بیند) نیست! - قله‌ای از کوه «اولاً» «قمة» در این عبارت نکره نیست، ثانیاً کلمه «از» اضافی است! - در نظر مردم (معادل «یراه الناس»: مردم او را می‌بینند) نیست! / ۲) دید («یری» مضارع است نه ماضی!) - قله‌ای در کوه «اولاً» «قمة» در این عبارت نکره نیست ثانیاً کلمه «در» اضافی است! / ۳) انگاشت («یری» مضارع است نه ماضی!) - همان کس است که ... (کلمه «ك»: مانند) در «کالذی» در ترجمه لحاظ نشده است!

۳۲- گزینه

کلمات مهم: «رجال هاتین القبیلین»: مردان این دو قبیله / «کان ... ینهبون»: به یغما می‌بردند، غارت می‌کردند / «أموال الناس»: اموال مردم را / «من طریق ذلك المضیق»: از راه آن تنگه / «حتی أغلق»: تا این که بسته شد / «بسد عظیم»: با سد بزرگی / «من الحدید»: از آهن / «والنحاس المذاب»: و مس ذوب‌شده

خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱) آن دو («هاتین» اسم اشاره به نزدیک است نه دور!) - این («ذلك» اسم اشاره به دور است نه نزدیک!) - غارت کردند («کان ... ینهبون» معادل ماضی استمراری است نه ماضی ساده!) / ۲) بزرگان («رجال» یعنی «مردان») - به یغما می‌برند («کان ... ینهبون» معادل ماضی استمراری است نه مضارع اخباری!) - آهن آب‌شده («المذاب» صفت «النحاس» است نه «الحدید») - بسته شود («أغلق» یک فعل ماضی است نه مضارع!) / ۳) بزرگان (مانند ۲) - آن دو (مانند ۲) - مس و آهن («المذاب» در ترجمه لحاظ نشده است!) - آن را بستند «اولاً» «آن را» اضافی است، ثانیاً «أغلق» مجهول است نه معلوم!

۳۳- گزینه

ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها: ۱) دوستم کتابی تألیف کرده بود که در آن داستان‌های مفیدی یافت می‌شود! (= یافت می‌شد) / ۲) بازیکنان مسابقه وقت مشخصی دارند که باید کارهایشان را در آن انجام دهند! / ۳) اگر مردم با یکدیگر همزیستی نکنند پس هیچ راهی برای پیشرفت کشورشان نیست!



۳۴- گزینه ۱ ترجمه صحیح این عبارت: «با بردباری بر نادان، یاران زیاد می‌شوند!»

۳۵- گزینه ۱ کلمات مهم: کشاورز: «الفلاح» دیدم: «رأيت»، «شاهدت» در حالی که محصول را جمع می‌کرد: «و هو يجمع المحصول» خطاهای سایر گزینه‌ها: ۱ «فلاحاً» («کشاورز» معرفه است نه نکره!) - «محصوله» (کلمه «محصول» در عبارت فارسی ضمیری ندارد!) / ۲ «فلاحاً» (مانند ۱) / ۳ «محصولاً» (کلمه «محصول» در عبارت فارسی معرفه است نه نکره!)

ترجمه متن:

انسان نمونه‌ای که برای سرافرازی می‌کوشد همان انسانی است که به جهان مانند عرصه‌ای می‌نگرد که در آن فقط حرکت و فعالیت دیده می‌شود، چرا که رخوت و بی‌تحرکی مساوی با مرگ هستند! و همچنین هر کسی که در هستی هست، اگر موفقیت و پیروزی را بخواهد باید با جهان مثل مجموعه‌ای برخورد کند که در آن پایین و بالا رفتن وجود دارد که از آن‌ها گریزی نیست و نمی‌توان یکی از آن دو را فارغ از دیگری انتخاب کرد!

سختی‌هایی که در مسیر طالب (جوینده) - به عنوان مثال - قرار می‌گیرد همان است که کمابیش در مسیر دیگران واقع می‌شود. هر کس جانش بزرگ باشد، زندگی را با هر آن‌چه در آن است بدون آزرده می‌پذیرد، ولی هر کس که زندگی از او بزرگ‌تر باشد و کسی که شأن خود را کوچک کند، زندگی بر او چیره می‌شود، در آن هنگام، این انسان با ناامیدی زندگی می‌کند در حالی که دیگران را لعن می‌کند به بهانه این‌که در مسیر برآورده کردن نیازهایش نبوده‌اند!

۳۶- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها: ۱ زندگی با انسان‌ها به طور مشابهی برخورد می‌کند! / ۲ مقدار سختی‌ها در تمام انسان‌ها یکسان است! / ۳ تنبلی و بالا و پایین رفتن از چیزهایی است که هرگز گریزی از آن نیست! / ۴ شخص ناامید در حالی زندگی می‌کند که به برآوردن نیازهای دیگران فکر می‌کند!

۳۷- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها: ۱ بالا و پایین رفتن از ابزارهای انسان نمونه برای رسیدن به سرافرازی است! / ۲ هر کس جانش بزرگ باشد سختی‌ها را تنها در راه خود می‌بیند و بس! / ۳ هیچ سختی‌ای نیست مگر این‌که در مسیر انسان ناامید باشد! / ۴ کسی که زندگی را با آن‌چه که در آن است می‌پذیرد، بدی را احساس نمی‌کند!

۳۸- گزینه ۱ «کیست انسانی که موفقیت و پیروزی همراه اوست؟»: ۱ کسی که زندگی بر او غلبه کند! / ۲ کسی که زندگی را فقط با یک وجه نمی‌بیند! / ۳ کسی که تنها به وقوع آن‌چه دوست دارد فکر نمی‌کند! / ۴ کسی که معتقد است فعالیت از سنت‌های الهی است!

۳۹- گزینه ۱ مناسب‌ترین را برای عبارت مقابل تعیین کن: «سختی‌هایی که در راه یک دانش‌آموز قرار می‌گیرد همان است که در راه دیگران واقع می‌شود!»

۱ موفقیت ارزانی کسی است که نمی‌خواهد! / ۲ شاید سختی در فردا آسانی شود! / ۳ روزگار دو روز است، روزی به سود تو و روزی به زیانت! / ۴ دنیا پوشیده از آزمایشات و سختی‌هاست!

۴۰- گزینه ۲ «کانت» فعل شرط است نه جواب شرط!

۴۱- گزینه ۱ «صغر» بر وزن «فعل» از باب تفعیل است نه تفعّل!

۴۲- گزینه ۲ «الطالب» اسم فاعل از ثلاثی مجرّد است، بنابراین مصدر آن «مطالعة» که یک مصدر ثلاثی مزید است، نمی‌باشد!

۴۳- گزینه ۱ خطاهای این عبارت: «المسافرین» (با توجه به معنای جمله در این‌جا به یک اسم جمع نیاز است نه مثنی، بنابراین «المسافرین» صحیح است!) - «واقفین» (این کلمه اسم فاعل است، بنابراین باید به صورت «واقفین» باشد!)

۴۴- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها: ۱ شبانه حرکت کرد: شب‌هنگام (نه صبح) حرکت کرد! / ۲ مرداب: مکانی که در آن آب‌هایی وجود دارد و بوی آب‌هایش ناپسند است! / ۳ ابر: نوعی از ابر که از آن فقط باران می‌بارد! (کلمه «فقط» نادرست است!) / ۴ تیم: گروهی از مردمی که یک هدف دارند!

۴۵- گزینه ۲ ساعت دوازده، یک ربع کم: ۱ ۱۱:۴۵ / ۲ یازده و چهل و پنج دقیقه / ۳ ۱۱ و ۳۰ دقیقه / ۴ ۱۲ پانزده دقیقه کم

۴۶- گزینه ۱ بررسی گزینه‌ها: ۱ در این عبارت، «أحسن» اسم تفضیل است! / ۲ در این عبارت، «أشرف» اسم تفضیل است! / ۳ در این عبارت، «أوسط» و «خیر» اسم تفضیل هستند! / ۴ در این عبارت، «أفضل»، «ألین»، «الطف» و «الآخرین» اسم تفضیل هستند!

۴۷- گزینه ۱ در این عبارت، «لام» به معنای «باید» است و لام امر می‌باشد!

ترجمه گزینه‌ها: ۱ هنگام مشاهده آثار قدرت خدا، قلب باید فروتنی کند! / ۲ به دوستان کمک کن تا مشکلاتشان به راحتی خارج شوند! / ۳ بر انسان واجب است که بسیار تلاش کند تا خودش را اصلاح کند! / ۴ دوست من به مغازه دیگری رفت تا شلوار ارزان‌تری بخرد!

۴۸- گزینه ۲ حرف «ن» در «سینفع + نی» نون وقایه است! در فعل‌های «یُغتني»، «لا تحزني» و «یبنی» نون جزء حروف اصلی فعل است و نون وقایه نیست!

۴۹- گزینه ۱ در این عبارت، «ما» ادات شرط، «تتعلم» فعل شرط و «تُبعد» جواب شرط است!

ترجمه گزینه‌ها: ۱ هر چه از علوم مختلف یاد بگیری، تو را از نادانی دور می‌سازد! (مای شرط) / ۲ درختان خفه‌کننده در کشور ما نرویدند، زیرا درختانی استوایی هستند! (مای نفی) / ۳ در آن کتابی که بعد خواندنش در تو اثر گذاشت چه چیزی یافتی؟ (مای پرسشی) / ۴ هیچ انسان صبوری نیست که بر مشکلات صبر کند، مگر این‌که موفقیت را به دست آورد! («ما» منفی‌کننده)

۵۰- گزینه ۲ مفعول مطلق دارای ساختار «فعل + مصدر همان فعل» می‌باشد که در این گزینه چنین ساختاری وجود ندارد! بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ در این عبارت، «أكرمت» فعل و «إكراماً» مفعول مطلق آن است! / ۲ در این عبارت، «أدب» فعل و «تأديباً» مفعول مطلق آن است! / ۴ در این عبارت، «رغب» فعل و «رغبة» مفعول مطلق آن است!

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

آقای کنکور
t.me/MrKonkori

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی انسانی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان عربی

عَيْنَ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦-٣٥).

٢٦- ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾:

(۱) هر چه از نیکی‌های خود پیش بفرستید آن‌ها را نزد الله می‌یابید!

(۲) آن‌چه از کارهای خیر برای خود تقدیم کنید آن‌ها را نزد الله بازمی‌یابید!

(۳) آن‌چه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می‌یابید!

(۴) هر چه را از نیکویی به خودتان تقدیم کنید آن‌ها را در نزد خداوند بازمی‌یابید!

٢٧- «رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ بِالظُّلْمِ كُلَّ مَا تَرِيدُ، وَلَكِنْ بَدْعَاءُ مَظْلُومٍ تَفْقَدُ كُلَّ مَا قَدْ مَلَكَتَ»:

(۱) چه‌بسا توانی با ظلم هر چه را بخواهی مالک شوی، ولی با دعای یک مظلوم همه آن‌چه را مالک شده‌ای، از دست می‌دهی!

(۲) چه‌بسا توانسته باشی به وسیله ظلم هر چه را دوست داری مالک شوی، اما با دعای مظلوم علیه تو همه آن‌چه را کسب کرده‌ای، از دست خواهی داد!

(۳) شاید توانایی داشته باشی با ظلم همه آن‌چه را بخواهی به چنگ آوری، اما با یک نفرین مظلوم تمام آن‌چه را که در دستان تو است، از دست می‌دهی!

(۴) شاید قادر باشی به وسیله ظلم تمام چیزهایی را که دوست داری به دست آوری، ولی با یک دعای مظلوم همه چیزهایی را که مالک شده‌ای، از دست می‌دهی!

٢٨- «قَدَّمَ لِي صَدِيقِي هَدِيَّةً فِي الْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ كَانَتْ قِيَمَةً، وَارْشَدَنِي إِلَى سَبِيلِ الْخَيْرِ»:

(۱) هدیه‌ای را که دوستم از حکمت و موعظه‌ای ارزشمند به من داد مرا به راه خیر هدایت می‌نماید!

(۲) دوستم به من حکمت و موعظه‌ای هدیه داد که ارزشمند است و مرا به خوب‌ترین راه هدایت می‌کند!

(۳) هدیه‌ای که دوستم از حکمت و پند به من داد ارزشمند بود و مرا به سمت بهترین راه‌ها هدایت کرد!

(۴) دوستم هدیه‌ای در زمینه حکمت و پند به من تقدیم کرد که ارزشمند بود، و مرا به سوی راه خیر هدایت نمود!

٢٩- «لَا يَرْضَى أَخِي أَنْ يَسَبَّ مَنْ سَخَطَهُ، وَبِحِلْمِهِ يُرْضِي اللَّهَ»:

(۱) برادرم را دشنام‌دادن به کسی که او را خشمگین کرده خشنود نمی‌کند و بردباری‌اش خدا را راضی می‌نماید!

(۲) برادرم را دشنام‌دادن کسی که او را عصبانی کرده راضی نمی‌کند و خداوند از بردباری‌اش راضی می‌شود!

(۳) برادرم رضایت نمی‌دهد که دشنام دهد به کسی که او را عصبانی کرده و خداوند از بردباری‌اش خشنود می‌گردد!

(۴) برادرم راضی نمی‌شود به کسی که او را خشمگین کرده است دشنام دهد و با بردباری‌اش خدا را خشنود می‌سازد!

٣٠- «إِنَّ الْجَهْلَ يُسَبِّبُ أَنْ نَجِدَ طَرَقًا لِقَضَاءِ حَيَاتِنَا تَتَجَلَّى لَنَا سَهْلَةً، وَلَكِنَّهَا تَنْتَهِي إِلَى الْخَسَارَةِ»:

(۱) این نادانی سبب یافتن راه‌های سهل‌الوصول برای گذران زندگی می‌شود، لکن به خسارت پایان می‌یابد!

(۲) نادانی قطعاً مسبب آن است که راه‌های گذران زندگی به شکل ساده در نظرمان جلوه‌گر شود، اما به خسارت بینجامد!

(۳) نادانی باعث می‌شود برای گذران زندگی‌مان راه‌هایی را بیابیم که برایمان آسان جلوه می‌کند، ولیکن به خسارت منتهی می‌شود!

(۴) قطعاً نادانی است که سبب می‌شود راه‌هایی را که برای ما آسان جلوه کرده برای گذران زندگی‌مان بیابیم، ولی آن راه‌ها به خسارت منجر می‌شود!

٣١- «لَا يَحْزَنُنِي قَوْلُ الَّذِينَ يَتَكَلَّمُونَ عَنِّي جَاهِلِينَ، وَ أَنَا أَعْلَمُ جَهْلَهُمْ»:

(۱) قول کسانی که از جهل من سخن می‌گویند و من جهالتشان را می‌دانم، نباید مرا ناراحت کند!

(۲) سخن آنان که در مورد من حرف می‌زنند در حالی که جاهل‌اند و من به جهلشان آگاهم، ابداً ناراحت‌کننده نمی‌کند!

(۳) هیچ‌گاه سخن کسانی که درباره جهل من حرف می‌زنند حال آن‌که من جهالتشان را می‌دانم، ناراحت‌کننده نمی‌کند!

(۴) نباید گفتار کسانی که در مورد من جاهلانه سخن می‌گویند مرا ناراحت کند، در حالی که من آگاه به جهلشان هستم!

٣٢- «عَجَائِبُ الْخَلْقَةِ كَثِيرَةٌ، مِنْهَا أَنَّ هُنَاكَ أَسْمَاكَ لَا تُضِيءُ تَحْتَ الْبَحَارِ إِلَّا بِالضَّوِّ الْمَضِيءِ الَّذِي تَحْتَ عِيُونِهَا»:

(۱) عجایب خلقت بسیار است، از جمله ماهی‌هایی که فقط با نور تابناکی که در زیر چشم دارند زیر دریا را نورانی می‌کنند!

(۲) عجایب زیادی در خلقت است، از جمله ماهی‌هایی هستند که زیر دریاها را نورانی می‌کنند فقط با نوری که زیر چشم‌هایشان هست!

(۳) شگفتی‌های آفرینش بسیاری است، از جمله ماهیانی هستند که فقط با نور روشنی‌بخشی که زیر چشم‌هایشان هست زیر دریاها را روشنی می‌بخشند!

(۴) شگفتی‌های بسیار در خلقت است، از جمله در ماهیانی است که زیر دریاها را روشنی نمی‌بخشند مگر با روشنایی نوری که زیر چشم‌هایشان موجود است!

٣٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

(۱) مَا أَسْرَعَ مَرَّ السَّنِينَ مِنَ الْعُمَرِ وَ نَحْنُ فِي غَفْلَةٍ: سال‌های عمر به سرعت می‌گذرد و ما در غفلت هستیم!

(۲) إِذَا عَمِلْتَ سَيِّئَةً فَاعْمَلْ حَسَنَةً حَتَّى تَعْوِضَ مِنْهَا: هرگاه کار بدی را انجام دادی کار نیکی انجام بده تا آن را جبران کنی!

(۳) يَصْنَعُ الْإِنْسَانُ أَشْيَاءَ تُحَوِّلُ الظَّلَامَ إِلَى الضَّوِّ: انسان با ساختن اشیایی تاریکی را به روشنایی تبدیل کرده است!

(۴) إِفْرَازُ السَّائِلِ الْمُطَهَّرِ مِنْ لِسَانِ الْقَطِّ جَعَلَهُ حَيَوَانًا خَاصًّا: گربه با ترشح مایع پاک‌کننده از زبانش حیوان خاصی شده است.

۳۴- عین الصحيح:

- (۱) أنا كتبت مقالتي العلميّة الثالثة في ثماني صفحات قبل عشرة أشهر: من سومين مقالّة علمي خود را ده ماه پیش در هشت صفحه نگاشتم!
- (۲) في المباراة الماضية سجّل فريقنا ستّة أهداف و الفريق المقابل ثلاثة: در مسابقه گذشته تیم ما ششمین گل را ثبت کرد در حالی که تیم مقابل سومین را!
- (۳) من غرس خمس شجرات في اليوم الخامس عشر من شهر اسفند فله ثلاث جوائز: هر کس در روز پانزده اسفندماه پنج درخت بکارد سومین جایزه برای اوست!
- (۴) کلّ طالب يقرأ أربعة كتب من هذين المؤلفين الاثنين ستّعتی له جائزة واحدة نفيسة: به هر دانش آموز که چهار کتاب این دو نویسنده را بخواند جایزه گران قیمتی داده خواهد شد!

۳۵- «دانش آموزی را می بینم که تمرین های درس را در کلاس می نویسد»:

- (۱) أشاهد طالبًا يكتب تمرينَ الدرس في الصفّ! (۲) رأيت في الصفّ الطالب يكتب تمارين الدروس!
- (۳) أشاهد في الصفّ طالبًا و هو يكتب تمارين الدرس! (۴) رأيت الطالب و هو يكتب تمارين الدروس في الصفّ!
- اقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۳۶-۴۲) بما يناسب النصّ:
- إذا عزمنا أن نجعل إرادتنا قويّة فإنّ التخيّل، و إن كان صعباً بعض الأحيان ولكنّه وسيلة فعّالة في سبيل تحقّق ذلك، فعلى سبيل المثال إذا استطاع الإنسان أن يتخيّل أنّه على ساحل البحر يستريح، فإنّ هذا يُقلّل ما فيه من الاضطراب!
- كذلك في هذا المجال تُمكن الاستفادة من الأخطاء و غفرانها ولكن بالشكل الصحيح؛ فلهذا يمكن الإغماض عنها بعض الأحيان ليعود إلى العمل من جديد بإرادة أقوى!
- و يؤكّد أنّ العادات الجيدة تُقوّي العزيمة إن كانت منتظمة و لو كانت صغيرة؛ و العامل الآخر هو تعيين الجائزة بعد القيام بالعمل بشرط صحّته و حسن عمله؛ لأنّه من جهة يُسبّب أنّ الشخص ينسى التعب و الجهد الذي بذله عند القيام به و من جهة أخرى تشجيع له على العمل!

۳۶- أي موضوع لم يُذكر في النصّ؟

- (۱) أثر العادات الحسنة في الإنسان! (۲) فائدة الإغماض عن بعض الأخطاء!
- (۳) تأثير قوّة الخيال في إيجاد الطمأنينة للإنسان! (۴) تعليم الآخرين و أثره في سبيل الحصول على النجاح!

۳۷- عین الصحيح:

- (۱) إذا كانت لدى الإنسان إرادة قويّة فإنّه لا يلتفت إلى الأمور الصّغيرة و رعاية التّظّم فيها!
- (۲) إنّ رعاية الترتيب و اجتناب التفریق تُرفع شخصيّة الإنسان في مجال الإرادة!
- (۳) علينا أن نغفر كلّ أخطائنا و ننسى آلامها حتّى نقوم بالعمل من جديد!
- (۴) تعيين الجائزة أهمّ وسيلة للحصول على إرادة قويّة!

۳۸- عین الخطأ:

- (۱) تقوية الخيال تكفي التّاس في سبيل تحقّق الإرادة القويّة!
- (۲) إنّ الإرادة القويّة لا تحصل باتّخاذ طريقة واحدة و عمل واحد!
- (۳) من الأدوات المفيدة للحصول على إرادة قويّة هو تصوّر تحقّق ما نريده!
- (۴) لا يستطيع التّاس كلّهم أن يتخيّلوا أمورًا و حالات تُقلّل من شدّة اضطرابهم!

۳۹- عین الصحيح للفرغ: للحصول على الإرادة القويّة يجب

- (۱) أن نُقوّي قوّة خيالنا! (۲) أن نعمل أعمالاً جديدة في حياتنا!
- (۳) أن نأخذ الجوائز بعد القيام بالأعمال! (۴) ألاّ نشدّد على النفس بل نتخذ سبيل الرأفة عليها!

••• عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰-۴۲).

۴۰- «يَتَخَيَّلُ»:

- (۱) مضارع - للمفرد الغائب - مزيد ثلاثي (له حرفان زائدان) - متعدّد/ مع فاعله جملة فعلية
- (۲) فعل مضارع - مزيد ثلاثي «ماضيه «خَيَّلَ» من باب تفعيل/ فعل و فاعل، و الجملة فعلية
- (۳) فعل مضارع - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) فعل و فاعل، و الجملة فعلية
- (۴) مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي «ماضيه «تَخَيَّلَ» من باب تفعّل) - معلوم/ مع فاعله جملة فعلية

۴۱- «يُسَبِّبُ»:

- (۱) فعل مزيد ثلاثي (بحرف زائد واحد) - متعدّد - معلوم/ مع فاعله جملة فعلية
- (۲) مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - متعدّد - معلوم/ فعل و مع فاعله جملة فعلية و خبر «أنّ»
- (۳) مضارع - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - لازم/ مع فاعله جملة فعلية
- (۴) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (له حرف واحد زائد من باب تفعيل)/ الجملة فعلية و خبر لحرف «أنّ» المشبهة بالفعل

۴۲- «أقوى»:

- (۱) اسم - مفرد مذکر - اسم تفضيل (حروفه الأصلية: «قوي») / صفة للموصوف «إرادة»
 (۲) مفرد مذکر - اسم تفضيل (على وزن أفعل) - نكرة / مضاف إليه للمضاف «إرادة»
 (۳) مفرد مذکر - اسم تفضيل - نكرة / مجرور بالتبعية للموصوف «إرادة»
 (۴) اسم - مفرد مذکر - اسم تفضيل (فعله مجرد ثلاثي) / إعرابه مجرور
 •• عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰).

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) سِنَّةٌ وَ تَسْعُونَ نَاقِصٌ سِنَّةٌ عَشْرٌ يُساوي ثَمَانِينَ!
 (۲) لِبِلَادِنَا تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ!
 (۳) خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ!
 (۴) فِي اللُّغَةِ الْغَرِبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتِ الْأَصُولِ الْفَارِسِيَّةِ!

۴۴- عین الصحيح عن المفردات:

- (۱) نعلم أن للبطَّ غَدَّةً طَبِيعِيَّةً بالقرب من ذنبها. (جمع) ← غُدَد، ذنوب
 (۲) عندما نمشي على الزَّمال الحارَّة تحرق أقدامنا. (مترادف) ← نسير، رجال
 (۳) اشتدَّت الرِّيحُ وَ حدثتْ أعاصيرٌ في تلك المنطقة. (مفرد) ← رائحة، إعصار
 (۴) أظهر لنا أصدقاؤنا صدقهم وَ هم من المصلحين. (متضاد) ← أضمر، المفسدين

۴۵- عین ما فيه جمع سالم للمؤنث:

- (۱) أنشد الشَّاعرُ قصيدةً طويلة، الأبياتُ الجميلة فيها كثيرة!
 (۲) استمعنا إلى أصوات الطَّيُور في الغابة وَ هي جميلة وَ كثيرة!
 (۳) إن يُنْقَلِ النَّفْطُ بواسطة الأنابيب فلا نحتاج إلى آلات لتقليل الضَّغط!
 (۴) بعض الأعمال تحتاج إلى أوقات معيّنة فيجب أن لا نتأخَّر في الوصول إليها!

۴۶- عین «الياء» تُستخدم خطأ:

- (۱) أكرمني (۲) أفلحني (۳) أجلسني (۴) أخبرني

۴۷- عین ما ليس فيه «نون الوقاية»:

- (۱) أرسلتني أُمِّي لشراء شريحة لجوالها!
 (۲) أعجبنى الرسامُ الماهر الَّذي لم تكن له يدان!
 (۳) يا أختي العزيزة؛ بيّني لنا تأثير المحبة في تربية الأطفال!
 (۴) التحذيرات الكثيرة في الطريق بَعْدَتَنِي عن المخاطر الموجودة!

۴۸- عین الصحيح في البناء للمجهول (حسب المعنى):

- «إستَخدم الناسُ النفط في الصناعة وَ ابتعدت الأرضُ من السلامة بِإِكثارهم في الاستفادة منه وَ حينئذٍ يُهدِّدون البيئةَ وَ تتعرَّض الحياةُ للموت!»
 (۱) أَسْتَخْدِمُ النَّاسُ (۲) أبتعد من السلامة ... (۳) ... وَ حينئذٍ تُهدِّد البيئة (۴) ... تُتعرَّضُ للموت

۴۹- عين ما ليس فيه فعلٌ يصف ما قبله:

- (۱) للهرباء عينٌ تدور كلَّ اتجاه تُريده!
 (۲) لا ترفع صوتك بأيّ دليل عندما تتكلم مع أمك!
 (۳) يُقدِّم لقمان مواعظ قيّمة يشير القرآن إليها!
 (۴) ألف كتابٌ عظيم يُحصى مدننا الجَذابة للسياحة!

۵۰- عین الخطأ للفراغين: «..... يَسِّرُ لِي أَمْرِي، وَ يَا إجعلني من عبادك الصالحين!»

- (۱) ربِّ - إلهي (۲) يا الله - معبودي (۳) اللهم - رحمن (۴) يا ربِّ - الرحيم

زبان عربی

۲۶- گزینه

کلمات مهم: «ما»: آن چه / «تَقْدَمُوا»: پیش بفرستید / «لأنفسکم»: برای خودتان / «من خیر»: از خوبی / «تجدوه»: آن را می یابید / «عند الله»: نزد خداوند
خطاهای سایر گزینه ها:

۱) نیکی های خود (اولاً «خیر» مفرد است نه جمع، ثانیاً حرف «ل»: برای» در «لأنفسکم» ترجمه نشده است، ثالثاً «خود» اضافی است.) - آن ها «ه» یک ضمیر مفرد است نه جمع!

۲) کارهای خیر (کلمه «خیر: خوبی» مفرد است نه جمع!) - آن ها (مانند ۱)

۴) به خودتان (در این آیه شریفه «لأنفسکم» به معنای «برای خودتان» است!) - آن ها (مانند ۱)

۲۷- گزینه

کلمات مهم: «رَبِّمَا»: چه بسا، شاید / «تستطیع»: بتوانی / «أن تملك»: مالک شوی / «بالظلم»: با ظلم / «كل ما تريد»: هر چه را بخواهی / «ولكن»: ولی / «بدعاء مظلوم»: با دعای یک مظلوم / «تفقد»: از دست می دهی / «كل ما قد ملكت»: همه آن چه را مالک شده ای
خطاهای سایر گزینه ها:

۲) توانسته باشی («تستطیع» مضارع است نه ماضی!) - دوست داری (معادل «ترید» نیست!) - مظلوم («مظلوم» نکره است نه معرفه!) - از دست خواهی داد («تفقد» معادل مضارع است نه آینده)

۳) نفرین (در این عبارت معادل دقیقی برای «دعاء» نیست!) - مظلوم (مانند ۲)

۴) دوست داری (مانند ۲) - مظلوم (مانند ۲)

۲۸- گزینه

کلمات مهم: «قدّم لي»: به من تقدیم کرد / «صدیقی»: دوستم / «في الحكمة و الموعظة»: در زمینه حکمت و پند / «كانت قیمة»: ارزشمند بود / «أرشدتني»: مرا هدایت نمود / «إلى سبیل الخیر»: به سوی راه خیر
خطاهای سایر گزینه ها:

۱) که (باید قبل از «ارزشمند بود» بیاید، زیرا «كانت قیمة» جمله وصفیه است نه «قدّم») - از (معادل «في» نیست!) - موعظه ای ارزشمند (اولاً «الموعظة» معرفه است نه نکره، ثانیاً «كانت: بود» در ترجمه لحاظ نشده است!) - هدایت می نماید («أرشدت» ماضی است نه مضارع!)

۲) حکمت و موعظه ای (اولاً «في: در» ترجمه نشده است، ثانیاً «الموعظة» معرفه است نه نکره!) - هدیه («هدیة» نکره است نه معرفه!) - است («كانت» ماضی است نه مضارع!) - خوب ترین («الخیر: خوبی» در این عبارت اسم تفضیل نیست!) - هدایت می کند (مانند ۱)

۳) که (مانند ۱) - از (مانند ۱) - بهترین (مانند ۲) - راه ها («سبیل» مفرد است نه جمع!)

۲۹- گزینه

کلمات مهم: «لا یرضی»: راضی نمی شود / «أخی»: برادر / «أن یسب»: دشنام دهد / «من سخطه»: به کسی که او را خشمگین کرده است / «بحلمه»: با بردباری اش / «یرضی الله»: خدا را خشنود می سازد

خطاهای سایر گزینه ها:

۱) دشنام دادن («أن یسب» فعل است نه مصدر!) - خشنود نمی کند («لا یرضی» یعنی «راضی نمی شود!» - بردباری اش (حرف «ب» در «بحلمه» ترجمه نشده است!)

۲) دشنام دادن (مانند ۱) - راضی نمی کند (مانند ۱) - خداوند راضی می شود (اولاً «یرضی» یک فعل معلوم و به معنای «راضی می کند» است، ثانیاً با توجه به منصوب بودن «الله» این کلمه مفعول است!)

۳) خداوند خشنود می گردد (مانند ۲)

۳۰- گزینه

کلمات مهم: «إن»: قطعاً (می تواند ترجمه نشود!) / «الجهل»: نادانی / «یسبب»: باعث می شود / «أن نجد»: بیابیم / «طرقاً»: راه هایی را / «ل قضاء حیاتنا»: برای گذران زندگی مان / «تتجلی لنا سهلة»: که برایمان آسان جلوه می کند / «ولکنها»: و لکن / «تنتهی»: منتهی می شود / «إلى الخسارة»: به خسارت
خطاهای سایر گزینه ها:

۱) این (اضافی است.) - یافتن («أن نجد» فعل است نه مصدر!) - راه های سهل الوصول (اولاً «طرقاً» نکره است نه معرفه، ثانیاً «تتجلی لنا» در ترجمه لحاظ نشده است و ثالثاً «سهلة» حال است نه صفت!) - زندگی (ضمیر موجود در «حیاتنا» ترجمه نشده است!)

۲) قطعاً («إن» بر کل جمله بعد از خودش تأکید می کند و باید در ابتدای جمله ترجمه شود!) - مسبب آن است که (ترجمه دقیقی برای «یسبب: باعث می شود» نیست!) - راه های («طرقاً» نکره است نه معرفه!) - زندگی (مانند ۱) - در نظرمان (معادل «لنا» نیست!)

۴) است که (اضافی است.) - جلوه کرده («تتجلی» مضارع است نه ماضی!) - آن راه ها (دقیق تر آن است که ضمیر «ها» در «ولکنها» را به شکل ضمیر ترجمه کنیم نه به شکل مرجع آن!)

۳۱- گزینه

کلمات مهم: «لا یحزننی»: نباید مرا ناراحت کند / «قول الذین»: گفتار کسانی که / «یتکلمون»: سخن می گویند / «عتی»: در مورد من / «جاهلین»: جاهلانه / «و أنا أعلم»: در حالی که من آگاه هستم / «جهلهم»: به جهلشان
خطاهای سایر گزینه ها: ۱) از جهل من («جاهلین» حال است و باید به شکل قید حالت ترجمه شود!) - و من («و أنا أعلم» جمله حالیه است و باید با «در حالی که» ترجمه شود!) ۲) و من (مانند ۱) - ابداً (اضافی است.) - ناراحتم نمی کند («لا» در «لا یحزن» از نوع «نهی» است نه «نفی»!) ۳) هیچ گاه (اضافی است.) - درباره جهل من (مانند ۱) - ناراحتم نمی کند (مانند ۲)

۳۲- گزینه

کلمات مهم: «عجائب الخلق»: شگفتی های آفرینش / «کثیرة»: بسیاری / «منها»: از جمله / «أن هناك»: هستند («هناك» در ابتدای جمله اسمیه به معنای «وجود دارد، هست» می باشد.) / «أسماکاً»: ماهیانی / «لا تُضیء»: روشنی می بخشند (به دلیل وجود «إلا» می توانیم این فعل را مثبت ترجمه کنیم!) / «تحت البحار»: زیر دریاها / «إلا»: فقط / «بالضوء المضيء الذی»: با نور روشنی بخشی که / «تحت عیونها»: زیر چشم هایشان هست



خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ کلمه «هناك» در ترجمه لحاظ نشده است. - چشم («عیون» جمع است نه مفرد) - دارند (معادلی در جمله عربی ندارد) - دریا («البحار» جمع است نه مفرد)

۲ عجایب زیادی («كثیرة» خبر است نه صفت) - در (اضافی است) - نوری که (كلمه «المضيء» در ترجمه لحاظ نشده است) - شگفتی‌های بسیار (مانند ۲) - در خلقت (مانند ۲) - در ماهیانی («در» اضافی است) - نوری که (مانند ۲)

۳۳- گزینه ۲ ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:

۱ گذر سال‌های عمر چه قدر سریع است در حالی که ما در غفلت هستیم! ۲ انسان چیزهایی می‌سازد که تاریکی را به روشنایی تبدیل می‌کنند! ۴ ترشح مایع پاک‌کننده از زبان گربه، آن را حیوان خاصی کرده است (قرار داده است)!

۳۴- گزینه ۱ بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ ششمین («سنة: شش» عدد اصلی است نه ترتیبی!) ۳ سومین («ثلاث: سه» عدد اصلی است نه ترتیبی!) ۴ ترجمه صحیح: «هر دانش‌آموزی که چهار کتاب از این دو نویسنده بخواند، به او یک جایزه گرانقیمت داده خواهد شد!»

۳۵- گزینه ۱ کلمات مهم: دانش‌آموزی را: «طالباً» می‌بینم: «أشاهد» / که تمرین‌های درس را: «یكتب تمارین الدرس» / در کلاس: «في الصف» / می‌نویسد: «یكتب» خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ «رأيت» («می‌بینم» مضارع است نه ماضی!) - «الطالب» («دانش‌آموزی» نکره است نه معرفه!) - «الدروس» («درس» مفرد است نه جمع!) ۳ و هو (اضافی است، زیرا در این عبارت جمله وصفیه داریم نه جمله حالیه!) ۴ «رأيت» (مانند ۲) - «الطالب» (مانند ۲) - «و هو» (مانند ۳) - «الدروس» (مانند ۲)

ترجمه متن:

«اگر قصد داریم اراده خود را قوی کنیم. تخیل، اگرچه بعضی اوقات سخت است اما وسیله مؤثری در راه تحقق آن می‌باشد، به عنوان مثال اگر انسان بتواند تخیل کند که در ساحل دریا استراحت می‌کند، این کار اضطرابش را کاهش می‌دهد!

هم‌چنین در این زمینه استفاده از اشتباهات و بخشیدن آن‌ها اما به شکل صحیح، ممکن است، گاهی می‌توان از اشتباهات چشم‌پوشی کرد تا از نو با اراده‌ای قوی‌تر به کار بازگردد!

و تأکید می‌شود که عادت‌های خوب اگر منظم باشند اراده را تقویت می‌کنند حتی اگر کوچک باشند؛ و عامل دیگر تعیین پاداش بعد از پرداختن به یک کار به شرط درستی و حسن انجام آن است؛ زیرا از یک سو باعث می‌شود که شخص خستگی و تلاشی را که هنگام انجام کار به خرج داده است، فراموش کند و از سویی دیگر برایش تشویقی بر کار است!»

۳۶- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها:

۱ تأثیر عادات نیک در انسان!

۲ فایده چشم‌پوشی از برخی خطاها!

۳ تأثیر نیروی تخیل در ایجاد آرامش انسان!

۴ آموزش دیگران و تأثیر آن در راه به دست آوردن موفقیت! (در متن چنین چیزی ذکر نشده است!)

۳۷- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها:

۱ اگر انسان اراده‌ای قوی داشته باشد به امور کوچک و رعایت نظم در آن‌ها توجه نمی‌کند!

۲ رعایت ترتیب و پرهیز از پراکندگی شخصیت انسان را در زمینه اراده بالا می‌برد!

۳ ما باید تمام خطاهایمان را ببخشیم و دردهای آن را فراموش کنیم تا از نو به کار بپردازیم!

۴ تعیین پاداش مهم‌ترین وسیله است برای به دست آوردن اراده قوی!

۳۸- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها:

۱ تقویت تخیل در راه محقق شدن اراده قوی برای مردم کافی است! ۲ اراده قوی با بهره‌گیری از یک روش و یک کار به دست نمی‌آید! ۳ از جمله ابزارهای مفید برای به دست آوردن اراده‌ای قوی تصور تحقق آن چیزی است که آن را می‌خواهیم! ۴ همه مردم نمی‌توانند امور و حالاتی را تخیل کنند که از شدت اضطرابشان می‌کاهند!

۳۹- گزینه ۱ برای به دست آوردن اراده قوی باید

۱ قوه تخیلمان را تقویت کنیم! ۲ کارهای جدیدی در زندگی‌مان انجام دهیم! ۳ بعد از انجام کارها پاداش دریافت کنیم! ۴ به خود سخت‌گیریم بلکه مسیر مهربانی با خود را پیش بگیریم!

۴۰- گزینه ۲ «یتخیّل» بر وزن «یتفعل» مضارع از باب تفعّل است نه تفعیل!

۴۱- گزینه ۳ «یُسَبِّح» بر وزن «یُفَعِّل» مضارع از باب تفعیل است نه تفعّل! - لازم («یُسَبِّح» به معنای «باعث می‌شود» مفعول‌پذیر است).

۴۲- گزینه ۲ «إرادة أقوى» یک ترکیب وصفی است و «أقوی» صفت است نه مضاف‌الیه!

۴۳- گزینه ۱ خطاهای این عبارت: «تسعون» (این عدد مانند جمع‌های مذکر سالم است، بنابراین «تسعون» صحیح است!) - ثمانین (این عدد نیز مانند جمع‌های مذکر سالم است، بنابراین «ثمانین» صحیح است!)

۴۴- گزینه ۲ بررسی گزینه‌ها:

۱ جمع «غدة»: «عُدد» / جمع «ذنب: دم»: «أذناب: دم‌ها» نه «ذنوب: گناهان»

۲ مترادف «نمشی: می‌رویم»: «نسیر: می‌رویم» / مترادف «أقدام: پاها»: «أرجل: پاها» نه «رجال: مردان»

۳ مفرد «الرياح: باده»: «الريح: باد» نه «الرائحة: بو» / مفرد «أعاصير: گردبادها»: «إعصار: گردباد»



۴ متضاد «أظهر: آشکار کرد»: «أضر: پنهان کرد» / متضاد «المصلحين: درستکاران»: «المفسدين: بدکاران»

۴۵- گزینه ۳ در این عبارت، «آلات» جمع مؤنث سالم و مفرد آن «آلة» است! دقت کنید که در سایر گزینه‌ها، «الآيات»، «أصوات» و «أوقات» جمع مکسر هستند نه جمع مؤنث سالم!

۴۶- گزینه ۲ ضمیر «ي» در تمام گزینه‌ها به همراه نون وقایه به کار رفته و این یعنی نقش مفعولی دارد، اما فعل «أفلح: رستگار شد» یک فعل لازم است و مفعول نمی‌پذیرد! در سایر گزینه‌ها «أكرم: گرامی داشت»، «أجلس: نشاند» و «أخبر: باخبر کرد» همگی متعدی هستند!

۴۷- گزینه ۳ حرف «ن» در فعل «بَيَّنَّي» جزء حروف اصلی است، بنابراین نون وقایه نیست! در ۱ «أرسلتني»، ۲ «أعجبني» و در ۴ «بَعْدَتَنِي» نون وقایه دارند!

۴۸- گزینه ۳ باید بدانیم که فقط از فعل‌های ماضی و مضارع متعدی می‌توان فعل مجهول ساخت و از فعل‌های امر و فعل‌های لازم، فعل مجهول ساخته نمی‌شود!

در این سؤال، فعل‌های «ابتعدت: دور شد» و «تتعرض: در معرضی ... قرار می‌گیرد» لازم هستند و نمی‌توان آن‌ها را مجهول کرد (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)

همچنین برای مجهول کردن یک فعل متعدی باید فاعل آن را حذف و مفعولش را تحت عنوان نایب فاعل جایگزین کرد؛ بنابراین ۱ نادرست است زیرا فاعل یعنی «الناس» را حذف نکرده است! ضمناً حرکت حرف «ت» نیز باید ضمه (ـَ) باشد: «أستُخِدم». در ۳، فاعل فعل حذف شده و فعل مجهول متناسب با نایب فاعل (البيئة) بازنویسی شده است!

۴۹- گزینه ۲ در این عبارت جمله وصفیه وجود ندارد! بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «عين» اسم نکره و «تدور» جمله وصفیه است!
- ۳ «مواعظ» اسم نکره و «يشير» جمله وصفیه است!
- ۴ «كتاب» اسم نکره و «يُحصي» جمله وصفیه است!

۵۰- گزینه ۴ دقت کنید که حرف نداء «يا» بر سر اسم «ال» دار به کار نمی‌رود و در ۴ «الرحيم» نادرست است!

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

آقای کنکور
t.me/MrKonkori

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی زبان
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان عربی

• عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ. (۲۶-۳۵)

۲۶- ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾:

- ۱) و آیا ندانسته‌اند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد می‌گستراند؟
 - ۲) و آیا نمی‌دانند که الله روزی‌ها را برای هر کس بخواهد گسترش می‌دهد؟
 - ۳) آیا و ندانسته‌اند که الله روزی‌های خود را برای کسی می‌گستراند که بخواهد؟
 - ۴) آیا و نمی‌دانند که خدا برای کسی که از او بخواهد روزی خود را می‌گستراند؟
- ۲۷- «السَّيْرَةُ الْحَسَنَةُ كَشَجَرَةِ الزَّيْتُونِ، لَا تَنْمُو سَرِيعاً وَلَكِنَّهَا تَعِيشُ طَوِيلًا»:

- ۱) یک رفتار نیکو مانند درخت زیتون سریع نمی‌بالد ولی زندگی طولانی خواهد داشت!
- ۲) راه و روش خوب چون درخت زیتون است، به سرعت رشد نمی‌کند اما طولانی زندگی می‌کند!
- ۳) سیره نیک همچون درخت زیتون است که سریع رشد نمی‌کند، ولی زندگی طولانی می‌کند!
- ۴) یک سیره حسنه مانند درخت زیتونی است که به سرعت بزرگ نمی‌شود، اما زندگی‌اش طولانی است!

۲۸- «إِنْ شَاهَدْتَ أَحَدًا قَدْ وَصَلَ إِلَى الْقَمَةِ فَإِنَّهُ كَانَ يَتَحَرَّكُ عِنْدَمَا كَانَ الْآخِرُونَ نِيَامًا»:

- ۱) اگر کسی را دیدی که به قله رسیده است، قطعاً زمانی که دیگران خفته بودند او حرکت می‌کرد!
- ۲) اگر مشاهده کردی کسی به قله‌ای رسیده، حتماً در حرکت بوده است وقتی دیگران خوابیده بودند!
- ۳) اگر کسی را که به قله‌ای رسیده است ببینی، قطعاً حرکتی داشته در حالی که دیگران خوابیده بودند!
- ۴) اگر مشاهده کنی کسی را که به قله رسیده، قطعاً در حالی که دیگران خوابیده بودند می‌خواست حرکت کند!

۲۹- «مَنْ أَفْضَلُ الطَّرِيقِ لَاكْتِشَافِ كَذِبِ الْأَشْخَاصِ هُوَ مَقَايِسُهُ مَا يَقُولُونَهُ بِمَا يَفْعَلُونَهُ»:

- ۱) آن که بهترین راه را برای پیدا کردن اشخاص دروغگو دارد همان است که گفته آن‌ها را با عملشان مقایسه کند!
- ۲) از بهترین راه‌ها برای کشف دروغ افراد همان مقایسه چیزی است که می‌گویند با چیزی که بدان عمل می‌کنند!
- ۳) کسی که بهترین راه‌ها را برای کشف دروغ افراد دارد، آن‌چه را آن‌ها می‌گویند با آن‌چه به آن عمل می‌کنند مقایسه می‌کند!
- ۴) بهترین راه برای یافتن دروغگویی اشخاص عبارت است از مقایسه سخنی که می‌گویند با چیزی که بدان عمل می‌کنند!

۳۰- «لِنَفْكَرَ عَنِ الْعَالَمِ وَمَا فِيهِ حَتَّى نَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ مَا خُلِقَ بَاطِلًا، وَإِنْ لَمْ نُدْرِكْ كُلَّ دَلَائِلِ الْخَلْقَةِ»:

- ۱) می‌بایست به دنیا و هر چه در آن است بیندیشیم؛ زیرا آن بیهوده آفریده نشده، و حتی اگر چیزی از علل آفرینش را دریابیم!
- ۲) ما درباره این عالم و آن‌چه در آن است خواهیم اندیشید، زیرا بیهوده خلق نشده است، اگرچه نتوانیم همه علت‌های خلقت را درک کنیم!
- ۳) باید درباره جهان و آن‌چه در آن است بیندیشیم تا بدانیم که آن، باطل خلق نشده است اگرچه همه دلایل آفرینش را درک نکنیم!
- ۴) برای اندیشیدن به عالم و هر آن‌چه در اوست، بایستی بدانیم که عالم باطل آفریده نشده، حتی در صورتی که هیچ‌یک از دلایل خلقت را نیافتیم!

۳۱- «صَدِيقُكَ هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْرِفُ نِعَمَاتِ قَلْبِكَ وَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغْنِيَهَا لَكَ إِنْ كُنْتَ نَسِيتَ كَلِمَاتِهَا»:

- ۱) دوستت همان کس است که آوازه‌های قلب تو را می‌داند و هرگاه کلمات آن فراموش شد دوباره برایت می‌خواند!
- ۲) دوست کسی است که نغمه‌های قلبت را بداند و بتواند آن را برایت دوباره بخواند هر زمان که کلماتش را فراموش کرده باشی!
- ۳) دوست تو است آن کسی که آوازه‌های قلبت را می‌شناسد و می‌تواند آن را به خاطر تو بخواند آن‌گاه که کلمات را فراموش کرده‌ای!
- ۴) دوست تو همان کس است که نغمه‌های قلب تو را می‌شناسد و می‌تواند آن را برای تو بخواند اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی!

۳۲- «لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَتَجَسَّسُونَ حَتَّى يَكْشِفُوا أَسْرَارَ النَّاسِ لِفَضَحِهِمْ، وَ هَذَا مِنْ أَقْبَحِ الصِّفَاتِ لِلْإِنْسَانِ»:

- ۱) هرگز از کسانی مباش که جست‌وجو می‌کنند تا اسرار مردم برای رسوایی‌شان فاش شود، و این از بدترین صفات‌ها برای انسان است!
- ۲) از جمله کسانی مباش که تجسس می‌کنند تا این‌که اسرار مردم برای رسوایی‌شان کشف شود، و این عمل از زشت‌ترین صفات انسان است!
- ۳) از کسانی مباش که برای کشف کردن اسرار مردم به خاطر رسواشدنشان تجسس می‌کنند، و این از قبیح‌ترین صفات‌ها نزد انسان است!
- ۴) هرگز از جمله کسانی مباش که تجسس می‌کنند تا اسرار مردم را برای رسواکردنشان کشف کنند، و این عمل از ناپسندترین صفات برای انسان است!

۳۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) خَيْرُ إِخْوَانِي مَنْ أَقْرَبَ إِلَيَّ مَتًى: بهترین برادرانم نزدیک‌ترین کس به من هستند!
- ۲) عَلِمَ أَنْ أَقْوَى سِلَاحِكَ قُدْرَةُ الْكَلَامِ وَ لَيْئَهُ: می‌دانم که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخنان و نرمی آن است!
- ۳) أَكْبَرُ الْغِنَى الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ: بزرگ‌ترین بی‌نیازی ناامیدی از چیزی است که در دستان مردم است!
- ۴) أَنْتَ أَعْلَى وَ خُلُقُكَ الْحَسَنُ أَثْقَلُ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ: تو بلندمرتبه‌ترینی و اخلاق نیک سنگین‌ترین چیز در ترازوی تو است!

۳۴- عین الخطأ:

- (۱) أمطر الله مطراً في بلدنا أمس: ديروز خدا در شهر ما بارانی باراند،
- (۲) ما كان المطر كثيراً ليصير سيلاً: باران زیادی نبود که سيل بشود،
- (۳) و لا قليلاً حتى لا ينبت ما قد فات: و نه کم که آن چه از دست رفته بود نرود،
- (۴) و بكثرته إزدادت النعم علينا: و با فراوانی اش نعمت ها بر ما فزونی یافت!

۳۵- «با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند». عین الصحیح:

- (۱) تحدثت مع زملائي حتى يعلموا كيف يمكنهم التّجّاح في البرامج!
 - (۲) حدثت أصدقائي ليفهموا كيف يستطيعون أنهم التّقدّم في برامجهم!
 - (۳) تكلمت مع أصدقائي ليعلموا كيف يمكن لهم أن ينجحوا في برامجهم!
 - (۴) كلمت زملائي أن يفهموا كيف يستطيعون لهم أن يتقدّموا في البرامج!
- اقرأ النّص التّالي ثمّ أجب عن الأسئلة (۳۶-۴۲) بما يناسب النّص:

إعلم أنّه إذا لم تُستخدم خلايا* الدّماغ* و لم تُستعمل متواصلاً، سينقص حجمها و تقلّ قدراتها و طاقتها على العمل. و يجري تمرينٌ تنشيط خلايا الدّماغ* من خلال القيام بالاختبارات العقلية المتنوّعة، مثل اختبارات الذاكرة و الذّكاء و غيرهما. و من المهمّ أن تكون هذه الاختبارات جديدةً و غير معروفةٍ للفرد، بحيث تؤثر على تنشيط عمل الخلايا و تساعد على الوصول إلى مُستويات* متقدّمة من التفكير و التحليل. و في هذا المجال تُساعد القراءة و الكتابة بلغات مختلفة و كذلك القيام ببعض الألعاب التي تحتاج إلى تفكير و تحليل كالشطرنج تساعد خلايا الذّهن أن تنمو و تنشط أكثر فأكثر ...

* خلايا: ج خلية = المادّة الأساسيّة في جميع المخلوقات الحيّة، فالإنسان يتشكّل مثلاً من مجموعة من الخلايا تسمّى «سُلُول»! / دماغ: مخ / مستويات = سطوح

۳۶- عین الخطأ: علينا بازدياد قدراتنا الدّماغية عن طريق

- (۱) الإقبال على تعلّم اللغات الأخرى!
- (۲) ألعاب تقوّي العقول و تعمل على نشاطها!
- (۳) القيام بأعمال لم نكن نعملها عادةً!
- (۴) مشاهدة الألعاب الفكرية و التحليلية كالشطرنج!

۳۷- من يقدر أن ينتفع من طاقاته الدّماغية؟ عین الصحیح: الذي

- (۱) يتكلّم و يكتب بلغة صباح مساء!
- (۲) لا يجتنّب مواجهة ما بحاجة إلى التعقّل!
- (۳) يقوم كلّ يوم بلعبة فكرية و أعمال معيّنة!
- (۴) يحبّ الاختبارات العقلية و الألعاب الفكرية دون أن يقوم بها!

۳۸- علام (على ما) تؤثر التمارين الدّماغية و الاختبارات العقلية؟ عین الصحیح: تؤثر على

- (۱) ما يقوم به المَخ!
- (۲) حجم الرأس و ما فيه!
- (۳) كيفة القراءة و الكتابة!
- (۴) كيفة الألعاب الرياضية و الفكرية!

۳۹- عین ما لم يُذكر في النّص:

- (۱) أساليب تنشيط القوّة الدّماغية!
- (۲) أثر عدم استخدام القوّة العاقلة!
- (۳) كيفة أثر القراءة بلغة أجنبية على أعمال الإنسان!
- (۴) الألعاب التي تفيد في ازدياد حجم خلايا المخ أو الدّماغ!

••• عین الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰-۴۲):

۴۰- «تُستعمل»:

- (۱) فعل مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - مجهول / فعل، و الجملة فعلية
- (۲) مضارع - للمؤنث - حروف الأصلية «ع م ل» - ماضيه: «استعمل» على وزن استعمل
- (۳) فعل مضارع (بمعنى الماضي الاستمراري بسبب وجود حرف «لم») - مجهول / فعل و الجملة فعلية
- (۴) مضارع (بمعنى الماضي النقلي المنفي بسبب وجود حرف «لم» النافية) - مصدره: «استعمل» على وزن استفعال

۴۱- «ينقص»:

- (۱) فعل مضارع - للغائب - ليس له حرف زائد - معلوم / فعل و فاعله «حجم»
- (۲) مضارع (بمعنى الالتزامي بسبب وجود حرف السين) - معلوم / فعل و فاعله «حجم»
- (۳) مضارع - للمفرد المذكر الغائب - حروفه أصلية كلّها - معلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۴) فعل مضارع (يختص بالمستقبل بسبب وجود حرف السين) // فاعله «حجم» و الجملة فعلية

۴۲- «المتنوعة»:

- (۱) اسم - مفرد مؤنث - معرّف بأل/ صفة و موصوفها «الاختبارات»
 - (۲) مفرد مؤنث - اسم فاعل (حروفه الأصلية «ن و ع» - معرّف بأل
 - (۳) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (فعله: «تنوّع» و مصدره: «تنوّع» على وزن تفعل)
 - (۴) مفرد مؤنث - اسم فاعل (مصدر فعله: «تنويع» على وزن تفعيل)/ صفة للموصوف «الاختبارات»
- عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰):

۴۳- عيّن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) إِنَّ الإِمْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَّابَ لِتَعْلَمَ دُرُوبِهِمْ، فَلْيَعْلَمُوا ذَلِكَ!
- (۲) لِلدُّلْفَيْنِ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ!
- (۳) إِنَّ الْكُتُبَ طَعَامُ الْفِكْرِ، وَ لِكُلِّ فِكْرٍ طَعَامٌ، كَمَا تَوْجَدُ أَطْعِمَةً لِكُلِّ جِسْمٍ!
- (۴) فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ شَاهَدَ الْمُعَلِّمُ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسَافِرِينَ وَاقِفِينَ أَمَامَ مَسْجِدِ الْقَرْيَةِ!

۴۴- عيّن الخطأ عن «الجزارة»:

- (۱) تَجَرَّ نَفْسَهَا عَلَى الْأَرْضِ!
- (۲) وَسِيلَةُ كَالْتِسْيَارَةِ تُصْنَعُ فِي الْمَصْنَعِ!
- (۳) قَدْ تُسْتَخْدَمُ لِنَقْلِ السَّيَّارَاتِ الْمَعْطَلَّةِ إِلَى مَوْقِفِ التَّصْلِيحِ!
- (۴) تُسْتَخْدَمُ فِي الْفَرَى عَادَةً لِأَنَّ السَّاكِنِينَ يَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا أَكْثَرَ!

۴۵- عيّن الخطأ عن المفهوم:

- (۱) القرض: المال الذي نأخذه من أحد و نرجعه بعد مدة!
- (۲) الصدقة: المال الذي لا نُقدّمه إلّا إلى المحتاجين!
- (۳) الأجر: المال الذي يُعطى إلى العامل لعمله!
- (۴) الثّراث: المال الذي ورّثه الوارث للآخرين!

۴۶- عيّن ما فيه اسم التفضيل أقلّ:

- (۱) إِنَّ الْخَوْفَ مِنَ الْأَكْمِ أَسْوَأُ مِنْ نَفْسِ الْأَكْمِ!
- (۲) لَا تَنْتَظِرُ النَّظْرَةَ الْحَسَنَى، إِعْمَلْهَا، سَيَجِيءُ لَكَ خَيْرٌ مِنْهَا!
- (۳) إِنَّ الْأَكْمَ الَّذِي يَضْطَرُّكَ إِلَى الشُّكُوتِ أَثْقَلُ مِنْ اسْتِغَاثَتِكَ بِأَعْلَى الْأَصْوَاتِ!
- (۴) إِنَّ الَّذِينَ يَنْصَحُونَكَ لِأَفْضَلِ الْأُمُورِ هُمُ الَّذِينَ جَرَّبُوا شَرَّ ظُرُوفِ الْحَيَاةِ غَالِبًا!

۴۷- عيّن «ما» ليست من أدوات النفي:

- (۱) مَا اشْتَغَلْتُ أَمِي فِي الْأُسْبُوعِ الْمَاضِي إِلَّا بِأَعْمَالِ الْبَيْتِ!
- (۲) مَا مِنْ أُسْرَةٍ إِلَّا وَ هُمْ مُسْرُورُونَ بِزِيَارَةِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا!
- (۳) مَا نَطْلُبُهُ مِنْكُمْ هُوَ إِهْتِمَاؤُكُمْ بِالدَّرْسِ وَ بَوَاجِبَاتِكُمُ الْمَدْرَسِيَّةِ!
- (۴) مَا تَصَفَّحْتُ الْكِتَابَ إِلَّا لِمَعْرِفَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهِ!

۴۸- عيّن ما فيه لام الأمر:

- (۱) أَنَارَ اللَّهُ قَلْبَنَا بِالْعُلُومِ النَّافِعَةِ لِنَذْكُرْهُ!
- (۲) تُطْلِقُ سَمَكَةَ السَّهْمِ قَطَارَاتِ الْمَاءِ لِتَسْقُطَ الْحَشْرَةُ!
- (۳) جَلَسْنَا أَمَامَ التِّلْفَازِ لِنَشَاهِدَ فَلْمًا رَائِعًا!
- (۴) إِنَّ فِرَاحَ «بِرْنَاكُل» لَتَسْقُطُ وَ إِلَّا لَا تَتَعَلَّمُ الطَّيْرَانُ!

۴۹- عيّن ما ليس فيه أسلوب الشرط:

- (۱) مَنْ عَلَّمَ إِنْسَانًا أَنْقَذَهُ مِنْ ظُلْمَةِ الْجَهْلِ!
- (۲) مَنْ كَانَ أَسْوَأَ مَنَاسِبَةٍ لَكُمْ فِي الْحَيَاةِ!
- (۳) مَنْ يَجَالِسُ الْعُقَلَاءَ يَكْتَسِبُ فُضَائِلَ كَثِيرَةً!
- (۴) مَنْ عَمِلَ الْبِرَّ وَ الْإِحْسَانَ وَجَدَ نَتِيجَةَ ذَلِكَ حَقًّا!

۵۰- عيّن الصّفة يختلف نوعها:

- (۱) قرأنا الآراء المتعدّدة في هذا الموضوع فنفكر فيه!
- (۲) شاهدتُ التلاميذ يلعبون في الملعب الكبير مع أصدقائهم!
- (۳) هذا هو التلميذ التاجح يمشي و يضحك مع بقية التلاميذ!
- (۴) أبي مُزارع يجتهد دائمًا و لا يرضى بأن يترك هذه القرية!

زبان عربی

۲۶- گزینه ۱

کلمات مهم: «أ و لم يعلموا»: و آیا ندانسته‌اند / «أن الله»: که خداوند / «ببسط الرزق»: روزی را می‌گستراند / «لمن یشاء»: برای هر کس بخواهد
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۲ نمی‌دانند («لم يعلموا» معادل ماضی منفی است نه مضارع!) - روزی‌ها («الرزق» مفرد است نه جمع)
۳ روزی‌های خود (اولاً «الرزق» مفرد است نه جمع، ثانیاً ضمیری ندارد)
۴ نمی‌دانند (مانند ۲) - از او (اضافی است!) - خود (مانند ۳)

۲۷- گزینه ۲

کلمات مهم: «السيرة الحسنة»: راه و روش خوب / «كشجرة الزيتون»: چون درخت زیتون است / «لا تنمو سريعاً»: به سرعت رشد نمی‌کند / «ولکنتها»: ولی / «تعیش طویلاً»: طولانی زندگی می‌کند
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ یک («السيرة» معرفه است نه نکره!) - زندگی طولانی خواهد داشت (اولاً «تعیش» معادل مضارع است نه آینده، ثانیاً «زندگی طولانی» معادل دقیقی برای «تعیش طویلاً» نیست!)
۳ که (اضافی است!) - زندگی طولانی (معادل دقیقی برای «تعیش طویلاً» نیست، چون «طویلاً» صفت نیست!)
۴ یک (مانند ۱) - زیتونی («الزیتون» معرفه است نه نکره!) - که (مانند ۳) - زندگی‌اش (اولاً «تعیش» فعل است نه اسم، ثانیاً ضمیری ندارد!)

۲۸- گزینه ۱

کلمات مهم: «إن شاهدت أحداً»: اگر کسی را دیدی، اگر کسی را ببینی (مطابق کتاب درسی فعل شرط ماضی را می‌توان «مضارع» معنا کرد!) / «قد وصل»: که رسیده است / «إلى القمة»: به قله / «فإنه»: قطعاً / «كان يتحرك»: حرکت می‌کرد / «عندما»: زمانی که / «كان الآخرون نیاماً»: دیگران خفته بودند
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۲ کسی به قله‌ای رسیده (اولاً «أحداً» مفعول است نه فاعل، ثانیاً «قد وصل» جمله وصفیه است و باید همراه «که» ترجمه شود!) - در حرکت بوده است («كان يتحرك» یعنی «حرکت می‌کرد»!)
۳ قله‌ای («القمة» معرفه است نه نکره!) - حرکتی داشته (مانند ۲) - در حالی که («عندما» یعنی «زمانی که»!)
۴ در حالی که (مانند ۳) - می‌خواست حرکت کند (مانند ۲)

۲۹- گزینه ۲

کلمات مهم: «من أفضل الطرق»: از بهترین راه‌ها / «لاكتشاف كذب الأشخاص»: برای کشف دروغ افراد / «هو مقایسه ما یقولونه»: همان مقایسه چیزی است که می‌گویند / «بما یفعلونه»: با چیزی که بدان عمل می‌کنند
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ آن که (با دقت به این که پس از «من» اسم به کار رفته است درمی‌یابیم که «من: از» در جمله به کار رفته است نه «من: کسی که»!) - راه («الطرق» جمع است نه مفرد!) - اشخاص دروغگو («كذب الأشخاص» یک ترکیب اضافی است نه وصفی و نباید ترتیب کلمات

ترکیب اضافی را جابه‌جا کرد!) - دارد (اضافی است!) - گفته آن‌ها («یقولون» فعل است نه اسم!) - عملشان («یفعلون» فعل است نه اسم!) - مقایسه کند («مقایسه» مصدر است نه فعل!)

- ۳ کسی که (مانند ۱) - دارد (مانند ۱) - مقایسه می‌کند (مانند ۱)
۴ بهترین راه (اولاً کلمه «من: از» ترجمه نشده است، ثانیاً «الطرق» جمع است نه مفرد!) - سخنی که (معادل «ما: آن چه» نیست!)

۳۰- گزینه ۳

کلمات مهم: «لنفكر»: باید بیندیشیم / «عن العالم و ما فيه»: درباره جهان و آن چه در آن است / «حتى نعلم» تا بدانیم / «أن ذلك ما خلق باطلاً»: که آن، باطل خلق نشده است / «و إن لم ندرک»: اگر چه درک نکنیم / «كل دلائل الخلق»: همه دلایل آفرینش
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ زیرا (معادل «حتى نعلم: تا بدانیم» نیست!) - چیزی از (معادل «كل: همه» نیست!)
۲ این (اضافی است!) - خواهیم اندیشید (معادل «لنفكر»: باید بیندیشیم» نیست!) - زیرا (مانند ۱) - کلمه «ذلك: آن» ترجمه نشده است! - نتوانیم (اضافی است!)
۴ برای اندیشیدن («لنفكر» فعل است نه مصدر!) - بایستی بدانیم (معادل «حتى نعلم: تا بدانیم» نیست!) - عالم (معادل «ذلك: آن» نیست!) - هیچ یک از (در این عبارت «كل» به معنای «همه» می‌باشد!) - نیافتیم (معادل «لم ندرک: درک نکردیم» نیست!)

۳۱- گزینه ۲

کلمات مهم: «صدیقك هو الشخص الذي»: دوست تو همان کسی است که / «يعرف نغمات قلبك»: نغمه‌های قلب تو را می‌شناسد / «يستطيع أن یغنیها لك»: می‌تواند آن را برای تو بخواند / «إن كنت نسیت کلماتها»: اگر کلمات آن را فراموش کرده باشی
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ می‌دانست («يعرف» معادل مضارع اخباری است نه ماضی استمراری!) - هرگاه (معادل «إن: اگر» نیست!) - دوباره (اضافی است!) - می‌خواند («يستطيع أن» در ترجمه لحاظ نشده است!)
۲ دوباره (مانند ۱) - هر زمان (مانند ۱)
۳ آن گاه (مانند ۱) - کلمات (کلماتش) - فراموش کرده‌ای («كنت نسیت» معادل ماضی نقلی نیست!)

۳۲- گزینه ۲

کلمات مهم: «لا تكونن»: هرگز مباش / «متن یتجسسون»: از جمله کسانی که تجسس می‌کنند / «حتى یكشفوا»: تا کشف کنند / «أسرار الناس»: اسرار مردم را / «لفضحهم»: برای رسواکردنشان / «و هذا من أقبح الصفات للإنسان»: و این عمل از ناپسندترین صفات برای انسان است
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ فاش شود (اولاً «یکشفوا: کشف کنند» جمع است نه مفرد، ثانیاً معلوم است نه مجهول!)
۲ مباش (نون تأکید در «لا تكونن» در ترجمه لحاظ نشده است. البته این مطلب از کتاب درسی حذف شده است!) - کشف شود (مانند ۱)



- ۳ هر روز به یک بازی فکری و اعمال مشخصی بپردازد!
 ۴ آزمون‌های ذهنی و بازی‌های فکری را دوست دارد بدون این که به آن‌ها بپردازد!

- ۳۸- گزینه ۱
 تمارین ذهنی و آزمون‌های فکری بر چه چیزی تأثیر می‌گذارد؟ بر اثر می‌گذارد.
 ترجمه گزینه‌ها:
 ۱ آن چه که مغز به آن می‌پردازد!
 ۲ حجم سر و آن چه که درون آن است!
 ۳ چگونگی خواندن و نوشتن!
 ۴ چگونگی بازی‌های ورزشی و فکری!

- ۳۹- گزینه ۳
 روش‌های تقویت نیروی مغز!
 ۱ تأثیر استفاده نکردن از قوه عقل!
 ۲ چگونگی تأثیر خواندن به یک زبان بیگانه بر اعمال انسان!
 ۴ بازی‌هایی که برای افزایش حجم سلول‌های مغز مفید هستند!
- ۴۰- گزینه ۴
 خطای این گزینه: «بمعنی الماضي الاستمراري ...»
 «لم تُستعمل» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است!

- ۴۱- گزینه ۲
 خطای این گزینه: «بمعنی الالتزامي ...»
 «سینقص» معادل آینده یا مستقبل است!

- ۴۲- گزینه ۴
 خطای این گزینه: «مصدر فعله: «تنوع» علی وزن تفعیل «متنوعة» از فعل «یتنوع» و از مصدر «تنوع» بر وزن تفعّل ساخته شده است!

- ۴۳- گزینه ۱
 خطاهای این گزینه: «الإمتحانات» (این کلمه مصدر از باب إفعال است، بنابراین «الإمتحانات» صحیح است) - «تُساعد» (با توجه به معنای جمله و مفعول بودن «الطلاب» این فعل معلوم است نه مجهول، بنابراین «تُساعد» صحیح است!)

- ۴۴- گزینه ۱
 خطا درباره «تراکتور»:
 ۱ خودش را بر زمین می‌کشد!
 ۲ وسیله‌ای است مانند ماشین که در کارخانه ساخته می‌شود!
 ۳ گاهی برای انتقال ماشین‌های خراب به تعمیرگاه استفاده می‌شود!
 ۴ معمولاً در روستاها استفاده می‌شود، زیرا ساکنان بیشتر به آن نیاز دارند!

- ۴۵- گزینه ۴
 ترجمه گزینه‌ها:
 ۱ قرض: مالی که از کسی می‌گیریم و پس از مدتی آن را برمی‌گردانیم!
 ۲ صدقه: مالی که تنها به افراد نیازمند می‌دهیم!
 ۳ مُزد: مالی که به کارگر برای کارش داده می‌شود!
 ۴ میراث: مالی که وارث آن را برای دیگران به ارث می‌گذارد! 😊

- ۴۶- گزینه ۱
 بررسی گزینه‌ها:
 ۱ در این عبارت، «أسوأ» اسم تفضیل است!
 ۲ در این عبارت، «الحُسنى» و «خير» اسم تفضیل هستند!

- ۳ مباح (مانند ۲) - کشف کردن «یکشفوا» فعل است نه مصدر! - نزد (ترجمه صحیحی برای «لِ» نیست.)

- ۳۳- گزینه ۳
 ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:
 ۱ بهترین برادرانم کسی است که از خودم به من نزدیک‌تر است!
 ۲ بدان که نیرومندترین سلاح تو، قدرت سخن و نرمی آن است!
 ۴ تو بلندمرتبه‌ترین و اخلاق نیک تو سنگین‌ترین چیز در ترازو (ترازوی اعمال) است!

- ۳۴- گزینه ۲
 ترجمه صحیح این عبارت: باران، زیاد نبود که سیل بشود! (دقت کنید که «كثيراً» صفت «المطر» نیست!)

- ۳۵- گزینه ۳
 کلمات مهم: با دوستانم: «مع أصدقائي» / سخن گفتیم: «تكلّمْتُ، تحدّثْتُ» / تا بدانند: «ليعلموا» / چگونه: «كيف» / برایشان امکان دارد: «يمكن لهم» / که در برنامه‌هایشان موفق شوند: «أن ينجحوا في برامجهم»
 خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ «البرامج» (ضمیر موجود در «برنامه‌هایشان» در عبارت عربی لحاظ نشده است!)
 ۲ «يستطيعون أتهم: می‌توانند که» (معادل «برایشان امکان دارد» نیست!) - «التقدّم» (موفق شوند) فعل است نه اسم! ضمن این که «تقدّم» معنای «پیشرفت» می‌دهد، نه «موفقیت»
 ۴ «يستطيعون» (مانند ۲) - «أن يتقدّموا» (مانند ۲) - «البرامج» (مانند ۱)

- ترجمه متن:
 «بدان که اگر از سلول‌های مغز به صورت پیوسته استفاده نشود حجم آن‌ها کاهش خواهد یافت و قدرت‌ها و نیروی آن برای انجام کار کم می‌شود و تمرین فعال نگه‌داشتن سلول‌های مغز از طریق انجام آزمون‌های ذهنی مختلف مثل آزمون‌های حافظه و هوش و غیره انجام می‌شود.

- و مهم است که این آزمون‌ها برای شخص، جدید و ناشناخته باشند، به طوری که بر فعال‌سازی عملکرد سلول‌ها تأثیر می‌گذارد و به آن‌ها برای رسیدن به سطوح پیشرفته از تفکر و تحلیل کمک می‌کند. و در این زمینه، خواندن و نوشتن به زبان‌های مختلف و هم‌چنین پرداختن به بعضی بازی‌ها مثل شطرنج که به تفکر و تحلیل نیاز دارند به سلول‌های ذهن کمک می‌کند که رشد کرده و بیشتر و بیشتر فعال شوند ...»

- ۳۶- گزینه ۴
 ترجمه گزینه‌ها:
 ۱ روی آوردن به یادگیری زبان‌های دیگر!
 ۲ بازی‌هایی که ذهن‌ها را تقویت می‌کنند و برای فعال‌سازی آن‌ها عمل می‌کنند!
 ۳ انجام کارهایی که معمولاً انجامشان نمی‌دادیم!
 ۴ نگاه کردن به بازی‌های فکری و تحلیلی مثل شطرنج!

- ۳۷- گزینه ۲
 چه کسی می‌تواند از نیروهای مغزی خود بهره‌مند شود؟ کسی که
 ۱ شبانه‌روز به یک زبان صحبت کند و بنویسد!
 ۲ از مواجه شدن با چیزی که به تفکر احتیاج دارد دوری نکند!



۳ در این عبارت، «أثقل» و «أعلى» اسم تفضیل هستند!

۴ در این عبارت، «أفضل» و «شَر» اسم تفضیل هستند!

۴۷- گزینه ۳ «ما» در این عبارت مای نفی نیست و به معنای

«آنچه» می باشد!

ترجمه گزینه ها:

۱ مادرم در هفته گذشته به کاری جز کارهای خانه مشغول نبود!

۲ هیچ خانواده ای نیست مگر این که از دیدن یکدیگر خوشحال شوند!

۳ آن چه از شما می خواهیم، توجهتان به درس و تکالیف

مدرسه ای تان است!

۴ کتاب را ورق نردم جز برای شناخت موضوعاتی که در آن آمده است!

۴۸- گزینه ۲ لام امر لامی است که بر سر فعل مضارع می آید

معنای «باید» می دهد!

ترجمه گزینه ها:

۱ خدا قلب ما را با علوم سودمند نورانی کرد تا او را یاد کنیم!

۲ ماهی تیرانداز قطره های آب را رها می کند تا حشره سقوط کند!

۳ مقابل تلویزیون نشستیم تا فیلم خوبی را ببینیم!

۴ جوجه های «برناکل» باید سقوط کنند و گرنه پرواز کردن را یاد

نمی گیرند!

۴۹- گزینه ۲ کلمه «من» در این گزینه به معنای «چه کسی»

است و ادات شرط نیست!

بررسی سایر گزینه ها:

۱ «عَلَم» فعل شرط و «أُنقذ» جواب شرط است!

۳ «یجالس» فعل شرط و «یکتسب» جواب شرط است!

۴ «عمل» فعل شرط و «وجد» جواب شرط است!

۵۰- گزینه ۲ در این عبارت «مزارع» اسم نکره و «يجتهد»

صفت از نوع جمله است!

بررسی سایر گزینه ها:

۱ «المتعددة» صفت «الأراء» و از نوع اسم است!

۲ «الكبير» صفت «الملعب» و از نوع اسم است!

۳ «الناجح» صفت «التلميذ» و از نوع اسم است!

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

داخل کشور

آقای کنکور
t.me/MrKonkori

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی هنر
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان عربی

• عَيْنِ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦-٣٥)

٢٦- ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾:

- (١) نعمت خداوند را خودتان یاد کنید زمانی که دشمنان همدیگر بودید، سپس قلب‌هایتان را انس و الفت داد.
- (٢) نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس بین دل‌هایتان انس و الفت قرار داد.
- (٣) نعمت الله را به یاد آورید آن‌گاه که با یکدیگر دشمنی داشتید و قلب‌هایتان را نسبت به هم نزدیک کرد.
- (٤) نعمت الله را بر خویشستن یادآوری کنید موقعی که دشمن بودید و دل‌هایتان را به یکدیگر نزدیک کرد.

٢٧- «إِنَّ الْبِرْنَامَجَ الَّذِي يَبْدَأُ بِالتَّعَلُّمِ الْمُنَاسِبِ يُمَكِّنُ أَنْ يُحَدِّثَ حَيَاةَ الْمَرْءِ فِي الْمُسْتَقْبَلِ، وَ هَذَا هُوَ مَكَانُ الْعِلْمِ!»:

- (١) برنامه‌ای که با یادگیری خوب آغاز شده ممکن است زندگی آینده انسان را روشن کند، این موقعیت علم است!
- (٢) برنامه کسی که با یادگیری درست آغاز کرده، امکان دارد زندگی‌اش را در آینده معین کند، این جایگاه علم است!
- (٣) برنامه آن‌کس با یادگیری مناسب آغاز می‌شود که بتواند زندگی فردای شخص را معلوم کند، و این همان موقعیت علم است!
- (٤) برنامه‌ای که با یادگیری صحیح آغاز می‌شود ممکن است زندگی فرد را در آینده تعیین کند، و این همان جایگاه علم است!

٢٨- «الصَّدِيقُ الْحَقِيقِيُّ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ عَذْرَكَ وَ إِذَا تَعَمَلْتَ عَمَلًا خَطَاً يَسَامَحُكَ وَ لَا يَذْكُرُكَ بِسُوءٍ فِي غِيَابِكَ!»: دوست حقیقی همان کسی است که:

- (١) عذرخواهی‌ات را می‌پذیرد و به وقت انجام کار اشتباه تو را بخشیده و در نبودن ذکر بدی‌ات را نمی‌کند!
- (٢) عذرت را پذیرفته و هنگامی که عمل خطایی انجام دهی تو را می‌بخشد و در نبودن تو را به بدی به خاطر نمی‌آورد!
- (٣) عذر تو را می‌پذیرد و هرگاه کار اشتباهی انجام دهی تو را می‌بخشد و در غیاب تو، از تو به بدی یاد نمی‌کند!
- (٤) عذرخواهی تو نزد او پذیرفته است و آن‌گاه که خطایی انجام دهی از تو می‌گذرد و در غیبت تو، بدی‌ات را به خاطر نمی‌آورد!

٢٩- «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَرَوَةٌ لَا يَسْتَطِيعُ الظَّالِمُونَ أَنْ يَنْهَبُوهَا، وَ لَا حَاجَةَ لَهُ إِلَى حَارِسٍ يَحْرُسُهُ!»:

- (١) تنها علم ثروت است، ستمکاران نمی‌توانند غارتش کنند، و هیچ نیازی نیست که نگهبانی از آن حراست کند!
- (٢) ثروت واقعی علم است، ظالمان نمی‌توانند علم را غارت کنند، و نیازی ندارد که نگهبانی از آن نگهبانی کند!
- (٣) علم فقط ثروتی است که ظالمان توانایی ندارند غارتش کنند، و نیازی به نگهبانی که از آن نگهداری کند وجود ندارد!
- (٤) علم تنها ثروتی است که ستمکاران نمی‌توانند آن را به یغما برند، و هیچ نیازی به نگهبانی که از آن محافظت کند ندارد!

٣٠- «مَنْ مَلَأَ حَيَاتَهُ بِعَمَلِ الْخَيْرِ، كَانَ يَعْلَمُ أَنَّهَا أَقْصَرُ مِنْ أَنْ يُضَيِّعَهَا بِعَمَلِ الشَّرِّ!»:

- (١) هر آن‌کس بداند که زندگی کوتاه‌تر از آن است که با عمل بد ضایع شود، آن را با عمل خوب پر می‌کند!
- (٢) هر کس زندگی‌اش با عمل خوب پر شده است، می‌داند که زندگی کوتاه‌تر است از این‌که با عمل بد هدر رود!
- (٣) کسی که زندگی خود را با کار خوب پر کرده است، می‌داند که زندگی کوتاه‌تر از این است که آن را با کار بد تباهش کند!
- (٤) آن‌کسی که زندگی‌اش را پر از عمل خوب کرده باشد، داند که زندگی کوتاه‌تر است از آن‌که بتواند با عمل بد نابود شود!

٣١- «لَا تَقْدِرُ أَنْ نَصْطَرَّ التَّلْمِيزَ الَّذِي عَوَّدَ نَفْسَهُ الْكَسَلَ، إِلَى التَّحَرُّكِ وَ الاجْتِهَادِ لِلتَّقَدُّمِ فِي الْحَيَاةِ، بِسَهُولَةٍ!»:

- (١) دانش‌آموزی که خودش را به تنبلی عادت داده، نمی‌توانیم به آسانی به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار کنیم!
- (٢) دانش‌آموزی که خود به تنبلی عادت کرده، به سادگی قادر نیستیم او را به حرکت و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار نماییم!
- (٣) دانش‌آموزی که خود را به تنبلی عادت داده، به سادگی قادر نیستیم به تحرک و تلاش برای پیشرفت در زندگی وادار نماییم!
- (٤) دانش‌آموزی را که خودش به تنبلی عادت کرده، نمی‌توانیم به آسانی به حرکت و تلاش برای پیشرفت در زندگی ناگزیر کنیم!

٣٢- «المفردات بين لغات العالم لم تتبادل في سنة واحدة، بل قد حدث هذا التبادل أثناء سنوات كثيرة، و بهذا أصبحت اللغات غنية!»: کلمات در

بین زبان‌های دنیا

- (١) در یک سال رد و بدل نشد، بلکه این تبادل در طول سال‌های زیادی رخ داده است، و بدین ترتیب زبان‌ها غنی شدند!
- (٢) سالی یک‌بار تبادل نمی‌شدند، بلکه این تبادل طی سال‌های زیادی اتفاق می‌افتاد، و زبان‌ها این‌گونه توانمند می‌شدند!
- (٣) یک‌بار در سال تغییر نمی‌کردند، بلکه این تغییر در مدت سال‌های بسیار اتفاق افتاده است، و بدین صورت زبان‌ها بی‌نیاز می‌شدند!
- (٤) در یک سال رد و بدل نشده‌اند، بلکه رخداد تبادل در اثنای سال‌های زیادی بود، و به این صورت زبان‌ها سرشار از توانایی شدند!

٣٣- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (١) لَا مُجْتَمَعٌ يَتَقَدَّمُ أَكْثَرَ مِنْ تَقَدُّمِ الْمُعَلِّمِينَ فِيهِ! جامعه بیشتر از پیشرفت معلمان پیش نمی‌رود!
- (٢) كَانَ الْأُسْتَاذُ أَلْقَى مُحَاضَرَةً وَ الطَّلَابُ اسْتَمَعُوا إِلَيْهِ! استاد سخنرانی می‌کرد، در حالی که دانشجویان به او گوش می‌دادند!
- (٣) لَيْسَ صَحِيحًا أَنْ أَحَدًا يَظُنَّ أَنَّهَا التَّعَبُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَهُ! درست نیست کسی گمان کند که سختی در این دنیا فقط برای اوست!
- (٤) يَذْهَبُ الْمُتَفَرِّجُونَ إِلَى الْمَلْعَبِ وَ يَجْلِسُونَ عَلَى الْكَرَاسِيِّ كُلِّهَا! تماشاچیان همگی به ورزشگاه می‌روند و بر صندلی‌ها می‌نشینند!

۳۴- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) كَبُرَ الطُّغْلُ إِلَى حَدٍّ يَأْكُلُ طَعَامَهُ بَدُونَ مَسَاعِدَةِ أَحَدٍ: كودك به اندازه‌ای بزرگ شد که بدون کمک کسی غذايش را می‌خورد!
- (۲) لِيُعَوِّذَ لِسَانَنَا بِالْكَلَامِ اللَّيِّنِ لِنَكْسِبَ مَوْدَةَ النَّاسِ: زبانمان باید به کلام نرم عادت کند تا دوستی مردم را به دست آوریم!
- (۳) اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا تَأْخُذُ وَ مَا تُعْطِي: پروردگارا، ستایش مخصوص تو است بر آن چه می‌گیری و آن چه می‌دهی!
- (۴) هُنَاكَ نَوْعٌ مِنَ الدَّلَافِينَ يَبْقَى فِي الْمَاءِ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً مُتَوَاصِلَةً: نوعی از دلفین‌ها وجود دارد که سی دقیقه متوالی در آب باقی می‌ماند!

۳۵- «مادر برای تربیت فرزندانش بسیار تلاش می‌کند» عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) تَجْتَهِدُ الْأُمَّ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا بِالْغَا! (۲) تُحَاوِلُ أُمُّنَا فِي تَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ اجْتِهَادًا!
- (۳) تَجْتَهِدُ أُمُّنَا لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا اجْتِهَادًا كَثِيرًا! (۴) تُحَاوِلُ هَذِهِ الْأُمُّ فِي تَرْبِيَةِ أَوْلَادِهَا كَثِيرًا!

●●● إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۳۶-۴۲) بِمَا يَنْسَابُ النَّصَّ:

في أوائل القرن العشرين كان اللؤلؤ الطبيعي نادرًا و غالبًا و يَخْتَصُّ بالكبار و الأغنياء فقط و سعرُ القطعة الصغيرة منه قد يصل إلى مبالغ كثيرة. ففي عصر الامبراطورية الرومانية يُقال إنَّ قائِدًا جَهَّزَ كُلَّ جيشه بِبَيْعِ قطعة صغيرة مما كانت تملكه أمُّه! لا يُمكن تَعْيِينُ زمنِ أَوَّلِ استخدامِ لجوهر اللؤلؤ و الدَّر و مَنْ كان أَوَّلُ مُستخدميه من البحر، ولكن نعلم أنَّ القبائل القديمة التي كانت تَصِيد السمك في السواحل الهندية كانوا يعرفون أهميته و قيمته في تلك الأيام؛ و الجدير بالذكر أنَّ في أيام الامبراطورية البريطانية، كان يُسمح للعائلة الملكية و الأغنياء و الكبار بائِتِلَاكِ اللؤلؤ لأنفسهم دون الآخرين!

۳۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) ظهرت تجارة اللؤلؤ في أوائل القرن العشرين!
- (۲) كان الحكام الرومانيون أول من فهموا قيمة اللؤلؤ!
- (۳) إنَّ بائعي الأسماك في المدن كانوا يعرفون قيمة اللؤلؤ!
- (۴) لم يكن موضوع الاستفادة من اللؤلؤ مُختَصًّا بالملوك فقط!

۳۷- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ اللُّوْلُؤِ:

- (۱) مكان اللؤلؤ قرب البحار! (۲) الهنديون كانوا أول مستخدميهِ!
- (۳) مقدار اللؤلؤ يُساوي عدد أفراد العالم! (۴) صيادو السمك في القديم عرفوا قدره قبل الآخرين!

۳۸- عَيْنِ الْمَوْضُوعِ الَّذِي لَمْ يُذْكَرْ فِي النَّصِّ:

- (۱) المختصون بالاستفادة من اللؤلؤ! (۲) زمن الاستفادة من اللؤلؤ لأوّل مرّة!
- (۳) قيمة اللؤلؤ قبل القرن العشرين! (۴) الجماعات التي استخدمت اللؤلؤ أوّل مرّة!

۳۹- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: ذُكِرَ فِي النَّصِّ عَنْ

- (۱) صعوبة الحصول على (۲) قيمة (۳) كفاية الحصول على (۴) جمال

●●● عَيْنِ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ. (۴۰-۴۲)

۴۰- «جَهَّزَ»:

- (۱) فعل ماضٍ - له ثلاثة حروف أصلية و حرف واحد زائد - مصدره «تَجَهَّزَ» من باب تَفَعَّلَ
- (۲) ماضٍ - للغائب - حروفه الأصلية «جَهَّزَ»، و له حرف واحد زائد - على وزن فَعَّلَ
- (۳) ماضٍ - حروفه الأصلية «جَهَّزَ»/ فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية، و مفعوله «كُلَّ»
- (۴) فعل ماضٍ - للمذكر الغائب - معلوم/ فعل و مع فاعله جملة فعلية

۴۱- «يعرفون»:

- (۱) فعلٌ مضارع - للجمع المذكر الغائب - ليس له حرف زائد/ فعلٌ و فاعل، و الجملة فعلية
- (۲) مضارع - كل حروفه أصلية و ليس له حرف زائد/ فعلٌ و مع فاعله جملة فعلية
- (۳) مضارع - للجمع المذكر المخاطب/ فعلٌ و فاعله «أهميته»، و الجملة فعلية
- (۴) فعل مضارع - حروفه أصلية كلها/ فعلٌ، و «أهميته» مفعوله

۴۲- «تعيين»:

- (۱) اسم - جمع سالم للمذكر/ فاعل لفعل «يُمكن» (۲) مفرد مذكر - مصدر (على وزن تفعيل) - نكرة
- (۳) اسم - مفرد مذكر/ مضاف للمضاف إليه «زمن» (۴) مصدر (فعلة: «عَيْن» على وزن فَعَّلَ و له حرف زائد)

• عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰).

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعَرِّضُ نَفْسَهُ لِلتَّهْمِ!
- (۲) سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زُرْعُ زَرْعِهِ صَاحِبُهُ!
- (۳) اتَّصَلَ السَّيِّدُ مُسْلِمِي بِصَدِيقِهِ مُصْلِحٍ السَّيَّارَاتِ لِكَيْ يُصْلِحَ سَيَّارَتَهُمْ!
- (۴) سَارَ مَعَ جُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأَمَمِ وَاسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ!

۴۴- عین الخطأ عن المفهوم:

- (۱) الأغنى: من يُغني الآخرين أكثر!
- (۲) غَنَى: قرأ شعراً بصوت فَرِحَ أو حَزِنَ!
- (۳) أغنى (شخصاً): جعله غنياً لا حاجة له!
- (۴) الغنى: ذو سعة من المال و لا يُساعد الآخرين!

۴۵- عین الخطأ عن المفردات:

- (۱) يزرع الفلاح مزرعته أكثر من مرة واحدة. (مترادف) ← مزارع، تارة
- (۲) كان من الشعائر الخرافية تقديم القران للإله. (جمع) ← أقرباء، آلهة
- (۳) لن نتعارف إلا أن نكون شعوباً و قبائل. (مفرد) ← شعب، قبيلة
- (۴) نحن نكره أن نساfer بسيارة معطلة. (متضاد) ← نحب، مصلحة

۴۶- عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (۱) إِنَّ التَّفَكُّرَ خَيْرٌ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ حَتَّى الْعِبَادَةِ!
- (۲) إِنَّ الْجَمَاعَةَ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ!
- (۳) إِنَّ الطِّفْلَ الصَّغِيرَ يَرَى كُلَّ خَيْرٍ فِي أُمِّهِ وَ يَلْجَأُ إِلَيْهَا!
- (۴) قَدْ تَكُونُ جَمَلَةً قَصِيرَةً خَيْرًا مِنْ جَمَلَةٍ طَوِيلَةٍ لِبَيَانِ نَظَرَتِنَا!

۴۷- عین فعلاً ليس فيه حرف زائد:

- (۱) يَمْنَعُ التَّلْمِيزُ عَنِ الْكُسْلِ وَ هُوَ صَعْبٌ لَهُ!
- (۲) يَحْرُكُ الْحَيَوَانَ ذَنْبُهُ لَطَرْدِ الْحَشَرَاتِ!
- (۳) نُجَلِّسُ ضِیُوفَنَا فِي صَدْرِ الْغُرْفَةِ لِاحْتِرَامِهِمْ!
- (۴) لِيَمْتَنِعَ الْحَارِسُ مِنَ التَّوَمِّ حِينَ الْحِرَاسَةِ!

۴۸- عین «من» تختلف:

- (۱) مَنْ يَسْأَلُ الْمُعَلِّمَ تَعْتَنَّا إِلَّا الطَّالِبُ الْمَشَاغِبُ!
- (۲) مَنْ عَمِلَ بِالْقُرْآنِ فَهُوَ يَفْلَحُ!
- (۳) مَنْ غَيْرِ مُعَلِّمِ الْهِنُونِ يَعْلَمُكَ مَا لَا تَعْلَمُ!
- (۴) سَيَعْلَمُ الْجَمِيعُ مِنَ الْفَائِزِ غَدًا!

۴۹- عین الوصف يختلف عن الباقي:

- (۱) اِغْتَنِمُوا الْفُرْصَ الْقَلِيلَةَ وَ بَدِّلُوهَا إِلَى فُرْصٍ ذَهَبِيَّةٍ!
- (۲) كُنْ فِي الشَّدَائِدِ كَجَزِيرَةٍ لَا يَكُونُ الْبَحْرُ قَادِرًا أَنْ يَبْلَعَهَا!
- (۳) آثَارُنَا التَّارِيخِيَّةُ فخرنا و هي من أهم الآثار التي سُجِّلَتْ فِي ذَاكِرَتِنَا!
- (۴) كَانَتْ سَيَّارَتُنَا مُعَطَّلَةً فَجَعَلْتُهَا فِي مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ السَّيَّارَاتِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ!

۵۰- عین ما ليس فيه الحصر:

- (۱) لَا تَزِيدِ التَّجَارِبَ فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعْرِفَتَنَا بِالْأُمُورِ!
- (۲) لَا يُعْجِبُنِي أَحَدٌ إِلَّا الْمَهَاجِمُ الَّذِي يُسَجِّلُ الْهَدَفَ!
- (۳) لَا يَسْتَطِيعُ صُعُودَ هَذَا الْجَبَلِ الْمَرْتَفِعِ إِلَّا الْأَشْخَاصُ الْأَقْوِيَاءُ!
- (۴) لَا تَبْلَعُ سَمَكَةَ السَّهْمِ إِلَّا الْحَشْرَةُ الَّتِي تَسْقُطُ عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ!



زبان عربی

۲۶- گزینه

کلمات مهم: «اذکروا»: یاد کنید / «نعمۃ الله»: نعمت خدا را / «علیکم»: بر خود / «إذ»: آن گاه که / «کنتم أعداء»: دشمنان یکدیگر بودید / «فألف»: پس انس و الفت قرار داد / «بین قلوبکم»: بین دل‌هایتان
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) کلمه «علی: بر» در عبارت «علیکم» در ترجمه لحاظ نشده است. کلمه «بین» در ترجمه لحاظ نشده است.
- ۲) عبارت «علیکم: بر خود» در ترجمه لحاظ نشده است. دشمنی داشتید (معادل صحیحی برای «کنتم أعداء: دشمن بودید» نیست) - کلمه «بین» در ترجمه لحاظ نشده است. به هم نزدیک کرد (معادل دقیقی برای «ألف» نیست)
- ۳) کلمه «بین» در ترجمه لحاظ نشده است. به یکدیگر نزدیک کرد (مانند ۳)

۲۷- گزینه

کلمات مهم: «البرنامج الذي»: برنامه‌ای که / «یبدأ»: آغاز می‌شود / «بالتعلم المناسب»: با یادگیری صحیح / «يمكن»: ممکن است / «أن یُحدّد»: که تعیین کند / «حياة المرء»: زندگی فرد / «في المستقبل»: در آینده / «و هذا»: و این / «هو مكان العلم»: همان موقعیت علم است
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) آغاز شده («یبدأ» مضارع است نه ماضی!) - زندگی آینده انسان (کلمه «في» در: در ترجمه لحاظ نشده است) - کلمه «هو: همان» در ترجمه لحاظ نشده است!
- ۲) برنامه کسی که (وقتی کلمات «الذي، التي، الذين و ...» پس از یک اسم «ال دار» به کار می‌روند غالباً معنای «که» می‌دهند نه «کسی که!» - آغاز کرده («یبدأ» مضارع است نه ماضی!) - زندگی اش (در کلمه «حياة» ضمیری وجود ندارد!) - کلمه «هو: همان» در ترجمه لحاظ نشده است!
- ۳) برنامه آن کس (مانند ۱) - زندگی فردای شخص (مانند ۱) - بتواند (معادلی در عبارت عربی ندارد).

۲۸- گزینه

کلمات مهم: «يقبل»: می‌پذیرد / «عذرك»: عذر تو را / «إذا»: هرگاه / «تعمل»: انجام دهی / «عملاً خطأً»: کار اشتباهی / «یسامحك»: تو را می‌بخشد / «لا یذكرک»: از تو یاد نمی‌کند / «بسوء»: به بدی / «في غيابك»: در غیاب تو
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) انجام («تعمل» فعل است نه اسم!) - کار اشتباه («عملاً خطأً» نکره است نه معرفه!) - بدی‌ات را (معادل «بسوء: به بدی» نیست)
- ۲) به خاطر نمی‌آورد («لا یذكرک» یعنی «یاد نمی‌کند» و با «یتذکر: به خاطر می‌آورد» فرق دارد).
- ۳) نزد او (اضافی است) - پذیرفته است («يقبل: می‌پذیرد» یک فعل غیر اسنادی است و نباید به شکل اسنادی (با «است») ترجمه شود) - خطایی («عملاً» ترجمه نشده است!) - بدی‌ات را (مانند ۱) - به خاطر نمی‌آورد (مانند ۲)

۲۹- گزینه

کلمات مهم: «إنما العلم ثروة»: علم تنها ثروتی است که / «لا يستطيع الظالمون»: ستمکاران نمی‌توانند / «أن ینهبوها»: آن را به یغما ببرند (= غارت کنند) / «لا حاجة له»: هیچ نیازی ندارد / «إلی حارس»: به نگهبانی که / «بحرسة»: از آن محافظت کند
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) تنها («إنما» بر بخش دوم جمله (ثروة) حصر ایجاد می‌کند و در میان مبتدا و خبر ترجمه می‌شود!) - ثروت («ثروة» نکره است نه معرفه!) - ستمکاران نمی‌توانند (جمله وصفیه است و باید همراه «که» ترجمه شود!) - هیچ نیازی نیست («له» در «لا حاجة له» یعنی «ندارد»!) - نگهبانی («إلی» ترجمه نشده است).
- ۲) ثروت واقعی («واقعی» معادل «إنما» نیست!) - علم را (ضمیر «ها» به «ثروة» بازمی‌گردد نه به «علم») - نیازی ندارد (کلمه «هیچ» در ترجمه لای نفی جنس (لا حاجة) لحاظ نشده است)
- ۳) نیازی (مانند ۲) - وجود ندارد (معادل صحیحی برای «لا ... له» ندارد) نیست!

۳۰- گزینه

کلمات مهم: «من ملأ حیاته»: کسی که زندگی خود را پر کرده است / «بعمل الخیر»: با کار خوب / «کان یعلم»: می‌دانسته / «أنها أقصر من»: که زندگی کوتاه‌تر از این است / «أن یضیعها»: که آن را تباهش کند / «بعمل الشر»: با کار بد
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) بداند که (أولاً «کان یعلم» معادل ماضی استمراری است نه مضارع، ثانیاً جای فعل شرط و جواب شرط عوض شده است!) - زندگی (أولاً «حیاته» به درستی و در جایگاه صحیحی نیامده، ثانیاً ضمیر «ه» ترجمه نشده است!) - ضایع شود («یضیعها» معلوم است نه مجهول!)
- ۲) پر شده است («ملأ» پر کرده است) یک فعل مفعول‌پذیر و «حیاء» مفعول آن است!) - هدر رود (مانند ۱)
- ۳) دانسته («کان یعلم» معادل ماضی استمراری است نه ماضی نقلی!) - بتواند (اضافی است!) - ناپود شود (مانند ۱)

۳۱- گزینه

کلمات مهم: «لا نقدر»: نمی‌توانیم / «أن نضطر»: [که] وادار کنیم / «التلمیذ الذي»: دانش‌آموزی را که / «عوّد نفسه»: خودش را عادت داده / «الکسل»: به تنبلی / «إلی التحرك»: به تحرک / «و الاجتهاد للتقدم»: و تلاش برای پیشرفت / «في الحياة»: در زندگی / «بسهولة»: به آسانی
خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) خود به تنبلی عادت کرده (أولاً «نفسه» مفعول است و باید به شکل مفعولی ترجمه شود، ثانیاً «عوّد» به معنای «عادت داده» می‌باشد!) - پیشرفتش («للتقدم» ضمیری ندارد!)
- ۲) قادر نیستیم (کلمه «نمی‌توانیم» در ۱ معادل دقیق‌تری برای «لا نقدر» است!)
- ۳) خودش به تنبلی عادت کرده (مانند ۲) - پیشرفتش (مانند ۲)

۳۲- گزینه

کلمات مهم: «لم تتبادل»: رد و بدل نشد / «في سنة واحدة»: در یک سال / «بل قد حدث»: بلکه رخ داده است / «هذا التبادل»: این تبادل / «أثناء سنوات كثيرة»: در طول سال‌های زیادی / «بهذا»: بدین ترتیب / «أصبحت»: شدند / «اللغات»: زبان‌ها / «غنية»: غنی



خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ سالی یک‌بار (معادل «في سنة واحدة» نیست!) - تبادل نمی‌شدند («لم + مضارع» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی می‌باشد نه ماضی استمراری!) - اتفاق می‌افتاد («قد حدث» معادل ماضی نقلی است نه ماضی استمراری!) - می‌شدند («أصبحت» معادل ماضی ساده و نقلی است نه ماضی استمراری!)

۳ یک‌بار در سال (مانند ۲) - تغییر نمی‌کردند (مانند ۲) - سال‌های بسیار («سنوات كثيرة» نکره است نه معرفه!) - می‌شدند (مانند ۲)

۴ رخداد («قد حدث» فعل است نه اسم!) - «هذا» در ترجمه لحاظ نشده است - سرشار از توانایی (معادل دقیقی برای «غنية» نیست!)

۳۳- گزینه ۳ خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ جامعه «اولاً» لای نفی جنس» به معنای «هیچ» در ترجمه لحاظ نشده، ثانیاً «مجتمع: جامعه» نکره است نه معرفه! - عبارت «فيه» در ترجمه لحاظ نشده است! ترجمه صحیح: «هیچ جامعه‌ای بیشتر از پیشرفت معلمان در آن پیشرفت نمی‌کند!»

۲ سخنرانی می‌کرد («كان ... ألقى: سخنرانی کرده بود» معادل ماضی بعید است نه ماضی استمراری!) - گوش می‌دادند (در این عبارت «استمعوا» معادل ماضی استمراری نیست!)

۴ همگی (عبارت «كلها» مربوط به «الكراسي: صندلی‌ها» است نه «المتفرون: تماشاچیان!»)

۳۴- گزینه ۲ فعل «نُعَوِّد» اولاً مربوط به صيغة متکلم مع الغير (اول شخص جمع) است نه غایب، ثانیاً «عَوِّد» یعنی «عادت داد» نه «عادت کرد»!

ترجمه صحیح این عبارت: «زبانمان را باید به کلام نرم عادت دهیم تا دوستی مردم را به دست آوریم!»
تذکر: بهتر بود طراح محترم در ۳ «اللهم» را به صورت «پروردگارا» ترجمه نمی‌کرد!

۳۵- گزینه ۱ کلمات مهم: مادر: «الأم» / برای تربیت فرزندان: «لتربية أولادها» / بسیار تلاش می‌کند: «تجتهد ... اجتهاداً كثيراً»
خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ «أمتنا» («مادر» ضمیری ندارد!) - «في» (معادل دقیقی برای کلمه «برای» نیست!) - «الأولاد» (ضمیر موجود در «فرزندانش» لحاظ نشده است!) - «اجتهاداً» (به تنهایی آمده، پس معنای تأکید دارد و معادل «بسیار» نیست!)

۳ «أمتنا» (مانند ۲)
۴ «هذه» (اضافی است!) - «في» (مانند ۲)

ترجمه متن:

«در اوایل قرن بیستم مروارید طبیعی کمیاب و گران بود و فقط به بزرگان و ثروتمندان اختصاص داشت و گاهی قیمت یک قطعه کوچک از آن به مبالغ بسیاری می‌رسید و گفته می‌شود که در عصر امپراتوری روم یک فرمانده تمام ارتش خود را با فروش قطعه کوچکی که مادرش صاحبش بود، مجّه‌ز کرد!

تعیین نخستین زمان کاربرد گوهر مروارید و کسی که اولین بهره‌برداران آن از دریا بود، ممکن نیست، اما می‌دانیم که قبیله‌های قدیمی که در سواحل هندی ماهی صید می‌کردند، اهمیت و ارزش آن را در آن روزها می‌دانستند؛ و شایان ذکر است که در دوران امپراتوری بریتانیا فقط به خانواده سلطنتی و ثروتمندان و بزرگان به استثنای دیگران اجازه داشتن مروارید برای خودشان، داده می‌شد!

۳۶- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها:

۱ تجارت مروارید در اوایل قرن بیستم نمایان شد!
۲ حاکمان رومی اولین کسانی بودند که ارزش مروارید را فهمیدند!
۳ ماهی‌فروشان در شهرها ارزش مروارید را می‌دانستند!
۴ موضوع استفاده از مروارید فقط مختص به پادشاهان نبود!

۳۷- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها:

۱ مکان مروارید نزدیک دریاهاست!
۲ هندی‌ها اولین بهره‌برداران آن هستند! (طبق متن، اولین بهره‌برداران مروارید نامشخص است!)

۳ مقدار مروارید با تعداد افراد جهان برابر است! (مروارید بسیار کمیاب است!)

۴ ماهی‌گیران در قدیم پیش از دیگران ارزشش را فهمیدند!
۳۸- گزینه ۳ ترجمه گزینه‌ها:

۱ افرادی که استفاده از مروارید مختص آنان بود!
۲ زمان استفاده از مروارید برای اولین بار!
۳ ارزش مروارید قبل از قرن بیستم!
۴ افرادی که برای اولین بار از مروارید استفاده کردند!

۳۹- گزینه ۲ در متن از مروارید ذکر شده است:
۱ سختی به دست آوردن
۲ ارزش
۳ چگونگی به دست آوردن
۴ زیبایی

۴۰- گزینه ۱ خطای این گزینه: مصدره «تجهّز» من باب تفعل («تجهّز» بر وزن «فعل» از باب تفعیل و از مصدر «تجهیز» است!)

۴۱- گزینه ۲ خطای این گزینه: للجمع المذکر المخاطب («يعرفون» جمع مذکر غایب است نه مخاطب!) - فاعله «أهميّة» («أهميّة» مفعول آن است.)

۴۲- گزینه ۱ خطای این گزینه: جمع سالم للمذکر (پرواضح است که «تعیین» بر وزن «تفعیل» مفرد است نه جمع!)

۴۳- گزینه ۳ خطاهای این گزینه: «مُصلّح» (با توجه به معنای جمله «مُصلّح: تعمیرکار» صحیح است نه «مُصلّح: تعمیرشده!») - «يُصلّح» (با توجه به معنای جمله این فعل باید معلوم باشد نه مجهول، بنابراین «يُصلّح: تعمیر کند» صحیح است نه «يُصلّح: تعمیر می‌شود!»)



۴۴- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها:

- ۱ بی‌نیازکننده‌تر: کسی که بیشتر دیگران را بی‌نیاز می‌کند!
- ۲ آواز خواند: شعری را با صدایی شاد یا غمگین خواند!
- ۳ بی‌نیاز گرداند (کسی را): او را بی‌نیازی گرداند که هیچ نیازی ندارد!
- ۴ ثروتمند: توانگر در مال و به دیگران کمک نمی‌کند!

۴۵- گزینه ۲ جمع مکسر «القربان: قربانی»، «القربین» است!

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «الفلاح» = «مزارع» = کشاورز / «مّرة» = «تارة» = بار
- ۲ مفرد «شعوب: ملت‌ها»: «شعب» / مفرد «قبائل: قبیله‌ها»: «قبيلة»
- ۴ متضاد «نکره: ناپسند می‌داریم»: «نحبّ: دوست داریم» / متضاد «معطّلة: خراب‌شده»: «مصلّحة: تعمیرشده»

۴۶- گزینه ۲ کلمه «خیر» هرگاه معنای «بهتر» یا «بهترین»

بدهد اسم تفضیل است!

ترجمه گزینه‌ها:

- ۱ همانا تفکر بهتر است از هر چیزی حتی عبادت!
- ۲ همانا جماعت بهتر است از تنهایی، پس پایبند جماعت باشید!
- ۳ کودک کوچک هر خوبی را در مادرش می‌بیند و به او پناه می‌برد!
- ۴ گاهی یک جمله کوتاه از یک جمله طولانی برای بیان نظر ما بهتر است!

۴۷- گزینه ۱ سؤال از ما فعلی را می‌خواهد که حرف زائد

نداشته باشد، در واقع فعل ثلاثی مجرّد می‌خواهد:

- ۱ «یُمنع» ثلاثی مجرّد است!

- ۲ «يُحرّك» بر وزن «يُفَعّل» ثلاثی مزید از باب تفعیل است!

- ۳ «تُجلس» بر وزن «يُفَعّل» ثلاثی مزید از باب إفعال است!

- ۴ «یمتنع» بر وزن «يُفَعّل» ثلاثی مزید از باب افتعال است!

۴۸- گزینه ۲ «من» در ۲ از نوع شرط است و در سایر گزینه‌ها

از نوع «پرسشی» می‌باشد:

- ۱ چه کسی جز دانش‌آموز اخلاک‌ر برای مچ‌گیری از معلّم سؤال می‌کند؟

- ۲ هر کس به قرآن عمل کند، پس او رستگار می‌شود!

- ۳ چه کسی غیر از معلّم مهربانت به تو چیزی می‌آموزد که نمی‌دانی؟

- ۴ فردا همه خواهند دانست که چه کسی برنده است؟

۴۹- گزینه ۲ در این گزینه جمله «لا يكون البحر ...» برای اسم

نكرة «جزیره» صفت از نوع جمله است (جمله وصفیه)، اما در سایر گزینه‌ها صفت از نوع جمله وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۱ «القليلة» و «ذهبية» صفت از نوع اسم هستند!

- ۳ «التاريخية» و «آلتي» صفت از نوع اسم هستند! (صفت‌بودن

«آلتي» در کتاب‌های نظام جدید مطرح نشده است!

- ۴ «واحد» صفت از نوع اسم است!

۵۰- گزینه ۲ در این عبارت «أحد» مستثنی‌منه و «المهاجم»

مستثنی است، بنابراین اسلوب حصر نداریم!

در سایر گزینه‌ها جمله قبل «إلا» منفی و مستثنی‌منه محذوف است، بنابراین اسلوب حصر داریم!

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

خارج از کشور

آقای کنکور
t.me/MrKonkori

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۱

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی ریاضی - تجربی - هنر - زبان
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان عربی

• عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦-٣٥).

٢٦- ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا حُلَّةٍ﴾:

- ١) از آن چه به شما روزی دادیم انفاق کنید، قبل از این که روزی بیاید که نه فروشی (تجارتی) در آن است و نه دوستی!
- ٢) آن چه را روزی شما کردیم انفاق کنید، پیش از این که آن روز فرارسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه شفاعتی!
- ٣) از چیزهایی که به شما روزی داده‌ایم به دیگران بدهید، پیش از این که آن روز بیاید که نه خریدی در آن است و نه شفاعتی!
- ٤) چیزهایی را که روزی شما قرار دادیم به دیگران ببخشید، قبل از این که روزی فرارسد که نه معامله‌ای در آن است و نه دوستی!

٢٧- «قَدْ تَوَثَّرَ كَلِمَاتٌ مِنْ شَخْصٍ أَوْ مِنْ كِتَابٍ فِي أَنْفُسِنَا تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَظْهَرُ فِي أَفْكَارِنَا وَ آرَائِنَا»:

- ١) کلماتی از شخصی یا از کتابی بر وجود ما عمیقاً تأثیر می‌گذارد و در اندیشه و آرای ما ظاهر می‌شود!
- ٢) قطعاً کلماتی از شخص یا کتابی در درونمان تأثیر ژرفی می‌گذارد که افکار و آرای ما آن را آشکار می‌کند!
- ٣) گاهی کلماتی از شخصی یا کتابی در درون ما چنان تأثیر عمیقی می‌گذارد که در افکار و نظرات ما ظاهر می‌شود!
- ٤) گاه کلمات شخص یا کتابی در وجودمان چنان تأثیر ژرفی بر جا می‌گذارد که اندیشه‌ها و نظریاتمان آن را نمایان می‌سازد!

٢٨- «كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَا يَتَفَكَّرُونَ أَكْثَرَ مِنْ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ سَنَوِيًّا، وَلَكِنَّ الْعُلَمَاءَ لَا يُضَيِّعُونَ أَوْقَاتَهُمْ وَ يُفَكِّرُونَ دَائِمًا»:

- ١) اکثر مردم بیشتر از دو بار یا سه بار فکر نمی‌کنند، ولی علما اوقاتشان را ضایع نکرده در طول سال، همیشه می‌اندیشند!
- ٢) بسیاری از مردم سالانه بیش از دو یا سه بار نمی‌اندیشند، اما دانشمندان اوقات خود را تلف نمی‌کنند و همیشه تفکر می‌کنند!
- ٣) کثیری از مردم هستند که سالیانه بیش از دو سه دفعه فکر نمی‌کنند، ولی عالمان زمان خود را تلف ننموده‌اند و دائماً در تفکر هستند!
- ٤) مردم بسیاری هستند که در سال بیشتر از دو یا سه بار اندیشه نمی‌کنند، ولیکن اندیشمندان زمان را تباه نمی‌کنند و دائماً فکر می‌کنند!

٢٩- «يُمْكِنُ أَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الضَّحْكَ، لَكِنَّكَ لَنْ تَنْسِيَ مَنْ شَارَكَكَ فِي الْبُكَاءِ أَبَدًا»:

- ١) شاید هر کس که در خندیدن با تو همراه بود، فراموش شود، اما کسی که در گریستن با تو همراه بود فراموش نخواهد شد!
- ٢) می‌توان آن کس را که در خنده همراهی‌ات کرد فراموش کنی، اما هرگز آن کس را که در گریه همراهی‌ات کند، فراموش نمی‌کنی!
- ٣) می‌شود آن کسی را که در خنده با تو همراهی کرده است فراموش کنی، اما کسی را که در گریه با تو همراهی می‌کند ابداً فراموش نمی‌کنی!
- ٤) امکان دارد کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد فراموش کنی، اما کسی را که در گریه کردن با تو همراهی کرد هرگز فراموش نخواهی کرد!

٣٠- «إِنَّ قَلَمَ الْعَالِمِ وَ لِسَانَهُ هُمَا أَفْضَلُ الْجَنُودِ الَّذِينَ يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُدَافِعُوا عَنْ ثِقَافَةِ بِلَادِهِمْ بِأَحْسَنِ طَرِيقٍ»:

- ١) قلم و زبان عالم سربازانی‌اند که قادرند از فرهنگ سرزمین خودشان به زیباترین طریق دفاع نمایند!
- ٢) قلم عالم و زبان او همان سربازان برترند که می‌توانسته‌اند به نیکوترین راه از فرهنگ کشورشان دفاع نمایند!
- ٣) قلم عالم و زبان او بهترین سربازانی هستند که می‌توانند از فرهنگ کشور خود به بهترین روش دفاع کنند!
- ٤) قلم و زبان دانشمند همان سربازانی هستند که می‌توانند به روشی نیکو از فرهنگ سرزمین‌های خویش دفاع کنند!

٣١- «دَعَا الشَّرْطِيُّ جَمَاعَةَ الْمَشَاغِبِينَ إِلَى التَّزَامِ الصَّمَتِ، وَ هُوَ مَا كَانَ قَدْ فَكَّرَ كَيْفَ يَطْلُبُ مِنْهُمْ أَنْ يَقُومُوا بِذَلِكَ»: پلیس گروه

- ١) شلوغ‌کار را فراخواند و آن‌ها را به پایبندی به سکوت ملزم کرد، و به چگونگی عمل کردن آن‌ها فکر نکرده بود!
- ٢) آشوبگر را به پایبندی به سکوت دعوت کرد، در حالی که فکر نکرده بود چگونه از آن‌ها بخواهد بدان عمل کنند!
- ٣) پر سر و صدا را به ایجاد سکوت فراخواند، اما فکر نمی‌کرد که آن‌ها چگونه باید به آن عمل کنند!
- ٤) پرهیاهو را به رعایت سکوت دعوت کرد، ولی به این که چگونه باید سکوت کنند اصلاً فکر نمی‌کرد!

٣٢- «إِنَّ الضُّوءَ مِنْ أَهَمِّ الْعَوَامِلِ الَّتِي تُؤَثِّرُ فِي حَيَاةِ الْكَائِنَاتِ الَّتِي تَعِيشُ فِي أَعْمَاقِ الْمَحِيطَاتِ»:

- ١) نور از عوامل مهمی است که تأثیرش در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها به سر می‌برند حتمی است!
- ٢) قطعاً نور از مهم‌ترین عواملی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند اثر می‌گذارد!
- ٣) نور از مهم‌ترین عواملی است که تأثیر آن در موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها به سر می‌برند قطعی است!
- ٤) قطعاً نور از عوامل مهمی است که در زندگی موجوداتی که در اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند تأثیر دارد!

٣٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ١) قد نُعَوِّدُ أَنْفُسَنَا عَمَلًا جَيِّدًا وَ سَيِّئًا: گاهی خودمان به کار خوب یا بدی عادت می‌کنیم،
- ٢) وَ يُصْبِحُ نَعْيِيْزُهُ كَدَاءً لَا مَعَالَجَةَ لَهُ: و تغییردادنش گاهی مثل بیماری‌ای است که درمان ندارد،
- ٣) وَ تُجَذِّبُ إِلَيْهِ لَا عَنْ عَزَمٍ: و در حالی که تصمیمی بر آن نداریم به سوی ما کشیده می‌شود،
- ٤) وَ نَعْمَلُهُ وَ نَحْنُ غَافِلُونَ عَنْهُ: و آن را انجام می‌دهیم، در حالی که از آن غافل هستیم!

۳۴- عَيْنُ الصَّحِيح:

- (۱) کاد آخي يکي بُکاءَ لِأَنَّ لَهُ أَلماً شديداً: برادرم نزدیک است از درد شدیدی که دارد، گریه کند!
- (۲) طوبى لمن لا يَحْدِثُ عَمَّا فِيهِ احْتِمَالُ الكَذِبِ: خوشا به حال آنان که از هر چه احتمال دروغ دارد، سخن نگویند!
- (۳) من لا يَسْتَعْمِدُ الْوَقْتَ جَيِّداً هُوَ أَوَّلُ مَنْ يَشْكُو مِنْ قَلْتِهِ: کسی که از وقت به خوبی استفاده نمی‌کند، اولین کسی است که از کمی آن، شکایت می‌کند!
- (۴) العلماء من يُنِيرُونَ عَقُولَ النَّاسِ بالعلوم النافعة: دانشمندان همان کسانی هستند که به وسیله علوم سودمند خود، مردم را دارای عقل نورانی می‌کنند!

۳۵- «استاد موافقت کرد که امتحان را برای دانش‌آموزان به مدت دو هفته به تأخیر اندازد!»:

- (۱) وافق أستاذنا أن يُؤَجِّلَ مَوْعِدَ الامتحانات أسبوعين اثنين!
- (۲) توافق أستاذنا أن يتأخَّرَ الموعد للامتحان أسبوعين اثنين!
- (۳) توافق الأستاذ أن يؤخِّرَ امتحانات الطلاب لمدة أسبوعين!
- (۴) وافق الأستاذ أن يؤجِّلَ الامتحان للطلاب لمدة أسبوعين!

••• إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ (۳۶-۴۲) بما يناسب النَّصَّ:

قد يشعر الإنسان بعض الأحيان أَنَّهُ مُصاب بالهمِّ و الغمِّ، لذلك يُنصَحُ أن يقوم ببعض الأعمال؛ منها:

- ۱- الكلام مع العائلة والأصدقاء، فَإِنَّ الإنسان عندما يشعر بِأَنَّهُ جليش مجموعة من الأصدقاء الَّذِينَ يُحِبُّونَهُ يَزِيدُ شعوره بِقُوَّتِهِ و استطاعته.
- ۲- الإقبال على الرياضة في بعض الحالات، فَإِنَّهَا أحياناً تُؤَثِّرُ على نشاط مادة كيميائية في الجسم مشهورة بمادة السعادة، و هذا تُفيد بعض المصابين.
- ۳- الاستماع إلى الأصوات الهادئة و المحبوبة كالقرآن و الأصوات في الطبيعة و الموسيقى، فَإِنَّهُ يَزِيدُ السَّكِينَةَ في الإنسان كما أَنَّهُ يُسَاعِدُ على تخفيض ضغط الدَّم و تحسين ضربان القلب.
- ۴- كتابة أسباب الحزن و الغمِّ، فَإِنَّهَا تُفيد في تخفيف الآلام.

۳۶- عَيْنُ الْخَطَأ:

- (۱) إِنَّ بعض الأصوات يؤثر على تقليل الاضطرابات!
- (۲) رفيق السوء لا يقدر أن يدخل السَّكِينَةَ في قلب الإنسان!
- (۳) إِنَّ التمارين الرياضية بعض الأحيان تعمل بدل الأدوية!
- (۴) إِنَّ الإنسان في هذا العصر يشعر بالحزن و المصيبة مستمراً!

۳۷- عَيْنُ مَا هُوَ مِنْ تَوْصِيَّاتِ النَّص:

- (۱) تكلم مع الآخرين حول حياتك و ذكّر ألامك!
- (۲) إستمع إلى الأخبار و شاهد الأفلام!
- (۳) أشعر بقدراتك عن طريق الصديق الحميم!
- (۴) أكتب تمارينك و دروسك بشوق!

۳۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ مَفْهُومِ النَّص:

- (۱) لا طمأنينة بالكسل!
- (۲) أترك الحزن بترك الفكر!
- (۳) الفرج بعد الشدائد!
- (۴) دواء الحزن الصبر عليه!

۳۹- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ: «إِنَّ دراسات العلماء بَأَنَّ تَوَثَّرَ على شفاء المرضى!»:

- (۱) تَوَثَّرَ - الرياضة - بعضهم و لا جميعهم
- (۲) أثبتت - الأصوات كلّها - بسرعة
- (۳) تعتقد - الكتابة اليومية - في جميع الأحيان
- (۴) تظهر - تخفيض الدَّم كثيراً - و لا شك في ذلك

••• عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: (۴۰-۴۲)

۴۰- «تَوَثَّرَ»:

- (۱) فعل مضارع - له ثلاثة حروف أصلية «أثر» - مصدره: «تأثير» على وزن تفعيل
- (۲) مضارع - للمؤنث الغائب - ماضيه «تأثّر» على وزن تَفَعَّلَ / فَعَّلَ و مع فاعله جملة فعلية
- (۳) فعل مضارع - للمفرد المؤنث الغائب - حروفه الأصلية «أثر» / فَعَّلَ و مع فاعله جملة فعلية
- (۴) مضارع - حروفه الأصلية ثلاثة «أثر»، و له حرف واحد زائد - فعله الماضي «أثّر» على وزن فَعَّلَ

۴۱- «يُسَاعِدُ»:

- (۱) فعل مضارع - له حرف واحد زائد، ماضيه: «ساعد» على وزن «فاعل»
- (۲) مضارع - مصدره «مساعدة» على وزن «مفاعلة» / مع فاعله جملة فعلية
- (۳) فعل مضارع - للمفرد المذكر الغائب - حروفه كلّها أصلية و ليس له حرف زائد
- (۴) مضارع - للغائب - له ثلاثة حروف أصلية «س ع د» / فَعَّلَ و مع فاعله جملة فعلية

۴۲- «مجموعة»:

- (۱) مفرد مؤنث - نكرة - مضاف إليه
- (۲) مفرد مؤنث - اسم مفعول (فعله: جمع)
- (۳) اسم - مفرد مؤنث - معرفة - مضاف إليه
- (۴) اسم - اسم مفعول (من فعل «جمع»)

• عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية: (۴۳-۵۰)

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَذِّرُ الْحَيَوَانَاتَ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ!
- (۲) إِنْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يَسَاوِي وَاحِداً وَ أَرْبَعِينَ!
- (۳) لَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُجِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَ أَحْسِنُ كَمَا تُجِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ!
- (۴) أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ التَّوْرِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ جِرَاءِ الْوَاقِعِ فِي قِمَّتِهِ!

۴۴- عین الخطأ عن المفهوم:

- (۱) الصَّحْفِي: مَنْ يقرأ الصحيفة اليومية دائماً!
- (۲) المصحف: يُقال لكتابٍ كُتِبَ فيه كلامٌ خاصٌّ!
- (۳) الصحيفة: مجموعة من الأوراق التي تنتشر يومياً!
- (۴) الصحف: فيها أخبار متعددة و غيرها حسب سياسة الصحيفة!

۴۵- عین الصحيح عن المفردات:

- (۱) إنه قرأ آلاف الكتب و هو من أهمّ الكتاب. (مفرد) ← ألف - كاتب
- (۲) جاء بهدايا كثيرة و قبلها الفقير بسرور. (مترادف) ← أتى ب - رفض
- (۳) كل وعاء يضيّق بما جعل فيه إلّا وعاء العلم. (متضاد) ← يتسع - الجاهل
- (۴) ذهبت إلى أستاذي مع صديقتي لنسأل سوالات كثيرة. (جمع) ← أساتذة - أصدقاء

۴۶- عین ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (۱) بنى المدير سداً بخير الأشياء من الحديد و التحاس!
- (۲) خير الصدقة علمٌ نتعلّمه و نُعلّمه الآخرين في حياتنا!
- (۳) عليكم بالجماعة لأنّ الكثير خير من القليل لأداء الأعمال!
- (۴) في كلّ شيء خيرٌ و جمالٌ لا تشاهدهما إلّا أن تنتبه إليهما!

۴۷- عین ما فيه «نون الوقاية»:

- (۱) تبني بعض الطيور عشّها فوق الأشجار!
- (۲) أختي العزيزة؛ بيّني لي أين أجعل هذه الكتب!
- (۳) إن بيّنت لك أصل هذا الموضوع فهل تصدّقني!
- (۴) هو طالبٌ نشيط جداً يتمنّى أن يصل إلى أهدافه!

۴۸- عین «ما» تختلف في المعنى:

- (۱) ما أحبّ هذا الطالب أن يعرف الآخرين فشله!
- (۲) ما تحتاج هذه الغرفة هي مكتبة صغيرة فيها بعض الكتب!
- (۳) ما أحسن الإنسان لأحدٍ إلّا و هو يرى نتيجة عمله بإحسان أفضل!
- (۴) ما أخلص المؤمنُ لله إلّا و ينابيع الحكمة قد ظهرت من قلبه على لسانه!

۴۹- عین ما فيه المفعول المطلق التوعّي:

- (۱) مدح الشاعر الجئة مدحاً جيّداً و نال جائزة!
- (۲) رأيْتُ حادثاً جديداً في مدينتنا عندما كنْتُ أمشي هناك!
- (۳) لا نَعمر حكمةً بالغةً عمراً إلّا في قلب الإنسان المتواضع!
- (۴) شاهدتُ سمكاً عجيباً يعيش في الغلاف دون الماء و الطّعام!

۵۰- عین أسلوب الاستثناء معناه الحصر:

- (۱) ما اشتري والدي شيئاً من المتجر الكبير إلّا نوعاً من الفاكهة!
- (۲) ما أعانني أحدٌ في مشاكل الحياة إلّا الله الذي خلّقني فيرحمني دائماً!
- (۳) ما شكر أكثر الناس نعمة الله عليهم إلّا الذين يعرفون أنّها من جانبه!
- (۴) ما استطاع أن يذهب إلى الحجّ هذا العام إلّا الحجّاج الذين كانوا مستطيعين!

زبان عربی

۲۶- گزینه ۱

کلمات مهم: «أنفقوا»: انفاق کنید / «مما رزقناکم»: از آن چه به شما روزی دادیم (مما: من + ما) / «من قبل أن يأتي يومٌ»: قبل از این که روزی بیاید / «لا بیع فیهِ»: که نه فروشی در آن است / «و لا خُلَّةٌ»: و نه دوستی خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) آن چه (حرف «مِن»: از) در «مِمَّا» ترجمه نشده است! - روزی شما کردیم (معادل دقیقی برای «رزقناکم»: به شما روزی دادیم نیست!) - آن روز (اولاً کلمه «آن» اضافی است، ثانیاً «یومٌ» نکره است نه معرفه!) - شفاعتی («خُلَّةٌ» یعنی «دوستی»!)
- ۲) به دیگران بدهید (معادل «أنفقوا» نیست!) - آن روز (مانند ۲) - خریدی («بیعٌ» یعنی «فروش») - شفاعتی (مانند ۲)
- ۳) چیزهایی را (مانند ۲) - روزی شما قرار دادیم (مانند ۲) - به دیگران (اضافی است!)

۲۷- گزینه ۲

کلمات مهم: «کلمات من شخص»: کلماتی از شخصی / «أو من کتابٍ»: یا از کتابی / «قد تؤثر ... فی أنفسنا تأثیراً عمیقاً»: گاهی در درون ما چنان تأثیر عمیقی می‌گذارد / «یظهر فی أفكارنا و آرائنا»: که در افکار و نظرات ما ظاهر می‌شود. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) تأثیر می‌گذارد («قد» همراه مضارع معادل «گاهی، شاید» است و در ترجمه لحاظ نشده است!) - و («یظهر» جمله وصفیه است و باید همراه «که» ترجمه شود نه «و»!) - اندیشه («أفکار» جمع است نه مفرد!)
- ۲) قطعاً («قد» همراه مضارع معادل «گاهی، شاید» است نه «قطعاً»!) - آن را (اضافی است!) - آشکار می‌کند («یظهر» به معنای «آشکار می‌شود» است!)
- ۳) کلمات شخص (اولاً «مِن»: از) در «من شخص» ترجمه نشده است، ثانیاً «کلمات» نکره است نه معرفه!) - آن را (مانند ۲) - نمایان می‌سازد (مانند ۲)

۲۸- گزینه ۲

کلمات مهم: «کثیر من الناس»: بسیاری از مردم / «لا یفکرون»: نمی‌اندیشند / «أكثر من مرتین أو ثلاث مراتٍ»: بیش از دو یا سه بار / «سنویاً»: سالانه / «ولکن»: اما / «العلماء»: دانشمندان / «لا یضیعون»: تلف نمی‌کنند / «أوقاتهم»: اوقات خود را / «یفکرون» دائماً: همیشه تفکر می‌کنند. خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) اکثر مردم (اولاً «کثیر» اسم تفضیل نیست، ثانیاً «مِن» ترجمه نشده است!) - در طول سال (اولاً کلمه «سنویاً» مربوط به بخش قبلی جمله است، ثانیاً معنای آن «سالانه» است نه «در طول سال»)
- ۲) هستند که (اضافی است!) - زمان («أوقات» جمع است نه مفرد!) - تلف ننموده‌اند («لا یضیعون» مضارع است نه ماضی!) - در تفکر هستند (معادل دقیقی برای «یفکرون» نیست!)
- ۳) مردم بسیاری (اولاً «کثیر» در این جا صفت نیست، ثانیاً «مِن» ترجمه نشده است!) - هستند که (مانند ۲) - زمان (مانند ۲)

۲۹- گزینه ۲

کلمات مهم: «یُمكن أن تنسى»: امکان دارد فراموش کنی / «من شارك فی الضحك»: کسی را که در خندیدن با تو همراهی کرد / «لکنک لن تنسى»: اما فراموش نخواهی کرد / «من شارك فی البكاء»: کسی را که در گریه کردن با تو همراهی کرد / «أبداً»: هرگز خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) با تو همراه بود (معادل دقیقی برای «شارك»: تو را همراهی کرد نیست!) - کلمه «أبداً» هرگز در ترجمه لحاظ نشده است!
- ۲) می‌توانی («یمكن» یعنی «امکان دارد») - همراهی ات کند («شارك» ماضی است نه مضارع!) - فراموش نمی‌کنی («لن تنسى» معادل آینده منفی است نه مضارع!)
- ۳) همراهی می‌کند (مانند ۲) - فراموش نمی‌کنی (مانند ۲)

۳۰- گزینه ۳

کلمات مهم: «قلم العالم و لسانه»: قلم عالم و زبان او / «هما أفضل الجنود الذین»: بهترین سربازانی هستند که / «یستطیعون أن یدافعوا»: می‌توانند دفاع کنند / «عن ثقافة بلادهم»: از فرهنگ کشور خود / «بأحسن طریق»: به بهترین روش خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) قلم و زبان عالم (ترجمه دقیقی برای «قلم العالم و لسانه» نیست!) - سربازانی («أفضل: بهترین» ترجمه نشده است!) - زیباترین (معادل «أحسن: بهترین» نیست!)
- ۲) سربازان برتر («أفضل الجنود» یک ترکیب اضافی است نه وصفی!) - می‌توانسته‌اند («یستطیعون» مضارع است نه ماضی!)
- ۳) قلم و زبان دانشمند (مانند ۱) - سربازانی (مانند ۱) - روشی نیکو (اولاً «أحسن طریق» یک ترکیب اضافی است نه وصفی، ثانیاً «أحسن» اسم تفضیل است و باید به همراه «تر» یا «ترین» ترجمه شود!)

۳۱- گزینه ۲

کلمات مهم: «دعا»: دعوت کرد / «جماعة المشاغبین»: گروه آشوبگر / «إلى التزام الصمت»: به پایبندی به سکوت / «و هو ما کان قد فکّر»: در حالی که فکر نکرده بود / «کیف»: چگونه / «یطلب منهم»: از آن‌ها بخواهد / «أن یقوموا بذلك»: بدان عمل کنند خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱) و آن‌ها را (اضافی است!) - ملزم کرد (اضافی است!) - چگونگی («کیف» یعنی «چگونه» و «کیفیه» یعنی «چگونگی»!) - عمل کردن («أن یقوموا» فعل است نه مصدر!) - عبارت «یطلب منهم» ترجمه نشده است!
- ۲) ایجاد (معادل «التزام: پایبندی» نیست!) - اما («و» در عبارت «و هو ما کان قد فکّر» واو حالیه است و معنای آن «در حالی که» می‌باشد نه «اما»!) - فکر نمی‌کرد («کان قد فکّر» معادل ماضی بعید است نه ماضی استمراری!) - باید (اضافی است!) - عبارت (مانند ۱)
- ۳) ولی (مانند ۲) - به این که (معادلی در عبارت عربی ندارد!) - باید سکوت کنند (معادل «أن یقوموا بذلك» نیست!) - عبارت «یطلب منهم» (مانند ۱) - اصلاً (اضافی است!) - فکر نمی‌کرد (مانند ۳)

۳۲- گزینه ۲

کلمات مهم: «إن»: قطعاً (می‌تواند ترجمه نشود!) / «الضوء»: نور / «من أهمّ العوامل الّتی»: از مهم‌ترین عواملی است که / «تؤثر»: اثر می‌گذارد / «فی حیاة الکائنات الّتی»: در زندگی موجوداتی که / «تعیش فی أعماق المحيطات»: در اعماق اقیانوس‌ها زندگی می‌کنند.



خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ عوامل مهمتی (اولاً «أهمّ العوامل» یک ترکیب اضافی است نه وصفی، ثانیاً «أهمّ» اسم تفضیل است و باید همراه «تر» یا «ترین» ترجمه شود!) - تأثیرش («تؤثر» فعل است نه مصدر!) - به سر می‌برند (معادل «تعیش: زندگی می‌کنند» نیست!) - حتمی است (اضافی است!)
- ۲ تأثیر آن (مانند ۱) - در موجوداتی («حیاء: زندگی» ترجمه نشده است!) - به سر می‌برند (مانند ۱) - قطعی است (مانند ۱)
- ۴ عوامل مهمتی (مانند ۱)

۳۳- گزینه صحیح سایر گزینه‌ها:

- ۱ گاهی خودمان را به کار خوب و بدی عادت می‌دهیم،
- ۲ و تغییر دادنش مثل بیماری‌ای می‌شود که هیچ درمانی ندارد،
- ۳ و به سوی آن کشیده می‌شویم [اما] نه از روی اراده!

۳۴- گزینه صحیح سایر گزینه‌ها:

- ۱ برادرم نزدیک بود واقعاً گریه کند، زیرا درد شدیدی داشت! (دقت کنید که «بکاء» مفعول مطلق تأکیدی است!)
- ۲ خوشا به حال کسی که از آن چه در آن احتمال دروغ است، سخن نگوید!
- ۴ دانشمندان کسانی هستند که به وسیله علوم سودمند، عقل‌های مردم را نورانی می‌کنند!

۳۵- گزینه کلمات مهم: استاد: «الأستاذ» / موافقت کرد: «وافق» / که به تأخیر اندازد: «أن يؤجل» / امتحان: «الامتحان» / برای دانش‌آموزان: «للطلاب» / به مدت دو هفته: «لمدة أسبوعين»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

- ۱ «أستاذنا» (در «استاد» ضمیری وجود ندارد!) - «موعد» (اضافی است!) - «الامتحانات» («امتحان» مفرد است نه جمع!)
- ۲ «توافق» (معادل دقیقی برای «موافقت کرد» نیست!) - «أستاذنا» (مانند ۱) - «أن يتأخر» (این فعل یعنی «به تأخیر بیفتد» نه «به تأخیر اندازد»!) - الموعد (مانند ۱)
- ۳ «توافق» (مانند ۲) - امتحانات (مانند ۱) - «الطلاب» (حرف «برای» در تعریب به کار نرفته است، بنابراین «للطلاب» صحیح است!) ترجمه متن:

گاهی انسان احساس می‌کند که دچار غم و غصه‌ای شده است، به همین خاطر توصیه می‌شود که به برخی کارها اقدام کند؛ از جمله: ۱- صحبت کردن با خانواده و دوستان، زیرا انسان هنگامی که حس می‌کند همنشین جمعی از دوستانی است که دوستش دارند، احساس قدرت داشته و توانایی‌اش زیاد می‌شود.

۲- روی آوردن به ورزش در برخی حالات، زیرا گاهی بر فعالیت ماده‌ای شیمیایی معروف به ماده خوشبختی در بدن اثر می‌گذارد و این برای برخی افراد دچار شده سودمند است.

۳- گوش دادن به صداهای آرامش‌بخش و محبوب، مانند قرآن و صداهای در طبیعت و موسیقی، زیرا آرامش را در انسان افزایش می‌دهد، همان‌طور که به کاهش فشار خون و بهبود ضربان قلب کمک می‌کند.

۴- نوشتن دلایل ناراحتی و غم، زیرا در کاهش دردها سودمند است.

۳۶- گزینه ۱ برخی صداها بر کاهش اضطراب‌ها اثر می‌گذارد!

- ۲ رفیق بد نمی‌تواند آرامش را در قلب انسان وارد کند!
- ۳ تمارین ورزشی گاهی به جای داروها عمل می‌کنند!
- ۴ انسان در این دوره به طور پیوسته احساس ناراحتی و مصیبت می‌کند!

۳۷- گزینه ۱ با دیگران درباره زندگی‌ات صحبت کن و

- دردهایت را بیان کن!
- ۲ به اخبار گوش بده و فیلم ببین!
- ۳ از طریق یک دوست صمیمی قدرتهایت را احساس کن!
- ۴ تمارین و درس‌هایت را با اشتیاق بنویس!

۳۸- گزینه ۱ هیچ آرامشی همراه تنبلی نیست!

- ۲ با رها کردن فکر، ناراحتی را رها کن!
- ۳ گشایش پس از سختی‌هاست!
- ۴ داروی ناراحتی، صبر کردن بر آن است!

۳۹- گزینه ۱ پژوهش‌های دانشمندان به این که

- بر شفای بیماران اثر دارد
- ۱ تأکید می‌کند - ورزش - برخی از آن‌ها نه تمامشان
- ۲ اثبات کرده است - تمام صداها - به سرعت
- ۳ اعتقاد دارد - نوشتن روزانه - در همه وقت‌ها (حالات)
- ۴ اظهار می‌کند - کاهش فشار خون - و هیچ شکي در آن نیست

۴۰- گزینه ۲ خطای این گزینه: ماضیه «تأثر» علی وزن تفعّل («تؤثر» بر وزن «تُفَعِّل» مضارع از باب تفعیل است، بنابراین ماضی آن «أثّر» و بر وزن «فَعَّل» می‌باشد!)

۴۱- گزینه ۳ خطای این گزینه: حروفه کَلْها أصلیه و لیس له حرف زائد (فعل «يُساعد» بر وزن «يُفاعل» و مضارع باب مفاعلة است، بنابراین تمام حروف آن اصلی نیست (ثلاثی مجرد نیست) و یک حرف زائد دارد!)

۴۲- گزینه ۲ خطای این گزینه: معرفة «مجموعة» در متن نکره است نه معرفه!

۴۳- گزینه ۲ خطاهای این عبارت: ثمانون (عدد «ثمانون: هشتاد» مانند جمع‌های مذکر سالم است و نون آخر آن همواره فتحه (ـه) دارد، بنابراین «ثمانون» صحیح است!) - يساوي (این فعل مضارع از باب مفاعلة است، بنابراین باید بر وزن «يُفاعل» باشد، پس «يساوي» صحیح است!)

۴۴- گزینه ۱ ترجمه گزینه‌ها:

- ۱ روزنامه‌نگار: کسی که همیشه روزنامه می‌خواند!
- ۲ مُصحّف: به کتابی گفته می‌شود که در آن کلام خاصی باشد!
- ۳ روزنامه: مجموعه‌ای از ورق‌هایی که روزانه منتشر می‌شوند!
- ۴ روزنامه‌ها: در آن‌ها براساس سیاست روزنامه اخبار متعدّد و غیره وجود دارد!

۴۵- گزینه ۱ بررسی گزینه‌ها:

- ۱ مفرد «آلاف: هزاران» / «الف» / مفرد «الکتاب: نویسندگان»: «کاتب»





- ۲ مترادف «جاء بـ آورد»: «أتى بـ آورد» / مترادف «قبل: پذیرفت»: «رفض: نپذیرفت»
- ۳ متضاد «يضيق: تنگ می شود»: «يتسع: فراخ می شود» / متضاد «العلم: دانش»: «الجاهل: نادان»
- ۴ جمع «أستاذ: استاد»: «أستاذة»: جمع «صدیقة: دوست (مؤنث)»: «أصدقاء: دوستان (مذکر)» (دقت کنید که جمع «صدیقة»، «صدیقات» است و مفرد «أصدقاء»، «صديق»!)

۴۶- گزینه ۲ کلمه «خیر» در این عبارت اسم تفضیل نیست، زیرا به معنای «بهتر» یا «بهترین» نمی باشد! در سایر گزینه ها «خیر» اسم تفضیل است و هم چنین «الآخرین» نیز در ۲ اسم تفضیل است! ترجمه گزینه ها:

- ۱ مدیر با بهترین چیزها از آهن و مس سدی ساخت!
- ۲ بهترین صدقه علمی است که در زندگی مان یاد می گیریم و آن را به دیگران یاد می دهیم!
- ۳ بر شماس است که به جماعت پایبند باشید، زیرا برای انجام کارها، تعداد زیاد بهتر از تعداد کم است!
- ۴ در هر چیزی خوبی و زیبایی ای است که آن ها را نمی بینی، مگر این که به آن ها توجه کنی!

۴۷- گزینه ۳ حرف «ن» در «تُصدّقي» نون وقایه است! در سایر گزینه ها در فعل های «تبنی»، «بّنی» و «یتمّتی» حرف «ن» جزء حروف اصلی فعل است و نون وقایه نیست!

۴۸- گزینه ۲ در این عبارت، «ما» به معنای «آن چه» می باشد، اما در سایر گزینه ها «ما» نفی است و فعل را منفی می کند! ترجمه گزینه ها:

- ۱ این دانش آموز دوست نداشت که دیگران شکستش را بفهمند!
- ۲ آن چه که این اتاق نیاز دارد یک کتابخانه کوچک است که برخی از کتاب ها در آن باشد!
- ۳ انسان به کسی خوبی نکرده است، مگر این که نتیجه کارش را با نیکی بهتری می بیند!
- ۴ فرد مؤمن برای خدا مخلص نشده است، مگر این که چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش ظاهر شده است!

۴۹- گزینه ۱ مفعول مطلق نوعی دارای ساختار «فعل + مصدر همان فعل + صفت یا مضاف الیه» است و در ۱ «مدح» فعل، «مدحاً» مصدر و «جیداً» صفت آن است. در سایر گزینه ها چنین ساختاری وجود ندارد.

۵۰- گزینه ۲ در این عبارت، جمله قبل از «إلا» منفی و مستثنی منه محذوف است، بنابراین اسلوب حصر داریم! بررسی سایر گزینه ها:

- ۱ «شیئاً» مستثنی منه و «نوعاً» مستثنی است!
- ۲ «أحد» مستثنی منه و «الله» مستثنی است!
- ۳ «أكثر الناس» مستثنی منه و «الذين» مستثنی است!

۱۴۰۰



دفترچه شماره ۱
آزمون عمومی

خارج از کشور

آقای کنکور
t.me/MrKonkori

ویژه نظام آموزشی ۳-۲-۶

آزمون سراسری ورودی دانشگاه های کشور - ۱۴۰۰

گروه آزمایشی انسانی
آزمون عمومی

نام و نام خانوادگی: شماره داوطلبی:

تعداد سؤال: ۱۰۰ مدت پاسخگویی: ۷۵ دقیقه

عنوان مواد امتحانی آزمون. تعداد. شماره سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره	مدت پاسخگویی
۱	زبان و ادبیات فارسی	۲۵	۱	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی	۲۵	۲۶	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	فرهنگ و معارف اسلامی	۲۵	۵۱	۷۵	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۱۰۰	۲۰ دقیقه

زبان عربی

• عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ مِنْ أَوْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ (٢٦-٣٥).

٢٦- ﴿... مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدْنَا، هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾:

- (۱) کسی که ما را از مرقد خود بیرون آورد، همان است که خدا وعده آن را داده بود، و مرسلین راستگو هستند!
- (۲) کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت، او همان است که رحمن به ما وعده داده بود، و پیامبران راستگو هستند!
- (۳) چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت، این همان است که خداوند رحمن وعده داده، و رسولان راست گفته‌اند!
- (۴) آن که ما را از قبرهایمان بیرون آورد، و این همان چیزی است که خداوند وعده داده است، و پیامبران مرسل راست گفته‌اند!

٢٧- «هُوَ أَسْتَاذُ عَالِمٍ فِي هَذِهِ اللُّغَةِ فَجَادِلْهُ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ لِأَنَّهُ أَعْلَمُ مَنْ فِي هَذِهِ الْبِلَادِ!»:

- (۱) او استاد دانشمندی در این زبان است، پس با او با آن چه نکوتر است بحث کن، زیرا او داناترین کسانی است که در این کشور هستند!
- (۲) او استادی دانشمند در این زبان است، لذا به نیکوترین شیوه با او بحث کن، زیرا او داناتر از کسانی است که در این کشور هستند!
- (۳) او استادی فاضل در این زبان است، پس بحث با او باید به نیکوترین چیز باشد چه او داناترین کسانی است که در این کشور می‌باشند!
- (۴) او استاد فاضلی است در این زبان، لذا باید با او به روشی نیکو بحث علمی کنی چه او داناتر از آن‌هایی است که در این کشور می‌باشند!

٢٨- «دَعِ مِنَ الذِّكْرِيَّاتِ مَا يُزَعِّجُ قَلْبَكَ وَ يَجْعَلُكَ خَائِبًا، لِأَنَّهَا تَمْنَعُكَ مِنَ التَّقَدُّمِ!»:

- (۱) فرو گذار آن چه را که دلت را آزرده می‌سازد از خاطرات ناامیدکننده، زیرا مانع پیشرفت تو می‌شود!
- (۲) از خاطرات آن چه را که دلت را آزرده می‌کند و تو را ناامید می‌سازد رها کن، زیرا آن‌ها تو را از پیشرفت باز می‌دارد!
- (۳) از خاطرات آن چه که قلبت را آزرده می‌سازد و ناامیدت می‌کند، ترک کن، زیرا مانعی برای پیشرفت تو می‌شود!
- (۴) ترک کن آن چه را که قلبت را آزرده می‌کند و خاطراتی که ناامیدت می‌گرداند، زیرا تو را از پیشرفت باز می‌دارد!

٢٩- «لَعَلَّ مَرَحِلَةً مِنَ مَرَاكِحِ الْبَخْلِ هِيَ أَنْ تَعُدَّ مَا تُنْفِقُهُ خَسَارَةً وَ لَا تُرْضَى بِهِ رِضَايَةً فِي نَفْسِكَ!»:

- (۱) شاید یک مرحله از مراحل بخل آن است که خسارت شمرده شود چیزی که اتفاق می‌شود و در درونت به آن راضی نشوی!
- (۲) شاید از مراحل بخل این مرحله باشد که آن چه اتفاق شود خسارت شمرده شود و در باطنت به آن کاملاً راضی نباشی!
- (۳) شاید مرحله‌ای از مراحل بخل این است که خسارت بشمری چیزی را که انفاقش کرده‌ای و در باطنت به آن رضایت نداده‌ای!
- (۴) شاید مرحله‌ای از مراحل بخل آن باشد که آن چه را اتفاق می‌کشی خسارت به شمار آوری و در درونت کاملاً به آن راضی نباشی!

٣٠- «كثير من إختراعات الإنسان الحديثة ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنه لم يستفد من جانبها النافع»:

- (۱) بسیاری از اختراعات انسان در زمینه آبادکردن و ساختن، جدید نیست، زیرا او از جنبه مفید آن استفاده نمی‌کند!
- (۲) تعداد زیادی از اختراعات انسان در بخش آبادسازی و ساختمان به کار نرفته است، زیرا او از جنبه سودمند آن بهره نمی‌برد!
- (۳) بسیاری از اختراعات جدید انسان در زمینه آبادانی و ساختن نیست، زیرا او از قسمت مفید آن‌ها استفاده نکرده است!
- (۴) تعداد زیادی از اختراعات جدید انسان در زمره آبادانی و ساختمان نمی‌باشد، به خاطر این که از بخش مفید آن بهره‌برداری نشده است!

٣١- «النفائات الصناعية تهْدِدُ بِلَدَانَا بِلَوُثِ الْبَيْتَةِ وَ تَضْيِيعِ التَّوْازُنِ فِي طَبِيعَتِهَا، فَمَا أَظْلَمُ الْإِنْسَانُ بِنَفْسِهِ!»:

- (۱) پسماندهای صنایع کشورمان را به آلوده‌شدن محیط زیستش تهدید کرده توازن را در طبیعت از بین می‌برد، پس انسان بسیار ظالم بر خود است!
- (۲) زباله‌های صنعتی کشور ما را به آلودگی محیط زیست تهدید می‌کند و توازن را در طبیعت آن از بین می‌برد، پس چه ظالم است انسان به خودش!
- (۳) زباله‌های ناشی از صنعت محیط زیست ما را در کشور تهدید به آلودگی می‌کند و توازن موجود در طبیعت را از بین خواهد برد، پس انسان بسیار ظلم کرده است!
- (۴) پسماندهای مربوط به صنعت محیط زیست کشورمان را تهدید به آلوده‌کردن می‌کند و توازن آن را در طبیعتش از بین خواهد برد، پس انسان چه‌قدر ظلم می‌کند!

٣٢- «ليس هناك عَظَمٌ فِي اللِّسَانِ وَلَكِنَّهُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْسِرَ الْقُلُوبَ اسْتِطَاعَةً، فَلْتَرَأَوْا كَلَامَنَا!»:

- (۱) در زبان استخوانی وجود ندارد، ولی قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند، پس باید مواظب سخنانمان باشیم!
- (۲) در زبان استخوانی نیست، اما به خوبی توانایی شکستن قلب‌ها را دارد، پس باید از سخنانمان مراقبت کنیم!
- (۳) استخوانی در زبان وجود ندارد، اما توانایی دارد قلب‌های دیگران را کاملاً بشکند، پس باید مراقب سخن گفتنمان باشیم!
- (۴) در هیچ زبانی استخوان نیست، ولی واقعاً می‌تواند قلب‌ها را بشکند، پس باید به خوبی از سخن گفتنمان مواظبت کنیم!

٣٣- «لا فرق بين القط الأسود و القط الأبيض، القطُّ يَجِبُ أَنْ يَقْدَرَ أَنْ يَصِيدَ الْفَأْرَ صَيْدًا لِيُشْبِعَ بَطْنَهُ!»:

- (۱) هیچ فرقی بین گربه سیاه و گربه سفید نیست، گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- (۲) فرقی بین گربه سفید و گربه سیاه اصلاً نیست، چه گربه باید قادر باشد موش بگیرد تا شکمش سیر شود!
- (۳) اصلاً فرقی بین گربه‌ای که سیاه باشد و گربه‌ای که سفید باشد وجود ندارد، حتماً گربه باید قادر باشد موشی بگیرد تا شکمش را سیر کند!
- (۴) فرقی بین گربه که سیاه باشد یا سفید باشد وجود ندارد، قطعاً گربه باید بتواند موشی بگیرد تا شکمش سیر شود!

۳۴- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) أفضل الأعمال الحلم عند الغضب و الصبر عند الطمع: برترین کارها بردباری هنگام خشم است و صبر هنگام طمع!
- (۲) لا تجمع من المال و أنت لا تدري لمن تجمع: از مال و ثروت جمع مکن در حالی که تو نمی‌دانی برای چه کسی جمع می‌کنی!
- (۳) إذا سلمت من الأسد المفترس فلا تطمع في صيده: هرگاه از شیر درنده در سلامت ماندی به شکار کردنش طمع مکن!
- (۴) إن المجاهدين باعوا أرواحهم و اشتروا الجنة: جهادکنندگان جان‌های خود را فروختند تا به بهشت برسند!

۳۵- «برتری دانشمند بر غیر خود، مانند برتری پیامبر بر امت خویش است.»:

- (۱) فضل العالم على غيره، كفضل النبي على أمته!
- (۲) فضل العالم على الآخرين، مثل فضل نبي على أمته!
- (۳) الفضل للعالم على غيره، مثل فضل أنبياء على الأمة!
- (۴) الفضل للعالم على أحد آخر، كفضل الأنبياء على الأمة!

•• اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة (۳۶-۴۲) بما يناسب النص:

إن الماء يَمَرُّ بمراحل، بدءاً من وجوده على سطح الأرض ثم انتقاله إلى الجو ثم عودته إلى سطح الأرض. و هذا الجَوْلان هو أحد الأسباب التي تؤثر على نظام البيئة، حيث إنها تنقل عناصر مهمة من النظام البري في البيئة إلى النظام المائي في البيئة و بالعكس!

إن الحرارة المنبعثة من الشمس تُصَبِّرُ الماءَ بخاراً فيصعد إلى طبقات الجو العليا ثم تُسبَّبُ البرودةُ تكوينَ السُّحب و نزولَ الأمطار. فهذا يُشكِّلُ جريانات سطحية على الأرض تنتهي بالأنهار، و من هناك نحو المحيطات و مرةً أخرى تبدأ تلك المرحلة من جديد!

في هذا الأثناء بعض المياه يَتَحَوَّلُ إلى بركة جميلة و بعضه يجري نحو أعماق الأرض و يُشكِّلُ المياه تحت الأرض، و قسمًا منه يَصعد إلى سطح الأرض عبر العيون!

۳۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (۱) إن بداية دوران المياه في الطبيعة تبدأ من الأمطار!
- (۲) لن ترجع ذرات بخار الماء الموجود في الجو إلى الأرض!
- (۳) إن لم يكن دوران الماء و دوراته لم يكن يتشكّل النظام البري في بيئتنا! (۴) إن مياه الأنهار لا تبقى في مكانها، بل تجري نحو ما فيه كثير من البحار!

۳۷- جواب أي سؤال جاء في النص؟

- (۱) ما هو مقدار مياه تحت الأرض؟ (۲) ما هي أسباب تكوين السحب؟ (۳) ما هو أثر العيون في الطبيعة؟ (۴) ما هي مشكلات فقدان الماء؟

۳۸- عَيْنِ ما لم يُذكر في النص:

- (۱) أثر الشمس في تشكيل المطر!
- (۲) كيفية تحوّل الماء إلى السحاب!
- (۳) أثر دوران المياه على حياة الإنسان!
- (۴) اختلاف البيئة و أثره في نزول المطر!

۳۹- ما هو الموضوع الأساس في النص:

- (۱) أهمية الماء (۲) كيفية تشكيل الأمطار (۳) دوران الماء (۴) أثر المحيطات في نزول الأمطار

•• عَيْنِ الْخَطَأِ في الإعراب و التحليل الصرفي (۴۰-۴۲).

۴۰- «تُسَبَّبُ»:

- (۱) فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - متعدّد/ فعل و فاعله «البرودة»
- (۲) مضارع - للمؤنث الغائب - متعدّد - معلوم/ فعل و فاعله «البرودة» و الجملة فعلية
- (۳) للمفرد المؤنث الغائب - متعدّد - معلوم/ فاعله «البرودة» و مرفوع، و الجملة فعلية
- (۴) للمؤنث - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل)/ فاعله «البرودة» و مفعوله «تكوين» و منصوب

۴۱- «يَتَحَوَّلُ»:

- (۱) مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل) - لازم/ فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۲) فعل مضارع - للمذكر - مزيد ثلاثي - لازم/ فعل و فاعل، و الجملة فعلية و خبر
- (۳) مضارع - للمفرد المذكر الغائب - مزيد ثلاثي (من باب تفعّل)/ فعل و مع فاعله جملة فعلية
- (۴) فعل مضارع - للمفرد الغائب - لازم - معلوم/ فعل و فاعل، و الجملة فعلية و خبر للمبتدأ «بعض»

۴۲- «الْمُنْبِعِثَةُ»:

- (۱) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل - معرّف بأل - معرب/ منصوب بالتبعية للموصوف
- (۲) اسم - مفرد مؤنث - اسم فاعل (مصدر فعله: انبعث)/ خبر «إن» المشبهة بالفعل و مرفوع
- (۳) اسم فاعل (مصدر فعله: انبعث، من باب انفعال) - معرّف بأل/ صفة للموصوف «الحرارة»
- (۴) مفرد مؤنث - اسم فاعل (حروفه الأصلية «بعث»)/ صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «الحرارة»

• عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۴۳-۵۰).

۴۳- عین الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- (۱) تستطيع الجرباء أن تُدير عَيْنِها في اتجاهاتٍ مُختلفة!
(۲) ثمانية و بستون ناقص أحد عشر يساوي سبعة و خمسين!
(۳) في اللغة العربية مئات الكلمات المعربة ذات الأصول الفارسية!
(۴) غيش الحيوانات بعضها على بعض يحقق إيجاد التوازن في الطبيعة!

۴۴- عین الصحيح للفراغ: «..... مجالسة هذا الصديق المجتهد إلى نجاح في أعمالنا أكثر من قبل!»

- (۱) اقتربتنا (۲) تقربتنا (۳) قربتنا (۴) قربت منا

۴۵- عین ما فيه جمع سالم للمذكر:

- (۱) إن كنت من الصائمين فلا تكذب في أعمالك!
(۲) لكل بلد قوانين خاصة يجب على الناس اتباعها!
(۳) الدلافين حيوانات تحب الإنسان أكثر من غيرها!
(۴) علينا أن نساعد المساكين خاصة في فصل الشتاء!

۴۶- عین ما فيه «نون الوقاية» أكثر:

- (۱) لا نظّتي أنك تظلميني و تضريني و لا تشاهدين عاقبة عملك!
(۲) يسألونني عن مهني المختلفة و شرحت لهم خسراي في بعضها!
(۳) أتمنى أن يوصلني أبي إلى مدرستي و يستودعني الله كل صباح!
(۴) شجعتني و نصحتني معلّمي بتنظيم البرنامج و ساعدني في إجرائه!

۴۷- عین ما ليس فيه جملة فعلية:

- (۱) الجولة العلمية عمل مفيد لنا تفرحنا رغم صعوبتها!
(۲) لا كاتب إلا أن يكون مجتهدا في الكتابة، فأكتب كثيرا!
(۳) إن الطين تراب يختلط بالماء و لو زالت عنه الرطوبة!
(۴) حتى الورد المتساقط على الأرض جماله كثير للناظرين!

۴۸- عین المفعول به معربا:

- (۱) كلما نحصي ما كسبناه حتى الآن نشعر بالسعادة،
(۲) هذا الأمر يوصلنا إلى نتيجة رائعة،
(۳) و هي أن السعادة نجدها في أفكارنا و ليست بخارج منها،
(۴) فإذا نحصي الأشياء التي نحتاج إليها نطن أنه لا سعادة لنا!

۴۹- عین نائب الفاعل من الأعداد:

- (۱) ما يُزرع في الدنيا مرة واحدة يُمكن أن يُحصد عشر مرات!
(۲) إشتراك في السباق العلمي مائة طالب و نجح سبعة طلاب منهم!
(۳) تشاهد مئات المصايح الملونة في أعماق البحر خلقت للظلام!
(۴) قد ألف عدد من كتب علم اللغة يضم آلاف الكلمات الفارسية المعربة!

۵۰- عین الصفة يختلف نوعها:

- (۱) نحن نغرس الأشجار المثمرة و نأمل أن نستفيد منها!
(۲) إن الدنيا عند المؤمن أهون من ورقة تقضمها الجراد!
(۳) يقدر التماسيح أن يأكل فريسة أكبر من فمه بسهولة!
(۴) تساعد الذاكرة القوية الإنسان على التعلم الأحسن!

زبان عربی

۲۶- گزینه

کلمات مهم: «مَنْ بَعَثْنَا»: چه کسی ما را برانگیخت / «مَنْ مَرَقَدْنَا»: از آرامگاهمان / «هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ»: این همان است که خداوند رحمن وعده داده / «صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ»: رسولان راست گفته‌اند خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ کسی که (در این آیه شریفه «مَنْ» کلمه پرسشی است!) - «هَذَا: این» در ترجمه لحاظ نشده است! - آن را (اضافی است!) - راستگو هستند («صَدَقَ: راست گفت» فعل است نه اسم!)

۲ کسی (مانند ۱) - او («هَذَا» یعنی «این»!) - به ما (اضافی است!) - راستگو هستند (مانند ۱)

۴ قبرها («مَرَقَدَ» مفرد است نه جمع!) - و (اضافی است!)

۲۷- گزینه

کلمات مهم: «هُوَ أَسْتَاذُ عَالِمٍ»: او استاد دانشمندی است / «فِي هَذِهِ اللُّغَةِ»: در این زبان / «فَجَادِلْهُ»: پس با او بحث کن / «بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: با آن چه نکوتر است / «لَأَنَّهُ»: زیرا / «أَعْلَمُ مَنْ فِي هَذِهِ الْبِلَادِ»: داناترین کسانی است که در این کشور هستند.

خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ به نیکوترین شیوه (کلمه «أَلَّتِي»: آن چه» در ترجمه لحاظ نشده است!) - داناتر از («از» اضافی است و باید «أَعْلَمُ» را به صورت «داناترین» ترجمه کرد!)

۳ بحث با او («جَادِلْ» فعل امر است نه اسم!) - باید باشد (اضافی است!) ۴ باید بحث کنی (در امرهای مخاطب از لفظ «باید» استفاده نمی‌کنیم!) - نیکو («أَحْسَنُ» اسم تفضیل است و باید همراه «تر» یا «ترین» ترجمه شود!) - علمی (اضافی است!) - داناتر از (مانند ۲)

۲۸- گزینه

کلمات مهم: «ذَعَّ»: رها کن / «مَنْ الذِّكْرِيَّاتُ»: از خاطرات / «مَا يَزْعَجُ قَلْبُكَ»: آن چه را که دلت را آزرده می‌کند / «يَجْعَلُكَ خَائِبًا»: تو را ناامید می‌سازد / «لَأُثْبِتَهَا»: زیرا آن‌ها / «تَمْنَعُكَ مِنَ التَّقَدُّمِ»: تو را از پیشرفت باز می‌دارد

خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ خاطرات ناامیدکننده (اولاً «خَائِبًا» صفت «الذِّكْرِيَّاتُ» نیست، ثانیاً «يَجْعَلُكَ» ترجمه نشده است!) - مانع می‌شود («تَمْنَعُ» یعنی «منع می‌کند»!) - پیشرفت تو («التَّوَقُّعُ» ضمیری ندارد!)

۳ خاطرات (الذِّكْرِيَّاتُ) ضمیری ندارد! - مانعی می‌شود (مانند ۱) - پیشرفت تو (مانند ۱)

۴ خاطراتی که (اولاً «الذِّكْرِيَّاتُ» معرفه است نه نکره، ثانیاً حرف «مَنْ: از» ترجمه نشده است!)

۲۹- گزینه

کلمات مهم: «لَعَلَّ»: شاید / «مَرَحَلَةٌ مِنْ مَرَاهِلِ الْبُخْلِ»: مرحله‌ای از مراحل بخل / «هِيَ أَنْ تَعُدَّ مَا تُنْفِقُهُ خَسَارَةً»: آن باشد که آن چه را اتفاق می‌کند خسارت به شمار آوری / «لَا تُرْضَى بِهِ رِضَايَةً»: کاملاً به آن راضی نباشی / «فِي نَفْسِكَ»: در درونت

خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ شمرده شود («تَعُدَّ» معلوم و مخاطب است نه مجهول و غایب!) - اتفاق می‌شود («تُنْفِقُهُ» معلوم است نه مجهول!) - کلمه «رِضَايَةً» که مفعول مطلق تأکیدی است در ترجمه لحاظ نشده است!

۲ این (اضافی است!) - اتفاق شود (مانند ۱) - شمرده شود (مانند ۱)

۳ انقافش کرده‌ای («تُنْفِقُهُ» مضارع است نه ماضی!) - کلمه «رِضَايَةً» که مفعول مطلق تأکیدی است در ترجمه لحاظ نشده است!

۳۰- گزینه **کلمات مهم:** «كَثِيرٌ مِنْ اخْتِرَاعَاتِ الْإِنْسَانِ الْحَدِيثَةِ»: بسیاری از اختراعات جدید انسان / «لَيْسَتْ فِي مَجَالِ الْإِعْمَارِ وَ الْبِنَاءِ»: در زمینه آبادانی و ساختن نیست / «لَأَنَّهُ»: زیرا او / «لَمْ يَسْتَفِدْ»: استفاده نکرده است / «مِنْ جَانِبِهَا النَّافِعِ»: از قسمت مفید آن‌ها خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ جدید نیست («الْحَدِيثَةُ» صفت «اخْتِرَاعَاتِ» است نه خبر «لَيْسَ»!) - استفاده نمی‌کند («لَمْ يَسْتَفِدْ» معادل ماضی منفی است نه مضارع)

۲ اختراعات انسان («الْحَدِيثُ» در ترجمه لحاظ نشده است!) - به کار نرفته است (معادل «لَيْسَتْ» نیست!) - بهره نمی‌برد (مانند ۱)

۴ بهره‌برداری نشده است (در این عبارت «لَمْ يَسْتَفِدْ» معلوم است نه مجهول!)

۳۱- گزینه **کلمات مهم:** «النَّفَايَاتِ الصَّنَاعِيَّةِ»: زباله‌های

صنعتی / «تُهَدِّدُ بِلَادَنَا»: کشور ما را تهدید می‌کند / «بِتَلَوُّثِ الْبَيْئَةِ»: به آلودگی محیط زیست / «تَضِعُ التَّوْازُنَ فِي طَبِيعَتِهَا»: توازن را در طبیعت آن از بین می‌برد / «فَمَا أَظْلَمُ الْإِنْسَانَ بِنَفْسِهِ»: پس چه ظالم است انسان به خودش

خطاهای سایر گزینه‌ها:

۱ صنایع («صَّنَاعِيَّةٌ» یعنی «صنعتی»!) - زیستش (ضمیر «ش» اضافی است!) - طبیعت (ضمیر موجود در «طَبِيعَتِهَا» ترجمه نشده است!) - بسیار ظالم است («مَا أَظْلَمُ» دارای ساختار تعجب است و معادل «چه ظالم است» می‌باشد!)

۳ ناشی از (اضافی است!) - صنعت (مانند ۱) - محیط زیست ما («الْبَيْئَةُ» ضمیری ندارد!) - در کشور (اولاً «در» اضافی است ثانیاً ضمیر موجود در «بِلَادَنَا» ترجمه نشده است!) - موجود (اضافی است!) - طبیعت (مانند ۱) - از بین خواهد برد («تَضِعُ» معادل مضارع است نه آینده!)

۴ بسیار ظلم کرده است (مانند ۱) - «بنفسه» در ترجمه لحاظ نشده است! ۴ مربوط به (اضافی است!) - صنعت (مانند ۱) - محیط زیست کشورمان («الْبَيْئَةُ» و «بِلَادُ» مضاف و مضاف‌إلیه نیستند!) - آلوده کردن («تَلَوُّثٌ» یعنی «آلوده‌شدن»!) - از بین خواهد برد (مانند ۲) - چه قدر ظلم می‌کند (مانند ۱) - «بنفسه» در ترجمه لحاظ نشده است!

۳۲- گزینه **کلمات مهم:** «لَيْسَ هُنَاكَ عَظْمٌ»: استخوانی وجود

ندارد / «فِي اللِّسَانِ»: در زبان / «وَلَكِنَّهُ»: ولی / «يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكْسِرَ الْقُلُوبَ اسْتَطَاعَةً»: قطعاً می‌تواند دل‌ها را بشکند / «فَلْتُرَاقِبْ كَلَامَنَا»: پس باید مواظب سخنانمان باشیم.

خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ به خوبی («اسْتَطَاعَةً» مفعول مطلق تأکیدی است نه نوعی!) - شکستن («يَكْسِرُ» فعل است نه مصدر!)

۳ دیگران (اضافی است!) - کاملاً بشکند (قید «کاملاً» که معادل مفعول مطلق تأکیدی است مربوط به «توانستن» است نه «شکستن»، زیرا مصدر «اسْتَطَاعَةً» مربوط به فعل «يَسْتَطِيعُ» می‌باشد نه «يَكْسِرُ»!)



۴ هیچ زبانی (اولاً «هیچ» اضافی است ثانیاً «اللسان» معرفه است نه نکره!) - استخوان («عظم» نکره است نه معرفه!) - به خوبی (اضافی است!)

۳۳- گزینه ۱ کلمات مهم: «لا فرق»: هیچ فرقی نیست / «بین القَطْ الأسود و القَطْ الأبيض»: بین گربه سیاه و گربه سفید / «القَطْ»: گربه / «يجب أن يقدر أن يصيد الفأر صيداً»: گربه باید بتواند حتماً موش بگیرد / «لِشيع بطنه»: تا شکمش را سیر کند خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ چه (اضافی است!) - «صيداً» که مفعول مطلق تأکیدی است در ترجمه لحاظ نشده است! - شکمش سیر شود (با توجه به منصوب بودن «بطن») این کلمه مفعول و فعل «یشيع» معلوم است نه مجهول! ۳ گربه‌ای که سیاه باشد (اولاً «القَطْ» معرفه است نه نکره، ثانیاً «الأسود» صفت از نوع اسم است نه جمله!) - گربه‌ای که سفید باشد (اولاً «القَطْ» معرفه است نه نکره، ثانیاً «الأبيض» صفت از نوع اسم است نه جمله!) - حتماً «صيداً» که مفعول مطلق تأکیدی است فقط بر معنای فعل «يصيد» تأکید می‌کند نه کل جمله! - موشی («الفأر» معرفه است نه نکره!)

۴ فرقی (کلمه «هیچ» در ترجمه «لای نفی جنس» لحاظ نشده است!) - گربه که سیاه باشد (مانند ۳) - یا (معادل «و» نیست!) - قطعاً (مانند ۳) - موشی (مانند ۳) - شکمش سیر شود (مانند ۲)

۳۴- گزینه ۲ خطای این عبارت: تا به بهشت برسند (معادل «و اشتروا الجنة» و بهشت را خریدند» نیست!)

۳۵- گزینه ۱ کلمات مهم: برتری دانشمند: «فضل العالم» / بر غیر خود: «علی غیره» / مانند برتری پیامبر: «كفضل النبي» / بر امت خویش است: «علی آئمه» خطاهای سایر گزینه‌ها:

۲ «الآخرین» (معادل دقیقی برای «غیر خود» نیست!) - «نبي» (پیامبر) معرفه است نه نکره!

۳ «أنبياء» (اولاً «پیامبر» معرفه است نه نکره، ثانیاً مفرد است نه جمع!) - «الآمة» (ضمیر موجود در «امت خویش» در عبارت عربی نیامده است!)

۴ «أحد آخر» (معادل دقیقی برای «غیر خود» نیست!) - «الأنبياء» (پیامبر) مفرد است نه جمع!) - «الآمة» (مانند ۳) ترجمه متن:

«آب چند مرحله را طی می‌کند، ابتدا وجودش بر سطح زمین سپس انتقالش به هوا سپس بازگشتش به سطح زمین. و این چرخه یکی از دلایلی است که بر نظام محیط زیست اثر می‌گذارد، از آن‌جا که عناصر مهمی را از نظام خشکی به نظام آبی در محیط زیست منتقل می‌کند و برعکس! گرمای فرستاده‌شده از سوی خورشید آب را بخار می‌کند سپس تا طبقات بالاتر جو صعود می‌کند سپس سرما سبب تشکیل ابرها و بارش باران‌ها می‌شود. و این، جریان‌های سطحی را که به رودخانه‌ها و از آن‌جا به سمت اقیانوس‌ها منتهی می‌شود، بر روی زمین تشکیل می‌دهد و یک بار دیگر از نو آن مراحل شروع می‌شود!

در این حین برخی آب‌ها به برکه زیبایی تبدیل می‌شوند و برخی به سمت اعماق زمین جاری شده و آب‌ها را زیر زمین تشکیل می‌دهند، و قسمتی از آن از طریق چشمه‌ها تا سطح زمین بالا می‌آید!

۳۶- گزینه ۲ ترجمه گزینه‌ها:

- ۱ شروع چرخه آب‌ها در طبیعت از باران‌ها آغاز می‌گردد!
- ۲ ذرات بخار آب موجود در هوا به زمین باز نخواهند گشت!
- ۳ اگر چرخه آب نبود نظام خشکی در محیط زیست ما تشکیل نمی‌شد!
- ۴ آب‌های رودخانه‌ها در جای خود باقی نمی‌مانند بلکه به سمت آن‌چه که در آن بسیاری از دریاهاست جاری می‌شوند!

۳۷- گزینه ۲ پاسخ کدام سؤال در متن آمده است؟

- ۱ مقدار آب‌های زیر زمین چهقدر است؟
- ۲ دلایل تشکیل ابرها چیست؟
- ۳ اثر چشمه‌ها در طبیعت چیست؟
- ۴ مشکلات نبود آب چیست؟

۳۸- گزینه ۱ تعیین کن آن‌چه را که در متن ذکر نشده است:

- ۱ اثر خورشید در تشکیل باران!
- ۲ چگونگی تبدیل آب به ابر!
- ۳ تأثیر چرخه آب‌ها بر زندگی انسان!
- ۴ تغییر محیط (ها) و اثر آن در بارش باران!

۳۹- گزینه ۳ موضوع اصلی متن چیست؟

- ۱ اهمیت آب
- ۲ چگونگی تشکیل باران‌ها
- ۳ چرخه آب
- ۴ تأثیر اقیانوس‌ها در بارش باران‌ها

۴۰- گزینه ۱ خطای این گزینه: من باب تفعل «تُسبب» بر وزن «تُفعل» مضارع از باب تفعیل است!

۴۱- گزینه ۲ خطای این گزینه: من باب تفعیل «يتحوّل» بر وزن «يتفعل» مضارع از باب تفعیل است!

۴۲- گزینه ۲ خطای این گزینه: خبر «إنّ» و مرفوع «المنبعثة» صفت «الحرارة» و منصوب به تبعیت از آن است!

۴۳- گزینه ۲ خطاهای این عبارت: «ستون» (عدد) «ستون: شصت» مانند جمع‌های مذکر سالم است و نون آخر آن همواره فتحه (ـَ) دارد، بنابراین «ستون» صحیح است! - «خمسین» (عدد) «خمسین: پنجاه» مانند جمع‌های مذکر سالم است و نون آخر آن همواره فتحه (ـَ) دارد، بنابراین «خمسین» صحیح است!

۴۴- گزینه ۳ «همنشینی با این دوست کوشا بیش از پیش به موفقیت در کارهایمان»:

- ۱ اقترَبْتُ + نا («اقترَب» لازم است و مفعول نمی‌گیرد).
- ۲ تقَرَّبْتُ + نا («تقَرَّب» هم لازم است).
- ۳ قَرَّبْتُ + نا (ما را نزدیک کرد ← «قَرَّب» متعدی است و مفعول می‌پذیرد).
- ۴ قَرَّبْتُ + من + نا (به ما نزدیک کرد ← در این عبارت نیازی به آمدن «من» نیست).

۴۵- گزینه ۱

در این عبارت، «الصائمين» جمع مذکر سالم و مفرد آن «صائم: روزه‌دار» می‌باشد!

در ۲ «قوانین» جمع مکتسر «قانون»، در ۳ «الدلافین» جمع مکتسر «الدلفین» و در ۴ «المساکین» جمع مکتسر «المسکین» است!

۴۶- گزینه ۲

در این گزینه، نون در «شَجَعَنِي: مرا تشویق کرد»، «نصَحَنِي: مرا نصیحت کرد» و «سَاعَدَنِي: مرا یاری کرد» نون وقایه است! بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ نون در «تَظْلِمِينِي: به من ستم می‌کنی» و «تَضَرِّبْنِي: به من آسیب می‌رسانی» نون وقایه و نون در «لَا تَظْطِي: گمان مکن» جزء حروف اصلی فعل است!

۲ نون در «يَسْأَلُونَنِي: از من سؤال می‌کنند» نون وقایه است. دقت کنید که «مِهَن: شغل‌ها» و «خَسْرَان: زیان» اسم هستند و نون وقایه به اسم‌ها متصل نمی‌شود و نون جزء خود کلمه است!

۳ نون در «يُوصِلُنِي: مرا برساند» و «يَسْتُوْدَعُنِي اللهُ: مرا به خدا بسپارد» نون وقایه و نون در «أَتُمَتِّي: آرزو می‌کنم» جزء حروف اصلی فعل است!

۴۷- گزینه ۲

در این عبارت اصلاً فعلی وجود ندارد! در ۱ «تَفَرَّحْنَا...»، در ۲ «أَكْتُبَ...» و در ۳ «يَخْتَلَطُ...» جمله فعلیه هستند!

۴۸- گزینه ۲

در این عبارت کلمه «الأشياء» مفعول و معرب است! بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «ما» و «ه» مفعول هستند که هر دو مبنی می‌باشند، زیرا «ما» موصول و «ه» ضمیر می‌باشد!

۲ «نا» مفعول (یوصلنا) و مبنی است، زیرا ضمیر می‌باشد!

۳ «ها» (نجدها) مفعول و مبنی است، زیرا ضمیر می‌باشد!

ترجمه گزینه‌ها:

۱ هرگاه آن چه را که تاکنون به دستش آوردیم، می‌شماریم احساس خوشبختی می‌کنیم،

۲ این امر ما را به نتیجه‌ی جالبی می‌رساند،

۳ و آن این است که آن را در افکارمان می‌یابیم و در خارج از آن نیست،

۴ پس اگر چیزهایی را بشماریم که به آن‌ها نیاز داریم، گمان می‌کنیم که هیچ خوشبختی نداریم!

۴۹- گزینه ۳

در این عبارت، «مئات: صدها» نایب فاعل «تُشَاهَد: دیده می‌شود» و از اعداد اصلی است! بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ در هر دو فعل «يُزْرَع: کاشته می‌شود» و «يُحْصَد: درو می‌شود»، نایب فاعل ضمیر مستتر «هو» است!

۲ در این عبارت فعل مجهول و در نتیجه نایب فاعلی وجود ندارد!

۴ کلمه «عدد» نایب فاعل «قَدْ أَلَّفَ: تألیف شده است» می‌باشد که از اعداد نیست!

۵۰- گزینه ۲

در این عبارت «تَقْضِيهَا...» صفت از نوع جمله برای اسم نکره «ورقة» می‌باشد اما در ۱ «المثمرة» و در ۳ «أكبر» و در ۴ «القوية» و «الأحسن» صفت از نوع اسم هستند!